

نطق‌های شیخ محمد خیابانی

حاوی : شرح حال زندگانی، خیابانی و ۶۹ نطق مهم
اجتماعی - سیاسی - اخلاقی - فلسفی

تهیه و تنظیم :
بهرام خیابانی

نطق‌های شیخ محمد خیابانی

گردآورنده و تهیه و تنظیم: بهرام خیابانی

گردآورنده و تهیه و تنظیم:

بهرام خیابانی

مجموعه

نظرات شیخ محمد خیابانی

(حاوی شرح حال زندگانی خیابانی و ۶۹ نطق مهم)

اجتماعی - سیاسی - اخلاقی - فلسفی

عامه بایک توجه زاید الوصف تلقی میگردید .

این مرد بافضل و کمال و این ناطق خوش بیان صاحب سنجیه اخلاقی و متانت رای بوده شور و حرارت غربی به مشروطیت و آزادی داشت عشق و علاقه و آفری نسبت با اصلاحات اجتماعی و سیاسی کشور ابراز مینمود و پیوسته در راه نجات ملت و آزادی مملکت فدائی بوده است .

نظماً آنیکه در ایام قیام دمو کراتهای آذربایجان در تبریز ایراد کرده و مقالاتی که در جراید انتشار داده بهترین گواه بر صدق این مقال است نظر بر این که مطالعه نطقها و خطابه های او برای عموم طبقات روشن فکر و نخب جوان بویژه برای محصلین و دانشجویان بسیار مفید میباشد لهذا نگارنده با زحمات زیاد و صرف اوقات قسمت های مختلفه از نطق و خطابه و مقاله و رساله مرحوم خیابانی را از مطبوعات وقت جمع آوری کرده و در این مجموعه در آورد که طالبان مطالب اجتماعی و سیاسی و مباحث فلسفی و اخلاقی از مطالعه آنها بهره مند گردند .

این مجموعه که بشکل یک کتاب مهم در « سیاست و اجتماع » در آمده برای آزادیخواهان و طرفداران تجدد تحفه نفیسی است امید است این خدمت ناچیز در پیشگاه ارباب فضل و ادب مطبوع واقع شده و از لغز شهای قلمی اغماض فرموده و با تذکر و اقص نسبت بشکمیل این مجموعه اجتماعی مساعدت مبذول دارند .

زندگانی خیابانی : شیخ محمد خیابانی فرزند حاج عبد الحمید تاجر خامنه در سال ۱۲۹۷ هجری قمری در قصبه خامنه از توابع تبریز متولد شده و در تاریخ ۲۹ ذی حجه الحرام ۱۳۳۸ در اثر (حادثه قیام) در شهر تبریز بقتل رسیده است .

مرحوم خیابانی پس از کسب مقدمات علوم در اوایل صباوت جوانی بتحصیل فقه و اصول پرداخته و در این رشته از اساتید گردید . در هیئت و نجوم و علوم ریاضی و طبیعی مخصوصاً در حکمت و کلام مهارتی بسزاداشت . ناطق میرز و نویسندگی زیر دست بود . در انقلاب مشروطیت ایران هنگامیکه قوای محمد علیشاه شهر تبریز را

۱ - مقدمه

در این موقع که نخب دمو کراسی ایران بادیوار تجماع و استبداد در جنگ و نبرد است و زعمای ملی و شخصیت های برجسته آزادیخواه بادشمنان تقوی و فضیلت در بدال و مبارزه هستند و میخواهند افکار عمومی را بطرف اصول (حاکمیت ملی) و طریق عدالت اجتماعی هدایت نمایند و افراد ملت را بسوی آزادی و دمو کراسی حقیقی که توأم با سعادت و مدنیت و ترقی کشور ایران باشد سوق دهند بسیار مناسب و بلکه لازم دیدم که نطقهای مرحوم « شیخ محمد خیابانی » را که از پیشوایان ملیون آذربایجان و مبلغ و هادی اصول دمو کراسی در ایران بوده جمع آوری نموده و بشکل مجموعه نفیسی تقدیم هموطنان خود نمائیم .

چون مرحوم خیابانی پیوسته از طرز رفتار هیئت جاگمه و مظالم و فسار طبقات ممتازه انتقاد کرده و دستورات مفید با مضامین عالی و بکر بدمو کراسی ایران میداده است - انتشار این نطقها خدمتی است برای تربیت نسل جوان و دمو کراسی ایران اینک این مجموعه اجتماعی و سیاسی بمعرض استفاده عموم آزادیخواهان بویژه نخب دمو کرات جوان گذاشته میشود (حسین فرزاد)

شرح حال : شیخ محمد خیابانی از خطبای بلیغ و ناطقین فصیح را نویسنده گان زبردست عصر مشروطیت بوده - برای آزادی و استقلال کشور فداکاریها نموده است این مرد فدا کار و این رجل نامدار افتخار آذربایجان و ایران است - خیابانی قلم جالب و نطق جاذب و بیان مهیج داشت از خواندن و نوشته های او روح آزادیخواهی ر ضد ارتجاع در خواننده تولید میشود و از استماع بیانات او حس شجاعت و غرور ملی در شنونده پدید میآید با دلایل حسی و بر این منطقی اذهان مستمعانرا مجذوب خود مینمود و موضوعرا در قلوب آنها تزیین میکرد . و همیشه ضمن بیانات و دستورهای علمی که بمردم میداد یک سلسله تلقینات و ارشادات نظری نیز مینمود که از طرف

محاصره و راه آذوقه و آب را بر مردم شهر بسته بودند - مرحوم خیابانی دوس بدوش مجاهدین و آزادیخواهان از شهر دفاع کرده و بانیروی استبداد نبرد میکرد - خیابانی از اعضای میرز (انجمن ایالتی آذربایجان بود) پس از خاتمه دوره انقلاب و فتح آذربایخواهان در دوره دوم مجلس شورای ملی نمایندگی آذربایجان را داشت و همیشه در مقابل ارتجاع از حقوق ملی و آزادی دفاع مینمود و عضو مهم فرقه (دمو کرات) ایران بود .

خیابانی پس از تعطیل اجباری مجلس و شروع ایام فترت چند سال متواری بود بعدها به تبریز برگشت بجهت زمامداری حاج صمدخان شجاع الدوله - و سردار رشید در آذربایجان مدتی منزوی گردید .

تا آنکه در اثر بروز انقلاب کبیر روسیه در سال ۱۳۳۵ و سرنگون شدن بساط استبداد و ارتجاع نهضت ملیون در آذربایجان آغاز شد - خیابانی فرقه دمو کرات را از نو در تبریز تشکیل داد و روزنامه (تجدد) را که ارکان رسمی حزب بوده منتشر میساخت در دوره چهارم مجلس شورای ملی نیز جزو نمایندگان آذربایجان انتخاب شده بود ولی بعلمت وقوع حادثه (قیام) و اتفاق قتل آن مرحوم موفق نشد در مجلس چهارم شرکت جوید .

۳- قیام خیابانی

شیخ محمد خیابانی از مخالفین جدی قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس بود - و سرهتین اصل با وثوق الدوله رئیس الوزراء و عاقد قرارداد مخالفت مینمود - برای اعتراض بعملیات و وثوق الدوله و دفاع از استقلال و آزادی ایران در تاریخ ۱۷ برج حمل ۱۲۹۹ خورشیدی دمو کراتهای تبریز تحت قیادت و پیشوائی (خیابانی) قیام نمودند ادارات شهر و مراکز حکومت را اشغال و مامورین اعزامی مرکز را مجبور به مراجعت طهران نمودند .

منظور از قیام این بود که درغیاب مجلس يك نیروی ملی تشکیل داده و بانکای

این قوه شروع با اصلاحات اساسی نمایند (از قوه بفعل آوردن مشروطیت و اجرای کامل قانون اساسی) مرام و مقصد قیام تبریز بود - این قیام شش ماه طول کشید مرحوم خیابانی همه روز عصرها در ضمن نطق و بیان کافی مرام و منظور آذربایخواهان و ملیون آذربایجان را بسمع عموم رسانیده و مردم را برای حفظ آزادی و استقلال ایران تشویق و تشجیع می نمود و بالاخره در تاریخ ۲۸ ذیحجه الحرام ۱۳۳۸ مطابق ۲۱ سنبله ۱۲۹۹ به فرمان حاج مخبر السلطنه (مهدیقلی هدایت) که از طرف کابینه مشیرالدوله برای فرمانروائی آذربایجان اعزام شده بود بساط قیام خیابانی برچیده شد و خود او نیز هدف تیر ارتجاع گردیده بقتل رسید .

تفصیل جزئیات و موجبات قیام و علل شکست آن از موضوع این مجموعه خارج است و در رساله دیگر منتشر میشود نگارنده که در آن موقع از نزدیک ناظر جریان قیام بودم و بیطرفانه اوضاع را مینگرستم نتیجه که بدست آوردم اینست (خیابانی) در میان رفقا و همکارانش تنها بود این مرد بزرگ واقف با سرار اجتماع و رموز سیاست بوده و حسن فداکاری و مجاهدت در راه آزادی با تمام معنی در آن مرحوم جمع بود چنانکه در راه همین مقصود و منظور هم خود را فدا نمود و از جان خود نیز مضایقه نکرد ولی همکاران دیگر او که مدیریت قیام را در عهده داشتند (باستثنای یکی دو نفر) از این سجایا عاری بودند با فریب ارتجاع خوردند یا دروغ گفتند و استقامت و پایداری در حفظ قیام از خود نشان ندادند و همین امر باعث شکست قیام و قتل خیابانی گردید .

نطق روز شنبه ۲۸ حمل ۱۲۹۹

مرحوم خیابانی در نطق این روز که عصر در صحن اداره «تجدد» ایراد کردند با بیان فصیح خود مرام و مقصود اساسی دمو کراتها را تشریح نموده و تا اکتیام ملی حزب را توضیح داده اصول رادیکالیسم را با او نورتنیسم مقابله مینماید و وقایع و حوادث تاریخی انقلاب مشروطیت ایران را از نقطه نظر فلسفه اجتماعی انتقاد کرده و عدم کفایت اصلاحات سطحی و ظاهر سازی را با دلایل حسی آشکار و ثابت

میکنند و میگویند :

رادیکالیسم و اپورتنیسم

«تا امروز عدم رضایت و ناخشنودی مردم و آزادبخواهان معطوف و متوجه به اشخاص و زمامداران وقت بوده .

عزل مامورین مقصر و نصب مامورین جدید را اولین و آخرین حد عملیات خود قرار داده و بدین وسیله همیشه يك اخگر سوزان را در زیر خاکستر های سرد فراهوش نموده اند . و بالاخره خود را در روبروی حریفهای ناگه ظهور و خانمانسوز یافته اند .

دیگر وقت آن رسیده است که اصلاحات را فقط از نظریات قصد ننموده و عملیات را نیز بطور استوار و محکم بروی يك زمینه صحیح تکیه و استناد بدهند . چنانچه معلومست رادیکالیسم یعنی « جذریت » در مسلك - مستلزم عملیات عمیق و اقدامات سربه و قاطعه است که عیوبات مشهوده و موجوده را بالمره از بین و برن کنده هیئت جامعه را بیکباره از اثرات و نتایج سوء آن خلاصی میبخشد بر عکس رادیکالیسم « اپورتنیسم » یا « فرصت جوئی » و « ملاحظه کاری » در مسلك سیاسی ، مروج مباحثات و مسامحات بیهوده که اغلب بهانه یگانه آنها عبارت از تصور یکمده اشکالات عملی و موانع موجوده است ، این دو مسلك را میتوان از چند نقطه نظر ملاحظه نمود و در تطبیق آنها طرق عدیده پیش بینی نمود ولی از مقایسه دو عقیده فوق فهمیده خواهد شد -

در مملکتی که همه چیز داعی و هادی بر اهمال و مسامحه میباشد قاطع ترین و صالح ترین طریق حل مسائل مغلقه و اجرای اصلاحات اساسیه فقط در سایه رادیکالیسم متین و لایزال میتواند صورت بگیرد .

تطبیق رادیکالیسم یعنی جذریت در اصلاحات مملکتی شمار بست که اتخاذ شده همه باید در رعایت آن استقامت ورزند .»

نطق دوم روزیکشنبه ۲۹ حمل ۱۳۹۹

اتحاد و تفرقه

مرحوم خیابانی در این نطق معنای اساسی (اتحاد و تفرقه) را مورد بحث قرار داده و آنها را با سبک مخصوص خود تشریح و تفسیر می نماید .

(عقیده نا یکدرجه معنابه ، تحت تأثیر منافع صنفی و شخصی واقع می شود و آنانکه با وجود انتساب مادی و طبیعی خودشان بیک صنف ممتاز (مثلاً اشراف) ادعای پیروی از يك عقیده راجع بیک صنف مخالف (مثلاً عوام) می نمایند نودونه درصد دروغ میگویند و می خواهند ساده لوحان زود باور را فریب داده استفاده شخصی خودشان را از این راه تامین کنند - نداهای (زنده باد اتحاد) و (زنده باد اتفاق) از این نقطه نظر است که در میان يك جماعت متفرق از حیث منافع و آمال و بالتبع متفرق از حیث فکر و عقیده گاه گاهی بلند میشود .

اتحاد و اتفاق بی اساس که در تحت تأثیر هیجانات سریع الافول و تاثرات ناگهانی بوجود میاید ناپایدار بوده و نمیتواند از عهده اقدامات وسیعه که محتاج بمرور يك زمان طولانی میباشد ، بر آید .

بر عکس باید گفت (زنده باد تفرق) (زنده باد تخریب) این ندا عاری از ریا و تزویر است و بهتر که منافع و عقاید از همدیگر جدا شده بر طبق مصالح و آمال اجرای فعالیت نمایند - هر کدام توانا تر و قادر است بر دیگری چربیده يك وضعیت پایدار و استوار در مملکت تاسیس نماید که موافق و مساعد با آمال و نظریات خودش باشد . -)

نطق سوم - روز دوشنبه ۳۰ حمل ر ۱۳۹۹

(حاکمیت ملت)

در این نطق مرحوم خیابانی با يك حرارت فوق العاده و بیانات مهیج بحث

(حکومت ملی) را مورد گفتگو قرار داده با بیان فصیح خود قدرت و عظمت حاکمیت ملی را تشریح و تفسیر نموده و از اولیای امور و دولت وقت انتقاد مینماید و در خاتمه میگوید:

(نمایندگانی که با پول و دسیسه مامورین انتخاب شده اند نماینده ملت نیستند آنها نمایندگان خائنین ملت هستند روح ملت فدای هیچ کس نیست ارواح خادمین ملت باید فدای ملت شود -

اجازه ملت برای انجام گرفتن هر کار لازم است - دست آهنین ملت است که بعد از این در بالای سر دولت خواهد بود) -

این نطق موجب تحریک حاضرین شده بادست زدن های طولانی تلقی گردید

(۴) نطق چهارم روز سه شنبه ۳۱ - ۱۳۹۹

مرحوم خیابانی در این نطق لزوم تشکیلات و فواید آنرا در حیات اجتماعی و ملی موضوع بحث قرار داده و حضرات جامعه بی تشکیلات و بی انضباط را با دلایل حسی و منطقی برای حاضرین ثابت و مدلل میدارد:

لزوم تشکیلات در هیئت اجتماعی:

در سایه انقیاد و اتباع بیک تشکیلات منظم و مستحکمی است که افواج قشونی میتوانند از عهده کارهای بزرگ بر آیند و دشمنان خود را سرنگون سازند آیا نمی بینیم که بکعده مسلح و تابع دیسپلین چندین صد یا چندین هزار نفر نظامی بربیک جماعتی که از صد مقابل خودشان کثیرتر است حاکمیت و آمریت مینماید؟ ملت نیز باید قوه و قدرت ذاتی خودش را بواسطه تشکیلات مدنی و سیاسی موافق افتضات عصر حاضر تزبید نموده در مقابل دشمنان خودش بیک وضعیت غیر قابل تزلزل و مأمون و مطمئن بوجود آورد

نطق پنجم روز چهارشنبه اول ثور ۱۳۹۹

پافشاری و استقامت

مرحوم خیابانی در این نطق روح جماعت را با فکر و عقیده که در اجتماعات پیدا می شود مورد بحث قرار داده روحیه بکفرد بشری را با احوال روحیه بک جمعیت مقایسه نمودند و در آخر اینطور نتیجه گرفتند که برای تحصیل موفقیت در یک امر پافشاری و استقامت لازم است

(روح جماعت مانند یک روح مستقل و متمایز بوده و تابع قوانین مخصوصه و دارای صفات علیحدده میباشد .

انسان هر قدر فکر و عقیده خود را عالی و وسیع اتخاذ نماید و رسوخ کامل در آنها بهم رساند - در موقع اقدام بترویج و تطبیق فکر و عقیده خود بیشتر متحمل و اشکالات و زحمات گشته در طریق جانپازی و فداکاری بیشتر ثبات قدم بخرج میدهد برای استوار نمودن شاووده این امر پافشاری و استقامت لازم است تا احوال روحیه طرف مقابل را نیز در نظر گرفته بنا کتیک و فنون حربیه اونیز اطلاع رسانیده نقشه های او را پیش بینی و بقدر امکان کشف نماید . یک کلاسکه را که از راه خودش منحرف شده و در آب و گل باطلاق گیر کرده است ، نمی توان با سرعت برق از آنموقع خطر نجات داده بدون هیچ تاخیر و توقعی بحرکت انداخت باید یک زمانهانی که با اشکالات موجوده و همت مصروفه متناسب است مرور کند تا مقصود بدست آید و موفقیت حاصل گردد .

همچنین است بیک سنگی که بطراف آسمان پرتاب کرده اند پس از طی مسافت معین این سنگ در تحت جاذبه قوای طبیعی بطرف زمین بر خواهد گشت ولی در میان مدت فعالیت قوه اولی که آن سنگ را از زمین دور میکرد در قوه ثانوی که آنرا بطرف نقطه حرکت نزدیک می نمود بکدره سکون و توقف ، بکدره محسوس عدم فعالیت حکمرانی خواهد داشت .

اغلب در مملکت ما - دشمنان اصلاحات و تغییرات رژیم مشرصد همین فرصت می‌شوند و در همین موقع است که فریادهای (واملتا) (وادولتا) را به کنگره چرخ‌بلند میکنند - از چند روز توقف و تعطیل که می‌رود تا یک اداره مختل و معیوب را یک اداره ترمیم و تصحیح شده جدید مبدل نماید استفاده نموده میکوشند تا طرفداران اصلاحات را در نظر افکار عمومی لکه دار و متهم سازند باید ملتفت این حملات ناگهانی شده . وقع ظهور و تاخت و تاز این دشمنان آب گل آلود کن را قبلابیش بینی نموده و یک رویه پیش گرفت که مهاجمات مفرضانه آنها را در اولین مرحله بایک وضعیت غیر قابل تهدید و تسخیر روبرو کند *

معرفت بر این مراتب ؛ تکلیف افراد را تعیین می نماید که باید در چنین مواقع آمال اساسی خودشان را از نظر کنار نگذاشته در پیش همه‌هاى موقعی طرف مقابل از میدان مقاومت در نروند و بلکه بیشتر از پیش در اطراف رؤسا و نمایندگان خودشان صف‌های خود را استوار و محکم نموده - ثابت قدم و تزلزل ناپذیر باشند) *

نطق ششم «روز پنجمینبه دوم برج ثور ۱۳۹۹

افکار عمومی - اراده ملی

مرحوم خیابانی در نطق این روز مسئله افکار عمومی را مورد تدقیق و تحقیق قرار داده و ثابت و مدلل نمودند در ایران هنوز دولتیان بر وجود اراده ملی متعرف نیستند ولی قیام آذربایجان این اصل را ثابت خواهد کرد در ایران نیز افکار عمومی و اراده ملی موجود است *

(افکار عمومی که در ایران موجود است هنوز نتوانسته است نه در نظر مأمورین دولت) یعنی طرف مقابل خودش در داخله . مملکت و نه در نماشاگران علاقه مند و یا بی طرف خارجه موجودیت خودش را به ثبوت برساند و هنوز هیچ کس بر وجود او اقرار نکرده است مأمورین دولت هنوز دو چاره محاکمات قطعی افکار عمومی نشده اند بلکه

برعکس آنان در مقابل همه گونه عملیات خودشان انقلابات ناگهانی مشاهده نمودند - اند و اثرات این انقلابات از امروز تا فردا باقی نمانده است ، يك شکایت غفلتی از طرف ملت بجهت ادارات بلند شده چند ساعتی يك واهمه و بيك وحشت واضطرابی در قلوب مأمورین تولید گشته و صفوف آراسته آنان را مدنی بر هم زده است ولی معاتبه يك سکونت مساعدتر از اولی استقرار یافته و کارها بيك حالت آسوده تر از حالت اولی عود نموده است مأمورین دولت در اینحال حق دارند منکر افکار عمومی بشوند اجانب نیز در پیش اقدامات خود و رقبا یا هم مقامان خودشان افکار عمومی ایران را خیلی متبدل و متلون و بوقلمونی مزاج یافته اند بيك استقامت و ثبات جالب دقتی را نخواستند در تظاهرات آن مشاهده نمایند در پیش سیاست های متحول و سیاستهای پی در پی روز مره افکار عمومی را همیشه متفاوت دیده مثل بيك رقص پریشان حواس حرکات مماثل و طابق النعل بالنعل (سایه خودشان) را بانظرهای حیرت و تعجب نگریسته اند *

قیام آزادیخواهان تبریز باید يك شکل ثابت و بارز چنان بر خود گیرد که دیگر ایندفعه اشتباهات موجوده جای خود را بيك اشتباه واقعی داده و وضعیت کنونی را قابل اصلاح سازند. این مرام ممکن الحصول است بشرط اینکه افراد تشکیلات دموکرات و آزادیخواهان عموماً در انتظام و انضباطی که تا امروز در اجتماعات و اقدامات خودشان مرعی داشته‌اند تا آخر ادامه داده بشود برسانند که عزمهای پایدار و عملیات و سیمه از حوصله ایشان خارج نیست (قیام تبریز برای تاسیس يك حکومت دمکراتیک و اروادی است) که در حدود قوانین مملکتی از قود بفعل آوردن آن ممکن خواهد شد مخالفت ورزیدن با این قیام اعلان خصومت بایک نهضتی است که بشکل بيك پروتست بيك اعتراض شدید برضد بيك سلسله عملیات ارتجاعی بعمل آمده است این مخالفت ها و این اعلان خصومتها بر شدت عزم آزادیخواهان خواهد افزود و قوای مضبوطه که امروز در

زیر يك ديسپلین توانا تجهیز شده اند عنان آهنین خود شان را با کمال بیصبری میخایند - در حین لزوم برضد این مخالفت ها و خصومتها پرتاب خواهند شد •
(بالاخره قیام تبریز مدالی خواهد داشت که در ایران يك افکار عمومی و يك اراده ملی نیز موجود است) •

سر چشمه و منشاء مخالفتها در نظر آزادیخواهان تبریز هیچ اهمیتی را حایز نمی باشد خواه از صحن (تجدد) خواه از آفاق تبریز - چه در حدود آذربایجان چه از تهران و با يك دهکده در دست ایران - اگر مخالفتی سر بزند در نظر ارباب قیام یکسان خواهد بود و بر شدت و سرعت آن قیام خواهد افزود (۱)

نطق هفتم روز جمعه ۳ ثور ۱۳۹۹

ما حرف راست میزنیم

ما آزادیخواهان که بنام ملت و برای دفاع از حقوق ملت صدای خودمان را بلند کرده ایم نمیخواهیم هیچگونه اطلاعی از زبان دیپلماتیک داشته باشیم و برای پنهان کردن آمال و مقاصد بکه داریم دورغهای معمولی سیاسیون را بکار بریم ما حرف راست و حقیقت میگوئیم و در پیش این راستی و بی خوف و ملاحظه ما است که دشمنان ما بیشتر دچار ترس و وا همه خواهند شد همچنین ما فریب نخواهیم خورد - ارکان حکومت ارتجاعی، آنانی که در دوره های خیانت و استبداد فعالترین عاملهای مخالفین قانون اساسی و دشمنان آزادی بوده اند با مواعید مزورانه نخواهند توانست مارا گول بزنند - ما امتحانات زیاد کرده ایم - و انقلاب پانزده ساله ما بحد بلوغ و سن رشد رسیده است نیک را از بد شناخته - هجرت را یکدفعه دیگر تجربه نمی نمایم - (نگهبانان واقعی و پاسبانان مادر زاد قانون اساسی همانهایی هستند که آنرا وضع کرده اند) - این نگهبانی مقدس را آزادیخواهان باید مانند يك

(۱) صحت تجدد - همان حیاط اداره روز نامه (تجدد) ارکان حزب دموکرات

تبریز بود که سه روز عصر مرحوم خیابانی در آنجا نطق ایرادی کرد •

تکلیف مهم تلقی نمایند که شایسته است انسان در راه آن از زندگانی چشم بر هم بندد و خون خود را نثار کند - این تکلیف و عزم و تصمیم و اقدام باید نظر و فکر آزادیخواهان را در مافوق مسائل عادی و امور یومیه زندگانی تا یکدرجه خیلی بلند ارتقا دهد • تا روزی که قیام دوام خواهد داشت - هیچ دموکرات و آزادیخواهی نباید از مساعدت موقع استفاده نموده در صدد استیفای يك قرض قدیم و یا مطالبه يك حق سابق بر آید - در موقع مهم باید مسائل عادی را فراموش کرد اساس کار منافع عمومی را در نظر گرفت و از خود اندیشی نبری و اجتناب نمود - باید فقط خیال و اندیشه صلاح عموم را بدل خود راه داد •

(مقصود بگانه ما تاسیس و ایجاد يك حکومت دموکراتیک و تامین دوام و بقای آزادی این مملکت است) مخالفین این مرام دشمنان ما هستند و دستور العمل بگانه عبارت از کوتاه کردن دست این دشمنان از اموری است که بارزیم آزادی مناسبت و رابطه دارد - بصدای رسا و بلند میگوئیم: ای مستبد! ای مرتجع! همه بدانید که ناموس - مال - جان شما در امان است ولیکن بعد از این دیگر مقدرات دموکراسی را در دستهای ملوث خودتان نخواهید داشت این حرفها را زبان يك شخص، یک فرد واحد - يك ناطق معین - زبان خیابانی نمیگوید، يك روح - آری روح دموکراسی است که این حرفها را میزند • ای آزادیخواهان امیدوار باشید، زیرا با يك عزم و اراده معین دانسته و فهمیده قیام کرده اید و بدانید موفقیت و پیروزی با شما است •

نطق هشتم - روز چهارشنبه ۴ ثور ۱۳۹۹

علاقه - تقابید

محکم ترین عقاید ما مربوط بعلاقه های ما میباشد - البته عادت و تقلید در تولید و تغییر عقاید ما دخالت بزرگی دارند - ولی در انجام همیشه (علاقه) است که ماهیت قطعی عقیده ما را تعیین و تحدید نموده ما را بدرین (ماسک) و نقاب با سنجیه

حقیقی خودمان معرفی مینماید .

گاهی نیز عقیده بقدری بکروح را شیفته و فریفته علویت و حقانیت خودش میسازد و بدرجه آنرا تسخیر و استیلا می نماید که در قبال آن تاثرات و نفوذعلاقه ناپود میگردد و این حا کمیت (عقیده - خودش تولید یک علاقه جدیدی رامینماید که هدم و از آله آن آسان نیست در پاره موارد - یک فکر خصوصی بیک اساس حقیقی چنان استناد میکندو بیک قوت مفید چنانی را حایز می گردد - که ممکن نیست چشم از اهمیت آن پوشیده و صدای واحد آن فکر خصوصی را گوش نداد بنابراین گاهی میشود در نظر گرفتن رای و عقیده و مطالعات یک شخص واحد و با تدقیق حالات روحیه آن میتواند وسیله مشاهدات و تحقیقات خیلی نافع گردد .

مثلا حالا می توان تصور نمود که حضرت افندس والا آقای (عین الدوله) بالسان حال خودشان در پیش وضعیت حاضر مملکت باخود میگویند من که قبل از انقلاب تمام مراتب و مدارج حکومتی و رسمی رایکی پس از دیگری طی نموده بعالی ترین مقامات رسیده بودم در حین طلوع انقلاب وضمیات جدیده را قبول کرده و در پیش نقضای آزادی خواهان سر تسلیم فرود آوردم و به ترتیبانی که در مملکت تاسیس نموده بودند رضایت دادم و خاموش نشستم .

گفتم عهد ما سپری شد و عهد جدیدی در ایران شروع می شود ، با علاقه نامه که بوضعیات قدیم و مقام شخصی خودم داشتم - بدون عصبان برضد وضعیت حادثه طریق مساعدت و مدارا پیش گرفتم تا بعد هابه بینم متجددین چه حرکتی میکنند - چه تجدیدی در مملکت بظهور میآورند .

حالا - بلی حالا بالسان حال خودش میتواند بگوید ، ای ملت ! آن امتیازات و تشخصات را از دست من گرفتی تا مجدداً بدست اشخاصی بسپاری که بودند ؟

البته در اینصورت نمیتوان ادعا نمود که بیک تجدی در مملکت سر زده و

روزم تازه احداث گردیده است (۱)

نطق روز دوشنبه ۶ ثور ۱۲۹۹
هیئت اجتماعی و محیط

مرحوم خیابانی در این نطق مناسبات افراد را با محیط هیئت اجتماعی تشریح کرده و باین نتیجه رسیدند که باید محیط را تعمیر داد زیرا در اثر تربیت اجتماعی و محیط است که افراد با ایمان و علاقه مند میشوند - با سست و بیعلاقه میگردد سپس بتوضیح اقسام مسالکهای سیاسی پرداخته اظهار داشتند :

مسالک سیاسی را بسه نوع اساسی قسمت کرده اند (ارتجاع - محافظه کاری آزادی یا لبرالسیم) ولی چون خط حرکت لبرالها تا امروز طوری بوده و رفتارشان بشکلی جلوه نموده است که مامجبور میشویم مسالک خودمان را با اصطلاح خودمان «مسالک تجدد» بنامیم .

مرتجعین تا کنیکی را تعقیب می نمایند که درست مانند دزدانی هستند که زمام قافله و کاروانی را در دست گرفته اند این زمامداران که رفیق قافله و شریک دزدان هستند کاروان را از راهی میبرند که بر کمین گاه راهزنان گذر داشته باشد .

قیام ملت این سوء قصد را عقیم گذاشت راهبران قافله و ایستادن جنبه خودشان را فوری تغییر دادند - پس از آنکه نیم منزل بر وفق آمال خودشان طی کردند امروز حاضر شده اند که نیم منزل نیز بر طبق آرزوی ملت راه رفته بعد از آن طرح نقشه دیگری را بریزند - غافل از اینکه قیام ملت برای یکساعت نبوده ، ملت بیدار دیگر

(۱) در اوایل قیام خیابانی « حمل ۱۲۹۹ » شاعرزاده عین الدوله از طرف دولت مرکزی « کابینه وثوق الدوله » سمت فرمانفرمای آذربایجان تعیین و منصوب شده . آقای میرزا اسمعیل امین الملک نیز سمت معاون ایالت وارد تبریز شدند - خیابانی اقبام خود را مورین اعزایی مرکز را مجبور براجعت نمود از جمله صاحبان محبات سوادسی ماژ در بیورلیک و « فوکلر » بودند که برای تشکیلات نظیبه اعزام شده بودند - نتوانستند در تبریز بمانند بطهران برگشتند .

نخواهد خوابید و زمانداران را مجبوراً بکار واداشته تا اینکه وارد منزل شوند و از اجرای نظارت و مراقبت کوتاهی نورزیده تا بعدها اشخاص قابل اعتماد را دور خود جمع کرده زمام قافله را بر عهده آنان تفویض نماید .

آزادی خواهانی که در تبریز قیام نموده اند مانند قشونی هستند که باید از یک رودخانه گذشته بجانب منزل مقصود رهسپار شوند برای جلوگیری از تعقیب قشون دشمن که از عقب آن می آید و برای ممانعت از حملاتی که خواهد توانست از پشت سر ما وارد نماید باید پلی را که از روی آن عبور خواهیم نمود خراب کرده دشمن را در آنطرف رودخانه معطل بگذاریم .

حالا آزادی خواهانی که با ادعای افراطی و ناکهانی خود جلو این قیام افتاده میخوانند تندتر از همه کس راه بروند در واقع فقط یک خیال دارند و آن عبارتست از اینکه قبل از همه کس وارد پل شوند .

پیش از عبور آزادیخواهان پل را منهدم سازند راه موفقیت و نجات را بروی ارباب قیام ببندند ولی غافل خودشان هستند با هیچ حيله و دسیسه دموکراتها را نخواهند توانست فریب بدهند .

دموکراتها سکوت و خونسردی خودشان را هرگز از دست نخواهند داد و با کمال آرامی از روی فکر متین در تعقیب نقشه خودشان استقامت خواهند ورزید . (۱)

نطاق دهم - روز سه شنبه ۷ نور ۱۳۹۹

در امر اصلاحات اصول مرکزیت لازم است

مرحوم خیابانی در این نطق باز اشاره بدموکراتهای مخالف قیام کرده و آنها را

(۲) پس از قیام خیابانی عده از دمکرات های افراطی که باروش قیام همراه نبودند بر علیه قیام ممترض شدند و نسبت بهیئت مدیره آن اعتماد نداشتند - بنام تنقید یون دست دیگری تشکیل دادند و با سوسیالیست ها و دستجات افراطی دیگر ائتلافی نموده بر ضد قیام و همراهان خیابانی اقداماتی میکردند - اشاره خیابانی در این نطق باز ادیبخواهان افراطی و این دستجات است .

را بد پیروی از اصول مرکزیت دعوت مینماید و معتقد است زمام کار و طرح نقشه و دستور اجرای آن در اصلاحات اجتماعی باید بدست يك مرکز نقل داده شود تا موفقیت و پیروزی محرز گردد - مخالفین در صورت عدم اطاعت از اصول مرکزیت باید کنار بروند یا حبس و تبعید شوند .

« هر گاه موفقیت و کامیابی مطلوبست هر گاه خواسته شود که اقدامات و عملیات شروع شده بایک جریان صحیح منجر به نتایج مفیده شود » .

باید در کلیه امور بکنوع مرکزیت را در نظر گرفته طوری کار کرد که مساعی متفرقه جمعا در کرد يك اساس مشترك تمرکز پیدا نماید با این ترتیب و رویه يك اقتصاد صرفه جوئی بزرگ در همه چیز منظور گشته - و در ضایع شدن مجاهدات منفرد و جدا گانه جلوگیری بعمل خواهد آمد .

انتظام و صحت بیک تشکیلات بیک فرقه می تواند بیک دلیل کافی تشکیل بدهد بر این که همان فرقه قادر است همان انتظام را حتی الامکان در مملکت نیز بوجود بیاورد .

قبل از اصلاح و تأمین حسن جریان امور در تبریز باصلاح امور شهرهای دور دست پرداختن بیک حرکت صحیح نیست .

ما طالب هستیم که بیک روشنائی عمومی تمامت این مملکت را فرا بگیرد و البته تولید روشنائی در يك مکان با پروگرام و عملیات روشن ممکن میگردد . مرام و آمال آزادیخواهان همیشه مبنی و مستند این غایه بلند و عالی است .

این بیک خاصیت مراهمی استبدادی است که همیشه برضد نور و روشنائی تظاهر مینمایند هر کجا بیک یرتو امید و حیات درخشانت این مراهمی شب پره خوی در تیره و تاریک ساختن آن عجله میکند .

ما آزادیخواهان - برطبق مرام و غایه ای که داریم در توسیع آزادی و تنویر این محیط فداکاری و جانبازی خواهیم کرد . ولی چنانکه در مقدمه گفته شد باید در تعقیب و تطبیق این مرام راهی پیموده شود که توجه آن بجانب يك مرکز بوده

و از يك مرکز منشعب گردد .

علاوه بر این مرکزیت يك جدیدت کامل و محکمی نیز لازم است تا نقشه آزادی بر وفق آرزو و بطور دلخواه از قوه بفعل آورده شود . این جدیدت باید به تبعید و تجرید مخالفین دشمنان آزادی باشد . هنوز هستند يك عده اشخاص عنود و لجوج که از خیال فریفتن آزادی خواهان مایوس نگشته اند . متماد با با تقاضاها و استدعاهای مصرانه پیش آمده خدمت و ماموریت می خواهند و از صداقت و وفاداری سخن میرانند و می خواهند ما را مجبور کنند تا آنها را در دست خودمان نگهداریم غافل از اینکه ایشان مانند يك سنگ تفریلی هستند و با يك قوه دائمی بطرف زمین جذب می شوند و ما می توانیم بدرن خستگی آنها را مدت مدیدی در دست خود نگهداریم . باید کنار شوند از جمعیت ما آن خائنین مخالف و منافق که همیشه می خواهند نهضت های آزادیخواهانه را بمنفعت خودشان خادم ساخته منافع خود را تامین نمایند .

ما آزادیخواهان درستکار ، ما ارباب روشن فکر و روح پاک را در دست نگه میداریم زیرا که آنها همواره آماده اعتلا و ارتقاء بوده و هیچ ثقلت طاقت فرسایی را دارا نیستند ما صاحبان روح را در دست نگه میداریم که همیشه ساعی اند بطرف آسمان پر راز کنند .

نطق یازدهم . روز چهارشنبه ۸ نور ۱۳۹۹

فکر باید هادی انقلاب و تکامل باشد

مرحوم خیابانی در نطق این روز با بیان شیوای خود اثبات و مدلل نمودند هر انقلابی که هادی آن (فکر و عمل و منطق) نباشد پایدار نبوده بزودی از بین خواهد رفت . باید طبقات پائین مردم را بحقوق اجتماعی آشنا سازیم آنها را با نیروی علم و دانش تجهیز کنیم تا با استقامت و پشت کار از آزادی خود دفاع نمایند .

شرط عمده کار و عمل عبارت از (خواستن و توانستن و کردن) است . باید خواست و این اولین شرط اساسی است . باید توانست ، آری يك خواستن جدی باعث توانائی میشود . و باید کرد ، این نتیجه ایست که از زحمات مصروفه و مقدمات فراهم آورده شده بدست می آید .

خواستن های شخص وابسته و مربوط باطلاعات و معلومات اوست چنانکه تمام آرزوهای ما در تحت اشکال در نظر ما مجسم و جلوه گر میشود که مطابق مشهودات بومیه ما میباشد وقتی که يك بهشت تصور میکنیم مناظر و مبادی دنیوی را در آن فرض و خیال می نماییم . بهشتی که در تصور ماست کوچکها دارد و آن هاهم شبیه کوچکهای تبریز ما است .

همچنین با کمال اطاعت يك دیسپلین علمی را بخود قبول کنیم که بتواند ما را بدرجات مجهول يك تکامل مدنی هدایت نماید . ما طالب يك رژیم دموکراتیک هستیم در تاسیس و تطبیق این رژیم باید از ارشادات و تعلیمات متخصصین که در تحصیل و تدقیق دموکراسی زحماتی کشیده اند - استفاده کنیم - دموکراسی ، حکومت دموکراتیک ، دموکرات الفناظ و اصطلاحاتی هستند که در هر محیط و مملکتی بنا بر اختلاف ارواح و افکار معانی متفاوت و مختلف دارند - لاینها حکومت دموکراتیک را با يك ذهنیت مطابقت و انقیاد تلقی میکنند ولی انگلیسها ، نژاد آنکلو ساکن ، در تلقی حکومت دموکراتیک بیشتر استقلال طبع بخرج داده از فکر نشئت و ذهنیت عمل پرستی خودشان چشم نمی پوشند .

اولیها بیشتر در نظریات جلو میروند . و آخریها عملا آزادی و استقلال وسیعتر را دارا میباشند .

ما میخواهیم در ایران بکنوع حکومت دموکراتیک تاسیس نماییم که عملا حاکمیت ملت را حایز باشد . و يك استقلال تام و آزادی کامل را شامل گردد . موسسات و ادارات این حکومت زائیده اراده دموکراسی بوده ، تمام اختیارات و اقتدارات این ناحیه ملت بوجود آید زیرا اختیاراتی که جماعت میدهد اقتداریکه

او می بخشد - موسساتیکه او برپا میکند - حکومتی که او ایجاد مینماید هرگز در
 ضد او و بر علیه منافع او اقدام نمیکند بمباره آخری ما حکومت دموکراتیک را
 ذهنا مانند یک پرده سفید سینما تصور می کنیم اقتدارات و آمال و نظریات
 ملت مانند مناظر سیار و شکل های متحرک «فیلم» با انوار سرشار یک سر
 چشمه روشنائی در روی آن پرده سفید نمودار میشوند - آن سر چشمه انوار جامعه
 دموکراسی و «فیلم» آمال و نظریات او است ، حکومت که همانا پرده سفید و عاری
 از نقش و نگار است - بدون تظاهرات و تجلیات اراده دموکراسی حایز هیچ معنی
 و حقیقت نیست - این عقیده و آمال امروزی ما است - باید برای عمومیت دادن باین
 نظریات ، ارباب فکر و اجتهاد حالا بکار افتاده - طبقات پائین دموکراسی را با آلات
 دافعه علم و دانش با فکر قرن بیستم مجهز و مسلح سازند - زیرا که فکر باید هادی
 انقلاب و تکامل باشد .

نطق ۱۴ - روز پنجشنبه ۹ ثور ۱۳۹۹

اراده ملت در فوق همه چیز است

مرحوم خیابانی در این نطق با حرارت تمام فلسفه جماعت و ملت را تشریح
 کرده و مدال داشتند چون «حکومت - دولت» مولود ملت است پس از روی عقل و
 منطق باید اراده ملت حاکم باشد - نه نظریه اشخاص معدود .
 «قول و حرف در میان مردم فراوان است» و بسیاری از این حرفها نیز
 تاثیر و نفوذی ندارند علتش اینست که (ضمانت اجرائی) ندارند - ولی حرفهایی که در
 این معوطه گفته میشود اثر خواهند داشت ، زیرا این حرفها در تحت ضمانت جان
 و مال آزادبخواهان از این فضای تجدد پرواز میکنند برای این که اثری بر آنها
 مترتب گردد در صورت لزوم سیلهای خون جاری خواهد شد .
 (دست زندهای بی پایان)

جماعت یعنی چه ؟ جماعت یکقوه مجهول است که در اصطلاح فرنگی (آنونیم)
 گویند مانند یک عمان پر شر و شور گاهی در جوش و خروش و گاهی نیز ساکت

و آرام است - ولی مجهولیت این قوه مسئولیت را نیز حلب نموده يك میدان
 وسیع عملیات تاریک خائنین و شیادان بی وجدان باز کرده است - اشخاصی هر قدر
 مقتصد و مقتدر - توانا و زیرک باشند مانند (وزیر - سفیر - فرمانده فاتح) همه
 موفقیت خودشان را در سایه مساعدت و مجاهدت جماعت بدست می آورند پشتیبان
 عملیات آنان و سبب پیروزی و شکامیابی ایشان همان «جماعت» است اما در
 عمل مجهول و غیر مسئول مانده - این اشخاص کارهای بزرگ خودشان را
 باسم خود شهرت می دهند و بر عکس عملیات ناشایست آنان جماعت را لکه دار
 می نماید .

هر گاه جماعتی نخواهد از تحت شرایط نامساعد و نا گوار این وضعیت خویش
 را خلاصی داده نائل زندگانی مرتب تر و باسرافت تری گردد باید از توده مجهولیت
 درآمده مسئولیت را به عهده خویش بگیرد در صحنه حادثات مانند یک سیمای معروف
 و یک بازیگر تجلی نماید - تا اینکه جماعت از مجهولیت و تاریکی درآمده در امور
 همومیه شرکت مستقیم جوید لازم است بر طبق قانون ، کارهای اجتماعی را در میان
 دسته های مرتب و منظم مسئول و معروف قسمت نموده و در عملیات و اقدامات آنان
 «يك نظارت و مراقبت دائمی را همیشه مجری داشت» همین نظارت و مراقبت است
 که جماعت را با نمایندگان جماعت یعنی با دسته های مجزی از جماعت ولی ناشی
 و متولد از هیئت عمومیه آن ، در يك تماس همیشگی نگاه داشته مسئولیت را بر گردن
 وی خواهد انداخت . بنا بر این اساس که قبل از هر چیز باید قبول نمود عبارت
 از مداخله مستقیم جماعت است در امور دولتی . «جماعت یعنی ملت در فوق
 همه چیز است ، دولت ، حکومت ، قانون این همه در تحت حاکمیت و اقتدارات
 ملت است»

پس ما میخواهیم جماعت در ایران يك قوه معلوم و معروف و آشکار و
 مؤثر باشد - دسته ها و افرادی که بشام جماعت اقدامات میکنند و در کارها مداخله

مینمایند با جماعت معلوم و مسئول همکار و شریک باشند .

نطق ۱۳ - روز جمعه ۱۰ ثور ۱۳۹۹

روز جمعه دهم ثور مصادف شده بود با اول ماه (مه) فرنگی - از طرف آزادی خواهان در این روز برای تعمیر و انشای قبور شهدای آزادی (کاردن پارتنی) با شکوهی در باغ جمعیت خیریه ترتیب داده و از هر طبقه دعوت نموده بودند - نطقها و بیانات از طرف آزادیخواهان ایراد شد - بالاخره مرحوم (خیابانی) نطق روز جمعه خود را در همان کاردن پارتنی ادا نمودند - و از بیداری و انتباه حس قدردانی نسبت به شهدای راه آزادی تقدیر نمودند و اظهار داشتند « نکو گو اگر دهر گوئی چه غم » اجتماعیکه امروز در عمارت خیریه آزادیخواهان را کرد هم جمع کرده است ، يك اجتماع آزادیخواهانه است و باین عنوان و در تحت نظارت و مراقبت هیئت مدیره اجتماعات جریان دارد ، حرفهائی را که در صحن « تجدد » میگفتیم امروز در اینجا میگویم روحیکه در اینجا جا کم است همان روح تجدد است و روح « تجدد » باید در همه جا جا کم باشد . - نقشه ما معقول و منطقی است ، مخالفین ما نیز بر این قضیه اعتراف دارند - حکومت هم تصدیق میکند و میگوید ، این آمال و این مقاصد شما شایان تقدیس است - با این مرام شما ما نیز همراه هستیم و نقشه شما را تصویب می کنیم - بدهید خود مان آن را بموقع اجرا بگذاریم - بروید شما آسوده باشید - ولی بآن ها باید گفت - افسوس ما تصمیم گرفته ایم نقشه های معقول و منطقی را بدست های غیر قابل اطمینان و اعتماد نسپاریم » (کف زدن و اظهار مسرت حاضرین) (۱)

« ۱ » چنانکه قبلاً اشاره کردیم قیام خیابانی بعنوان اعتراض نسبت به عملیات مامورین اعزامی نظمی که از طرف تشکیلات مرکزی تحت ریاست « ماروز بور لنگ » و معاون آن « فیکسو » با یکدیگر آزان و آستیران سرمدی به تبریز اعزام شده بودند در ۱۶ حمل شروع شد - نایب الایاله و رئیس نظام وقت در این موقع « سردار انصار » بود - جزائر حادثه قیام مامورین بقیه در صفحه ۲۳

نطق ۱۴ روز شنبه ۱۱ ثور ۱۳۹۹

« ما چه میخواهیم ؟ . »

باید بفهمیم که چه میخواهیم - ولی فهمیدن نتیجه زحمانی است که باید بخود داد - باید با صبر و تحمل نگرینست - دین و شرف باید اطمینان و اعتماد نمود - باید از فریب خوردن و بوادی ضلالت رهسپار شدن توفی جست تا بتوان فهمید - در روسیه صنعتکاری را دیده بودم که حروف الفباء را در پیش انظار مردم مینوشت و میگفت این حرف فلان حیوان وحشی و یا درنده است ، مردم در پیش خودشان بجز يك حرف معمولی از حروف الفباء چیزی نمیدیدند ولی در يك ثانیه با جزئی ترین حرکات دست خودش صنعتکار مذکور حرف معمولی را فوراً تغییر شکل داده صورت جانوری را مجسم مینمود . غالب نقشه های تکاملی که بمردم عوام پیشنهاد میگردد ، بمثابه حروف حیرت انگیز این صنعتکار روسی است .

در وهله اولی مردم شکل آخرین را نمی بینند و اغلب آنقدر حوصله و شکیبائی ندارند تا هنر و چیره دست مدعای خودش را بشنود برساند . ما در این اجتماعات حرف از دموکراتیک زدیم و مردم که باک هم چو حکومتی را در ایران ندیده و نشنیده اند - مردم که اسمی از اداره مشروطه به گوششان رسیده و یکدم در تحت يك رژیم مشروطی در ایران زیست نه کرده اند مردمی اطلاع در درك مفهوم (حکومت ده و کراتیک)

بقیه از صفحه ۲۲

سوئدی از شهر اخراج و در باسنج « دوفرسخی تبریز » اقامت نمودند و از مرکز کسب تکلیف کردند - از طرف حکومت مرکزی « کابینه و توفیق الدوله » شاهزاده عین الدوله با معاونت آقای امین الملک بمقامفرمانی آذربایجان تعیین و آقای امین الملک فوراً به تبریز عزیمت نمودند - هیئت مدیره قیام با معاون ایالت داخل مذاکره شدند تا مامورین سوئدی روز پنجشنبه ۲۶ حمل از باسنج بطرف تهران حرکت نمودند - صبح دوشنبه ۳۰ حمل شاهزاده عین الدوله والی آذربایجان به تبریز وارد شدند - از طرف والی جدید سفارشی بغیابانی فرستاده شد - چون دولت بر طبق منظور حزب دموکرات عمل کرده - مامورین اعزامی نیز بمركز مراجعت نمودند - دیگر قیام موضوع ندارد و دولت هم قول میدهد که مطابق منظور آزادیخواهان قدم بردارد - اشاره بغیابانی بهین وعده های دولت است - که اظهار داشت .

« ملت اجرای نقشه معقول خود را بدست های غیر قابل اطمینان نخواهد سپرد » .

حشما دچار اشکالات بزرگ میشوند .

از طرف دیگر طرفداران اوضاع هرج و مرج و هواخواهان اصول عدم مسئولیت از این ساده لوحی و صافیت جماعت ، استفاده کرده - می خواهند او را از تعقیب مرام دمو کراتیک بازدارند و بوادیهای گمراهی دلالت نمایند . مانند آخونده شهرور که بواسطه ترسیم شکل ' مار ' نویسنده لفظ ' مار ' را در پیش بکجماعت جاهل و سبب و اسکاات کرده بود - مخالفین مانیز با نشان دادن شکل حکومت ، میخواستند تصور يك طرز اداره دمو کراتیک را ابطال نمایند ولی عیب کار این مخالفین بدبخت در اینجا است که ما خیر دار هستیم و این مراتب را خوب می دانیم ، تشکیلات ما توانسته است باندازه در عروق جماعت نفوذ پیدا کند که برای تحکیم آمال و غلبه های مردم يك چهارچوبه محیط يك جهاز ضابطه تشکیل بدهد و دلائل قطیعه موفقیته در دست ما است در روی شالوده که مخالفین ماریخته اند و داشتند تا امروز در روی آن بنای ارتجاعی خودشان را بلند می کردند نمی توانند با تقاضاهای يك بنای جدید مساعدت کنند ما فملا قیام کرده ایم - يك قیام . ثبتمی که شمرده سخن می گوید انتظار داخله و خارجه در فضای این قیام نفوذ می کند - و از هر طرف با يك توجه و التفات بهم - اسرار آنرا جستجو و صورت ظاهری آنرا تصدیق می نمایند . این نظر هر گز برای ما صدع نیست - دعوی ما علنی . ما از حق و حقیقت دفاع می کنیم - در این دفاع تا آخرین قطره خون خودمان حاضریم جائیکه در راه حق فدا میشود ممکن نیست مغلوبش ساخت .

آنچه را که در ظرف چهارده سال انقلاب در بونه اجمال و اهمال مغفل نگذاشته این قیام انجام خواهد داد . کدامین ماه و روز دولتی است که بتواند بگوید (من میدانم) تو یا نمیدانی و کور کورانه حقوق ملت را پایمال می کنی و با میفهمی و دانسته و فهمیده بر حقوق او تجاوز می ورزی ، و بی شرف هستی ؛ ولی بس است بیشتر از این اسناد جهالت و نادانی ملت و هوا خواهان ملت ؛ صلاح نیست زیرا جهالت و خیانت و عدم کفایت شما ، اقتضای شما دایمانی

شد - بر خودتان رحم نکنید و در روید - خلوت کنید این میدان را که ملوث نگرده اید .

نطق چهاردهم روز شنبه ۱۱ ثور ۱۳۹۹

(ما چه میخواستیم ؟)

رژیم مشروطیت در ایران اجرا نشد ، زیرا که ملت اجرای آنرا از کفایت و وفابلیت موهوم و ناموجود شما انتظار داشت و حقوق ملت پایمال شد که سپرده دست خیانت پیشه شما گردیده بود .

با این سابقه های شرم آور و رسوائی بخش که دارید - هنوز در بلند کردن صدای منحوس خودتان اصرار دارید - بر مداخلات ملت در کارها که مقام آن بلند تر از همه نوع رسمیت و قانونیت است . اعتراض میکنید نمیخواستید بدانید که روزها تومان مال ملت در ظرف چند ماه بچه نحو حیف و میل شده و بچه ترتیب اسراف و تبذیر گردیده - میخواستید با این وضعیت (دمو کراسی ایران) فدائی هوا و هوس و قربان فطرت پست و نانجیب شما آگرد - ای عجب !! مگر چه هنگامه است - هنوز در خیال اغفال ملت هستید هنوز معاودت بگذرور و هرج و مرج و يك رژیم استبدادی و عدم مسئولیت را انتظار می کشید .

(آن سبب شکست و آن پیمانانه ریخت)
تصمیمات مالا بتغیر است
و مانند شمشیر آبدار برنده - آسوده باشید ما فریب نخواهیم خورد و تحمل ظلم هم نخواهیم کرد)

نطق پانزدهم - روز یکشنبه ۱۲ ثور ۱۳۹۹

(آذربایجان آزادی ایران را تامین خواهد کرد)

ما چرا قیام کردیم ؟ اگر وضعیت مقدم بر قیام را از نظر مطالعه بگذرانیم بحالت اسف آمیز مملکت و اختلالات بیحد و حصر مالیه - و اقدامات بی نامه و سانه

و جاییکه نظمی را در نظر بگیریم - لزوم فوری قیام را احساس مینمائیم - در ظرف دوره اخیر بک سلسله عملیات نظامی در صفحات مختلفه ایالت آذربایجان شروع شد نه فقط منجر بافتتاح و رسوائی گشت ، این عملیات که نه طرز شروع و جریان آنها از روی فکر بوده و نه توقیف و تعطیل معین داشت ، مآلیه فقیر ملت را مستاصل ساخت ، عده مامورین که با حقوق غیر مناسبت از طهران می آمدند بدون جهت و لزوم بر عده مامورین موجودی افزوده میشد بک هنگامه نارتگری که مشهورترین اقوام و دسته های غارتگر نیز در تولید مثل آن عاجز بودند در مملکت بر پا شد عملیات سری نظمی از حوصله تقریر و تحریر خارج است .

این قیام خواست بربک چنین دوره عدم مسئولیت خائمه دهد ، دست خائنین و دزدان و راهزنان را از مالیه مملکت دور کند - مقصود را تنبیه و مجازات نماید - آری این قیام عرصه را بر خائنین ننگ خواهد کرد - دزدانی که از تبریز را ندیده می شوند نباید در طهران صدر نشین امانت بشوند جائیها که از مرکز آذربایجان فرار می نمایند نباید زمام حکومت ایالت و ولایت دیگر را در دست بگیرند زیرا که (تمام خاک ایران مقدس ، و مجموع کل دمو کراسی ایران صاحب حقوق است) ما آذربایجانیان فقط آسایش و آزادی خودمان را طالب نیستیم - مادر حدود این ایالت (آزادبستان) محصور نباید باشیم منتها برای اجرای مقاصد خودمان نقشه طرح کرده و برنامه اندیشیده ایم این نقشه و این پروگرام از قوه بفعل آورده خواهد شد - فعلا میدانم که صدای (ایران) را در خارج تبریز در تهران در شرق و غرب در شمال و جنوب با بک موفقیت خفه میکنند ولی این مشاهده ما را عصبانی نمی کند در تا کتیک ما عوامل وقت و زمان نیز منظور شده است .

نماینده جماعت باید سزکارها گماشته شود در عمل برای معروف نمودن جماعت و بجهت اعمال و آراء آن باید برای هر نوع از امور مختلفه عمومی دسته های مخصوص و متخصص از جماعت جدا شده - کارهای داخل در صلاحیت خودشان را در دست

گرفته و از پیش برند تعیین این دسته ها و سپس معرفی آنها برسمیت باید بک جریانی را تعقیب نماید که سر چشمه آن در خود دمو کراسی است دست نشانندگان بک طایفه و بستگان بک شخص و نوکران خصوصی بکفر دخواه شاه باشد خواه وزیر - نماینده جماعت و دمو کراسی نیستند حتی اگر فرد واحدی حایز رای عمومی اکثریت هم بوده باشد - حتما باید هیئت جامعه ملت بر امور او ناظر و مراقب باشند - هیچ کدام از امور نباید از جماعت غایب و مجهول باشد .

نصورت بک جماعت مجهول و غیر مسئول از آثار دوره های وحشیگری است - معروفیت و مسئولیت جماعت بکدرجه عالی مدنیت را تشکیل می دهد و ما از همین حالا مالک این طریق خواهیم شد - ما کارها را بشکلی از پیش خواهیم برد که دمو کراسی این موجودیت خودش را بیشتر حس کند مقام و حیثیت خودش را بهتر بشناسد شعور و وجدان دمو کراتیک در او حکمران باشد - مؤسساتی که بران اداره امور او دایر می شوند و مامورینی که بخدمت گماشته می شوند غفلتاً بخیر معمو و اعدام حقوق او نیافتند - ما دمو کراسی ایران را با تشکیلات مجهز خواهیم برد که اسباب استراحت داخله و خارجه را فراهم آورده عناصر فتنه و فساد و عوامل آشوب و هرج و مرج را خفه کند .

مخالفت هائیکه ممکن است در این عملیات پیش بیاید علت از دیاد و شدت فعالیت ما خواهد شد دائره نظر و عمل خودمان را وسعت خواهیم داد در دو مای روس که باشاره مرتجعین و چاره جویمان کوتاه نظر دچار تعطیل شد ، ابتدا تقاضای خیلی معتدل پیشنهاد میشد ولی پس از بروز مخالفتها گرفتگی ها - لنین با سرعت فوق العاده از پشت سر هم آمدند - این صفحه تاریخ برای مخالفین بکدرس عبرت است ولی باید بدانند که این صفحات برای اشخاصی که از صدمات ظلم و بیداد بسته آمده اند بکمایه تشویق نیز تشکیل می دهند .

قیام تبریز نظریات نایبته دارد و مصمم است که این نظریات را به تاثیرات جریانات روزمره ترک نماید - این عزم و اراده آزادبخواهان اعلان شده است تا کنون فرزندان

آذربایجان هیچ يك از عهدهای خودشان را نقض نکرده اند تا دلیل بر ناپایداری این عهد گرفته شود اما نباید بکلی بیخیال بود. با صدای رسا و اطه یشان کامل اعلان مینمایم.
 «قیام آذربایجان آزادی ایران را تأمین خواهد کرد»
 نطق شانزدهم - روز دوشنبه ۱۳ ثور ۱۳۹۹

در این نطق مرحوم خیابانی پس از ذکر موفقیت های قیام در طردهامورین فاسد وضعیت حاضر ایران را از طهران گرفته تا ایالات و ولایات تدقیق کرده و مشهود داشتند که يك كابوس ظلم و تعدی تمامت شهرهای ایران را فرا گرفته و صدای ملت را خفه کرده است.

آزادی قبل از همه چیز

امروز يك كابوس ظلم و تعدی و فشار و اجحاف تمام ایالات و ولایات ایران را فرا گرفته بخصوص در طهران این فشار فوق العاده است مطبوعات و مخابرات حتی مکاتیب تجارنی و تلگرافات تابع يك سانسور خیلی شدید میباشد ولی این همه تدابیر کود کانه متمر هیچ نمری نخواهد شد برغم تمام این ترتیبات شدید ما اطلاعات کافیه از نقاط دور و نزدیک ایران داریم اهالی ایران سراسریا ما همدرود و هم آواز است ولی ما آزادیخواهان را بصبر و ثبات دعوت مینمائیم - باید دانست مراتب آزادی خواهی ایالت آذربایجان هر قدر عالی و بلند باشد ایالات سایره ایران از آن کمتر نیستند - کارها و امثال آن از شرق و غرب و شمال و جنوب ایران سرزده اند سرایبی ایران وطن مقدس آزادیخواهانست ما فعلا دعوت بصبر و ثبات مینمائیم - تا بدون کشمکشهای زیاد مقاصد خودمان را مجری داریم و الا يك سيل مهيب يك سيل پر جوش و خروش (آزادی) حاضر است - سراسر ایران را در يك لمحہ بصریبموده صفحه مملکت را از لوٹ وجود خائنین بك نماید (دست زندهای پروجدو حرارت) مثل اینست که گفته اند (العلم نقطة کثرها الجاهلون) هر موضوعی انتخاب مینمایم - و در هر زمینه سخن برانیم نقطه واحده که باید همیشه بآن مراجعت و معاودت کنیم

ممکن است (روح و ذهنیت آزادیخواهی باید در افراد جماعت پرورش یابد و نمو کند) پس از پیدایش و انکشاف این روح کلیه مسائل بکمال خوبی حل میشوند - و هر يك از افراد تکالیف دائمی خودشان را حالی میکردند پیشوایان حقیقی ملت همانهایی هستند که مصدر تجلیات این روح بوده می توانست با اقوال و اعمال خودشان آنرا بر پیکر جماعت نیز تلقین و القا کنند - آزادی - حریت مانند سایر مفهومیهای بشری - دچار تفسیر و تویلهای مختلف گردیده و نایل تلقیات گوناگون شده اند در مقایسه آزادی و مساوات بعضی حق تقدم را بمساوات داده و برخی دیگر آزادی را مقدم شمرده اند در ایران ما حق تقدم و فضیلت را باید همیشه بآزادی بدهیم - (قبل از هر چیز آزادی) باید دستور العمل اساسی باشد •

علت این ترجیح در فساد عظیمی است که در اخلاق جامعه ما رخ داده ما را از حیث جهالت - آلودگی باغراض و نفسانیات به ترحم انگیزترین وضعیت قابل تصور دچار ساخته است •

ایکاش بکنفر شخص محترم می که در این موضوع با من مباحثه میکرد و بر خلاف عقیده و وجدان - ملیت و نژاد خودش اظهار فکر و رأی می نمود - در همین جا حاضر میبود - و با دلائل منطقی و براهین غیر قابل تردید بخود او اثبات و حسی می کردم که در ایران ما مجبوریم بگوئیم (قبل از همه چیز آزادی) (کف زندهای شدید)

سیاست ما، سیاستی که در اجرا و تطبیق خودمان بکار خواهیم برد اساسا مستند بر حسن حقیقت و بر علم و منطق است ما هیچ ادعا بزبان نمی آوریم که اکثریت عقلا و صلحای جهان بتوانند آن را جرح و تکذیب نمایند (آقای خیابانی بیانات خودشان را با جمله زیر خاتمه دادند :

بهر وسیله ایست باید قانون اساسی اجرا گردد •
 نطق هفدهم روز سه شنبه ۱۴ ثور ۱۳۹۹

مرحوم خیابانی، نطق روز سه شنبه ۱۴ ثور خود را بمناسبت آخرین روز

کاردن پارتی در صحنه خیریه ابراد نموده - و بیشتر از همه جالب توجه بود .
گریه و شادی - در راه تأمین آزادی و استقلال مملکت باید با شادی کوشش
نموده اراده ملت مافوق همه است :

امروز کاردن پارتی بانجام میرسد - همان کاردن پارتی که برای یاد آوری
از شهیدان حریت و بجهت تهیه اسباب دوام و بقای خاطرات عزیزه ایشان - آزادی
خواهان تبریز را در این عمارت جمع کرده است ، من امروز يك نکته را بهم
مسئلمان محترم خاطر نشان مینمایم و بآنها تبریک میگویم : این چندروز با کمال
شادی و بشاشت گذشت - نامهای نامی جوانان و سرداران غیور که در راه آزادی کشته
شدند • هر ساعت و هر دقیقه تذکار گردید و همه قلبها با مهربانترین احساسات
هیجان آمیز باهتزاز آمدند ولی مانند سربازانیکه بجانب يك مظفریت محقق قدم
می زنند مانند سربازانی که فنای نفس خوش ترین امل آن ها است این خاطرات
را با یأس و حزن • غصه و اندوه آمیخته و مخلوط نمودند •

کسی گریه نکرد - ناله و فریادهای مسکنت آمیز از هیچ جنبه بلند نشد
شاد و خندان بروی قبرهای مقدس و محترم شهدای آزادی خم شدیم و آنها را
نگریستیم - شهدار را زنده تر از خودمان یافتیم و معلوم بود حاضریم بدون يك لحظه
تردید زندگی موقت خودمان را بازندگی جاودانی ایشان عوض کنیم همیشه باید
این تندرستی را در روحمان دارا باشیم • در تأمین استقلال و آزادی مملکت باید
با شادی و بشاشت کوشش نموده هیچ کاری از ارواح مغمومه ساخته نیست •

اندوده بگرد و غبار حزن - پیچیده در مه و میغ نومیدی ، این ارواح ، مردم
و هر زمان در سوز و گدازند ولی زنده باد ارواح بشاشت که با چشمهای صاف و بیدار
دوربین و بی پرده ، صحنه حیات را تماشا میکنند و نابود باد ادبیات ، و اشعار -
موسیقی های غم انگیز و ملال آور تا کنون يك قسمت مهمتنباهی از زندگانی ما در
تحت تاثیرات میثوم یاس و فتور عاجز و بیچاره مانده و یکمقدار خطیری از قوای
ملی در زیر این کابوس عطالت و بی اختیاری نیست و نابود گردیده است - بعد از

این باید زندگی را خرم و خندان و مجادله حیات را با بشاشت و شادی تلقی نمائیم
• بنایم خنده های شوق و امیدوار دگلزار هستی شویم نه با شکنجه عجز و ناله های
ناخوانی و مسکنت !

فرد و جماعت

چنان که بدفعات مذاکره کرده ام حالت روحیه فرد با حالت روحیه جماعت
تفاوت عظیم دارد ، روح جماعت متشکل از مجموع ارواح افراد است ولی این
(روح کل) از آن ارواح جزء تماما متفاوت است . روح فرد قهراً تابع تاثرات روح
جماعت میشود و نادر است ارواحیکه بتواند خودشان را از این تبعیت مطواعانه
خلاصی بخشد يك شخص حکیم و دانشمند بسا اوقات در زیر تسلط روح جماعت تمام
هکمت و دانش خود را از دست میدهد . و در میان صفوف يك جماعتیکه مشغول
لهارتگری باشد او نیز بخوان بغما دست دراز کرده مانند پست ترین افراد جماعت
رفتار مینماید و همچنین است در صورت عکس جماعت همیشه باعث فساد و خرابی
نیست و افکار را بطریق های ضلالت و بدسلوکی سوق نمیدهد ، می بینیم که يك
طایفه دزد بواسطه تابع شدن بيك تشکیلات اجتماعی نایل يك زندگی مرتب تر
گردیده یکمده از فضايل را که فطره فاقد بودند مجددا دارا حایز میشوند حسن تعاون
و تعاضد - عدل و مساوات راستگویی و درستکاری در آنان بوجود بیاید بنام جمعیت
خود را مالک حقوق و صاحب تکالیف می شمارند • و این مشاهده با منفعتی است
که در عالم بشریت بعمل می آوریم این مشاهده بما میرساند که هر گاه يك اکثریت
صالحه در يك جماعتی آفریده شود این اکثریت آن جماعت را بشمو بکروح چنانی
نایل میگرداند که همیشه قابل مراقبت و مواظبت بوده مصدر اعمال و افعال شایان
تقدیر و تحسین میگردد •

جماعت ایرانی

در ایران تا امروز جماعت خود سر زمینگی کرده و مانند نبات خود رو در

سینه بی قید و بند طبیعت نشو و نما یافته است برای تشدید اثرات این وضعیت اُسف انگیز ضمناً نفوذهای داخلی هم موجود بوده است يك گروه با نظریات و عقاید باطله آن جماعت را در وادیهای سرگردانی و بی تکلیفی مدنهای مدید حرکت داده است - بدون عقاید ثابتة بدون استفاده هوشیارانه تجارب و امتحانات بدون تشکیلات و ترتیبات - جماعت ایرانی مراحل متوالیه يك زندگانی خودسر و طبیعی را پیمود و بطور خود رو با شکل امروزی خودش جلوه گر شده است (این درخت خود رو را باید پیوند زد - باید افکار سالم و صالح نظریات جدید و نافع را باین جماعت تلقین نموده بتدریج در محیط او يك جهاز و چارچوبه مضبوط و محکم (تجدد و تکامل) محصول آورد .

اصلاً در نظریات اراده ملت ، در فوق تمام توده های بشری است اراده ملت بهر چه تعلق بگیرد آن يك چیز مقدس و محترم است ولی باید این اراده حایز وجدان باشد بتواند بالاستقلال اثبات موجودیت کند - بتواند - صاف - صمیمی -- روشن و واضح در انظار جلوه گر شده وانگهی حکمفرمایی خود را معمول داشته تمام امور ملی و اجتماعی را در تحت نظر خودش بجزربان بیاندازد - برای اینکه اراده جماعت بتواند با این شرایط جلوه کند و موجودیت خودش را به ثبوت رساند باید افرادی که جماعت را تشکیل میدهند هر يك با يك روح بشاش و يك وجدان مستقل مجهز بوده قوای این روح را درعالم شهود منجلی گردانند تا امروز جماعت ایرانی - در تحت تسلط افکار متشتمه اسیر و پریشان بوده نتوانسته است بطور محکم و متین اراده واحدی را اظهار نماید ولی وقت است که جماعت ایرانی حواس خود را جمع کرده با متحان وجدانی خودش بپردازد - وضعیات موجوده خود را از نظر گذرانیده آتیه را پیش بینی کند در پیش يك تکلیف مشخص و معین اسلحه خودش را برداشته در يك کارزار با شرافت بنای مجاهدت و مبارزت گذارد - اینست ما - تمام هم خودمان را صرف میکنیم تا جماعت را بر نواقس و عیوبات خودش ملتفت و معترف ساخته

طریق تکامل و ترقی را باو نشان بدهیم - تصورات و خیالات باطله را از قلوب آنان بیرون آورده در جای آن نظریات و افکار جدیده زندگمی بخش را مستقر و برقرار داریم برای وصول باین مقصد میگوئیم باید هر فرد از افرادی که این جماعت را تشکیل میدهند با روح بلندی که در این اجتماعات هویدا است مجهز گشته این روح آزادی استقلال را چنانکه باید در نفس خودش جای داده و بدیگران تلقین نماید .

ای شهدای آزادی : ای آن وجودهای گرامی که در سایه فدا کاربهاو جان سپاریهای شرافتمندانه شما ما ایرانیان نیز درعالم آزادی حایز يك سروصدائی شدیم - ای اولاد باشرف این خاک پاک که با مرگ خودتان ما را زنده کردید - در مقابر خودتان آسوده و راحت باشید زحمات شماهدر نرفت خون شما بی حاصل نماند امروز سر ما بلند و قلب ما شاد است با افتخار و خوشبختی شما را بیاد میاوریم و خاطره شما در ارواح ما اراده های متین و تصمیمات متزلزل ناپذیر بیدار میکند - راهی که پیش گرفته بودید از بی شما میآئیم .

شما ای مادران و خواهرانیکه هنوز ماتم سبام آن قهرمانان نامدار را در بردارید کینار کنید آن یاس و ماتم را - مردگان شما بیهوده نمرده اند شهیدان شما از میان این جماعت نابود و نا پدید نشده اند می بینید که آنان در قلوب مایک مقام بلند و ارجمندی را حایز گشته اند و تا ابد زنده خواهند ماند اولاد شهیدان خودتان را با احساسات شادی و سر بلندی بزرگ کنید - يك پرورش و تربیت مردانه آنان بدهید آنان را نیز آزادی خواه و قهرمان بار بیاورید بگذارید آنان نیز در این میدان شرف بخت جان و سر کنند دور شو ای کابوس حزن و الم - دور شو از این محیط فر خنده پاک . ای گریه عجز و ناتوانی پرده حاجب حجاب میغ اندود اشکها را از پیش چشم ایرانی رفع کن بگذار حیات را صاف رساده زنده و درخشان پاک و تابناک ببیند نابود باد آنهائیکه میخواهند این جماعت را ترسو و بی جرئت سازند اورا بچین و تنبلی عادت دهند پاینده و جاوید بساد اجتماعات آزادی خواهان (دست زدنی های بی پایان)

برای اجرای اصلاحات قبلا باید خودمان را اصلاح کنیم

امروز سی روز تمام است که این قیام برپا است ارباب قیام با کمال جدیت و ممانعت مشغول پیشرفت هستند و روز بروز بر قوت عزم و اراده آنان افزوده میشود امیدوارم این قیام روزهای زیاده و ماههای عدیده پایدار مانده آمال خودش را بموقع اجرا بگذارد (دست زدنهای شدید) ما باید مقصود خودمان را تعقیب کنیم ماروز بنگه عملیات نامعقول دولتیان بتواند خمپاره های انقلاب و شورش را در این شهر مشتعل و منفجر نماید باید با همین حقیقت و مواظبت در استقرار امن و آسایش مجاهدت ورزیم *

ما مرام خودمان را با صدای بلند اعلان و اعلام نمودیم و آن مرام ثابت و لایتغیر است لهذا تا کتیک ماست که بیشتر موضوع بحث خواهد بود - تصمیمات ما تغییر ناپذیر و حتمی الاجر است اصلاح اساسی ادارات یکی از مقاصد فوری ماست متدراجا از مرکز تبریز شروع نموده باصلاح ادارات و موسسات خواهیم پرداخت در این اصلاحات سابقه اشخاص در نظر گرفته خواهد شد گر گهای میش بصورتی که در لباسهای عوام فریب ناپل مراتب و مقاماتی گردیده اند و بعد نیات فاسده خودشان را از قوه بفعل آورده اند دیگر مصدر امور ملی نخواهند بود مافریب نخواهیم خورد تجربه ها و امتحانات خیلی سخت نموده ایم و خیلی زحمت برده ایم - لهذا استنباهی که بدست آورده ایم اساسی و پایدار خواهد بود

آزادینخوانان باخراج (ماژور بیورلنگ) و شرکای او تصمیم گرفتند پولی دولتیان آنها را یکماه تمام با مسامحه و ملاحظه گاهی در با سنج و زمانی قدر نیازت بنگهداشتند و بالاخره دیدند - تصمیمات مایکی است و بطور جنم قابل اجراست در اجرای امر فقط باید حق و حقیقت را در نظر گرفت و تمام عواطف را متروک گذاشت و من این نظریه را تعقیب خواهم کرد .

موقوفی القاب : در این اجتماعات تصمیم گرفته شد که اسم ایالت آذربایجان به (آزادبستان) تبدیل یابد - و همچنین القاب بکلی موقوف شود همه کس با لفظ (آقا) خطاب شوند عموم موظف با اجرای این تصمیم هستند .

تجدد در اصول معاشرت: در اصول معاشرت نیز باید بنه تجدد قائل شویم مثلا طرز پذیرائی در میان روی اصول منطقی و صحیح نیست اغلب اشخاص در منزل شخصی خود نشسته برای استخلاص از تحمیلات بگدازند و باز دیدن نا بهنگام به بهانه های دروغی متوسل میشوند در خانه نبودن خود را به نو کران خود میسپارند بدین واسطه نو کران با اهل رعیال خودشان را وادار بندروغگوئی می نمایند باید یک طریق صالح تر را پیش گرفت صاحب خانه در موقعیکه مشغول و معذور است باید با کمال ادب از واردین غیر منتظر عذر خواسته اظهار دارد که نمیتواند از آنان پذیرائی کند و در صورت لزوم یکوقت دیگر معین نماید و طرف مقابل هم در صورت وقوع در همچو حالتی وقتیکه صاحب خانه بیان معذرت نمود بدون از چار و رنجش عذراورا پذیرفته دل سرد و دل تنگ نشود هر قدر از تحمیلات و زحمات معاشرت کاسته شود و هر قدر ادب و رسوم آزادانه اتخاذ گردد - بهمان اندازه - زندگی اجتماعی کسب سهولت و حلالت میکنند برای اینکه معاشرت و آمیزش بدون يك اصطکاک و تصادم مزاحمت آمیز جریان پیدا نماید باید از یکطرف عوض بهانه تراشی های دروغی عذر های حقیقی بدون ملاحظه اظهار و بیان گردد - و از طرف مقابل نیز این اظهارات با خوشی و معقولیت تلقی شود یکی از رسوم حسنه که در میان ما عمومیت ندارد همانا طرز دخول در اطفاها است باید قبل از دخول بچند ضرب خفیف انگشت در اطاق را زده اشخاصی را که در داخل اطاق هستند مسبوق و خبردار نمود همچنین به هیچ بهانه - اغراض و شخصیات را مداخله در کارها نداده و در کلیه امور جنبه های نفسانی را باید بکلی متروک گذاشت در امور شخصی و مسائل عادی زندگانی عناد و لجاجت بخرج نداد ولی در سیاسیات عناد را باید یک فضیلت شمرد و در پیروی از يك مسلک پسندیده و بنا در دفاع از يك مرام صحیح باید تا آخرین مرحله امکان و اقتدار با فشاری

برای موفقیت دیسپلین و برای حفظ انضباط مجازات سخت لازم است :

مکرر اخطار کرده ام ما برای حفظ دیسپلین و انضباط قیام مجبوریم حرکات خود سرانه را سخت تنبیه و مجازات نمائیم - اگر چه این اقدام از نزدیکترین رفقا و هم مسلکان خودمان سر بزند اگر کسی از دایره صلاحیت خود تجاوز نماید بدون اجازه اقدامی کند که موجب تضییع حقوق عمومی بپاشیدگی شیرازه نظم و انضباط گردد - بدون رحم و مروت مجازات خواهد شد - با چشم کریان و با قلب پر از تأثر و تامل به تنبیه و مجازات چنین اشخاص اقدام خواهیم کرد - ولی تنبیه آنها شدید تر از مجازات اشخاص خارج از تشکیلات خواهد بود .

آزادیخواهان و دموکراتها با حیات و شرافت خودشان ضامن پیشرفت این مقاصد قیام هستند و میگویند ملت باید همیشه حافظ حقوق خودش باشد امر محافظت و صیانت حقوق ملی و قوانین اساسی را نمیتوان بیک پادشاه و یک ولیعهد سپرد - نظام و نظمی را باید کاملاً و بطور اطمینان بخش اصلاح نمود و دیسپلین در ادارات باید باقی و محفوظ بماند او امر روسای ادارات مطاع نیست مگر در صورت مطابقت با نظریات و ار امر این مرکز ملی .

نطق نوزدهم - روز پنجشنبه ۱۶ نور ۱۲۹۹

دشمنان ما قوی و بیدارند ما هم باید هوشیار باشیم

غرور و اشتباه که همیشه از اولین موفقیتها بوجود میاید بزرگترین عامل ضلالت و گمراهی و بالاخره موثرترین علت عدم موفقیت و مغلوبیت است نباید موفقیت های اولیه قیام ما را مشتبه و مغرور سازد سرانجام ما را بجانب یک مغلوبیت خسران

آمیز راهنمایی کند ما باید بدانیم دشمنان ما عالم و با تجربه هستند برای فریفتن و مغبون کردن بهر وسیله متوسل خواهند شد با دسائیس و برنگهای گوناگون خواهند کوشید در جلوی اقدامات ما اشکالات و موانع ایجاد کنند با لباس دروغ و در سایه ربا و تزویر که از خواص طبایع بوقلمونی آنانست سعی خواهند کرد اتحاد و اتفاق ما را از داخل خودمان رخنه دار سازند دشمنان ما در عقاید خودشان اصرار و ابرام دارند و تسلیم نمیشوند مگر در مقابل يك امر واقع و این تسلیم شدن آنها هم اتخاذ يك وضعیت انتظار میباشد .

ما اطمینان داریم در مقابل حق و حقیقت که آزادی خواهان با کمال صمیمیت و يك عزم و اراده تزلزل ناپذیر از آن دفاع مینمایند حیل و دسائیس آنان مؤثر نخواهد شد ولی برای استوار نمودن سنگرهای خودمان لازم است اهمیت دشمنان خود را فهمیده و از اتخاذ تدابیر لازمه در مقابل آنها خود داری نکندیم بنابراین احتیاج به هوشیاری و بیداری و به جدیت و متانت دائمی داریم ما يك قیام وسیع و خیلی بزرگی را بر عهده گرفته ایم - وعظمت و اهمیت آنها بخوبی میدانیم و گمان هم میبریم تشکیلات ما قادر باشد که این اقدام مهم را بانجام برساند و برای اداره این تشکیلات ماهر کز طالب کثرت جمعیت و سیاهی لشکر نیستیم ما افراد مطیع دیسپلین و فداکار لازم داریم این قیام پایدار و دائمی است اشخاص فداکار و صاحب عزم و اراده و افراد از موده میتوانند فقط از عهده اداره این قیام بر آیند - ما هرگز خسته نخواهیم شد در اجرای قانون اساسی و از قوه بفعل آوردن رژیم مشروطی با نهایت صبر و ثبات یا فشاری خواهیم کرد و از پای نخواهیم نشست ایران را با قوانین و اصول مطابق با عقاید و نظریات عصر حاضر اداره خواهیم نمود مرام ما يك مرام معین و معلوم است در تعقیب خط حرکتی که برای خود رسم نموده با کمال ثبات و متانت مجاهدت نموده دخول اغراض شخصی را ابتدا اجازه نخواهیم داد . در انقلابات گذشته آزادی خواهان با کمال ساده لوحی از آنجائیکه زود باور بودند کارهای عمده را با اشخاص نابلق

سپردند برای نگهداری حقوق ملت خائنین ملت را بر سر کار آوردند ملتفت نبودند که مقدرات مملکت سابق هم در دست آنها بود - و این ملت از آن دستهای پلانی بود است .

برای موفقیت صمیمیت لازم است باید غرض رانی و نفس پرستی را ترك كوتیم بدستورالعمل های مرکز قیام بدون چون و چرا اطاعت کنیم و بدانیم در تحت این شرایط موفقیت ماحتمی است .

قیام با کمال بطوء و تانی کار میکنند و هرگز علائم تندی و عجله در آن نمایان نیست این قیام بسوی هدفی رهسپار است و با کمال متانت و سائل رسیدن بآن هدف رافراهم خواهد داشت - مثل اینست که ما میخواهیم يك آتشی برافروزیم ولی فعلا موجودی ماعبارتست از يك مقدار زغال و پارچه اخکرسوزان است این اخگرها عظیم تر از چند شراره نیستند زغال را چیده و توده کرده ایم و در بالای آن خورده اخگرها را جمع نموده ایم و حالا مشغول هستیم که روی آن اخگرها دمیده توده زغال را آتش بزیم باید در این کار یواش یواش اقدام کنیم باید نفس ما بانهایت احتیاط بروی اخگرها وزیده حرارت آنها را بدغالها منتقل سازد اگر بدون احتیاط یکمرتبه يك نفس تند و پر زور بزیم اخگرهای خورده پاره پراکنده شده زغالهای سیاه و سرد را بر جای خود خواهد گذارد در این موقع يك تندباد فقط این ذغالهای بی حرارت را در اطراف و اکناف منتشر خواهد کرد و این امر مشمر هیچ نمری نخواهد بود .

عجالة ما موظف هستیم که با کمال - برو تانی بروی اخگرهای فروزان دمیده توده بزرگ زغال را سراپا مشتعل سازیم در اینصورت اگر تند بادی بوزد آتشی سوزان را باقطار مملکت خواهد برد فعلا دشمنان از بطوء و آمدی ما خوشبین میاید گویا بر روی آتش افروخته شده خاکسترمی ریزند غافل از اینکه در ریر جا کسیر اخگرهای سوزان بیشتر خواهد پائید .

دشمنان ما باید بدانند که ما ترتیبی پیش گرفته ایم که ممکن است در آخر

(لات شوبم) اما هرگز (مات نخواهیم شد) (دست زدنهای طولانی) این قیام متمحصر به تبریز نبوده بلکه آزادی تمام ایران را میخواهد و در تحصیل آن تا آخرین مرحله خواهد کوشید ولی نه در زمینه منطق و نه در کارزار روز هیچ کس ما را مغلوب نخواهد کرد (دست زدنهای شدید).

نطق بیستم - روز جمعه ۱۷ نور / ۱۲۹۹

وحدت عقیده و یگانگی ایجاد میکند

تا کنون قیامهای ایرانیان سطحی و ظاهری بوده بنا بر این هنوز نتوانسته ایم يك اصلاحات مهمی در زندگانی اجتماعی و سیاسی خودمان بعمل آوریم - ما میخواهیم جماعت پس از این دانسته و فهمیده به تحصیل آزادی اقدام نماید و برای وصول بدین مقصود لازم است افکار جماعت را تنویر نماییم.

اولین وظیفه جماعتی که از گذشته متمسک شده بطرف يك آتیه درخشانی میخواهد رهسپار شود - عبارت از تبعیت به دیسیپلین است و بس دیسیپلین مهربانی و محبت که يك رابطه محکم و پایداری است در میان افراد يك جماعت و سایل تولید محبت زیاد است ولی عمده رسیده محبت (وحدت آمال است) عاشقان متمدد يك معشوق و احد میتوانند در اطراف آن بر ستیده یگانه قلب خودشان کرد هم آیند طرح احاد و اتفاق بریزند . -

ما همه عاشقان آزادی هستیم حالا برای اینکه شمله عشق و محبت در سینه های ما فروزان گردد کافی است که پرده ها را برداشته معشوقه مشترك را بمانشان بدهند آن معشوقه دلچسب و روح نواز ماعبارت از (آزادی) است .

سابقا در یکی از نطقها سخن از علاقه و محبت بردم علاقه و محبت دو کلمه مترادف هستند علاقه و محبت معنون نسبت به لیلی يك رابطه حیاتی و وجدانی است علاقه باطنی بمعنی محبت فقط تراجم بصفات ظاهری نیست يك وجدان عشق و وجدان دیگر میرساند - دو روح مانند دو جسم ولی با يك شرط پایداری یکدیگر را دوست میدارند - عقیده و وجدانی

آزادبخواهان در میان آنان يك علاقه وجدانی تشکیل میدهد و آنان را با اتحاد و یگانگی فوق و تشویق مینماید - ما آزادبخواهان همه يك امل - يك آرزو - يك مرام - يك عقیده داریم - ما همه میگوئیم مشروطیت حقیقی باید در مملکت حکمرانی کند نفوذ های شخصی امتیازات ملعی و منسوخ گردد - حا کمیت ملت واقمیت داشته باشد موسسات و ادارات ما ملی باشد یعنی بر اساس حا کمیت ملت تکیه و استنباد نماید - ما میگوئیم (عدالت - مساوات آزادی) باشد در يك کلمه مختصر و مفید (ما میخواهیم فرزندان قرن خودمان باشیم)

هم مسلکی تولید برادری میکنند - دو هم مسلک دو برادرند - دو برادر که مسالك مختلف دارند می بینید که علاقه طبیعی اخوت از میانشان زایل میگردد و بر عکس دو بیگانه هم مسلک مثل دو برادر - زائیده يك مادر - بیکدیگر تقرب می جویند و وحدت عقیده تولید محبت و علاقه میکنند بواسطه این عقیده يك دیسپلین معنی و قلبی در میان افراد يك جماعت حکمفرما میشود .

در میان جماعت آزادبخواه (آزادی) فرمانده همه ارواح واقع میشود اینست تکرار میکنم همین دیسپلین - این دیسپلین قلبی - دیسپلین محبت باید در میان آزادبخواهان حکمرانی کند دیسپلین اجباری - دیسپلین جبر و شدت و زور و فشار پایدار نیست ولی دیسپلین وجدانی که ارواح را زیر اطاعت میاورد فنا پذیر و لایموت است .

آزادی - استقلال و سعادت ایرانیان مقصود مشترك کلیه آزادبخواهانست و این وحدت مقصود سرمایه اتحاد و اتفاق آنان است در الام و شادیهای این مملکت آزادبخواهان شریکند - و این شرکت نیز در میان آنان تولید علاقه و محبت مینماید .

هر که برضد این قیام بر علیه این اجتماع ملی خیال مخالفی داشته باشد او آزادبخواه نیست او علاقه به آزادی ندارد - او محبت و حقیقت ندارد - تابع

دیسپلین مشترك نیست بنا بر این (خائن) است و يك عضو مضر هیئت اجتماعی است .

ای آزادبخواهان! دشمنان شما همیشه میخواهند تخم نفاق در میان شما پاشیده انجمن شما را پراکنده کنند - ولی جماعت عشاق - جماعت دلدادگان جماعت علاقمند را نمیتوان مغلوب ساخت محبت توانا تر از بغض و کینه است - عداوت آنها نسبت با آزادی ممکن نیست بر محبت شما نسبت با آزادی فائق آید .

ما باید بارشاد و هدایت دشمنان نیز بپردازیم وقتی که دیدیم اصلاح پذیر نیستند ضدیت و خیانت در آنان يك طبیعت ثانوی شده است فقط آنوقت باید از آنان قطع علاقه بکنیم . اتحاد آزادبخواهان و علاقه و محبت آنان ضامن آزادی و استقلال ایران خواهد شد مسلک سیاسی حا کم و فائق بر تمام عقاید است ، ادیان و مذاهب . قومیت و ملیت در پیش عقاید سیاسی خالی از تاثیر و نفوذ میباشد و وحدت مسلک تولید محبت و اتحاد می کند دیدیم چگونه پس از انقلاب کبیر روسیه ، سربازان روس ، همان سربازانی که در این مملکت مدعش ترین تریبات (تروریسم) را برپا داشته و با قساوت فوق العاده با مردم رفتار نموده بودند ، یکدفعه مبدل باشخاص معقول و آزادبخواه و مهربان شدند همان سربازانی که آزادی خواهان ایران را قتل و اعدام نموده بودند بر سر قبور ایشان رفتند و با کمال صمیمیت و محبت اشکهای تاسف و تالم ریختند این تظاهر سربازان روس بطور درخشان بتمام جهانیان نشان داد که مسلک سیاسی بر همه چیز حا کم است (۱)

مستتر با کسرویل آمریکائی آن جوان دانشمند که نفس خود را در راد آزادی

(۱) در سال ۱۳۳۵ قری (۱۹۲۷) میلادی که رژیم تزاری روسیه و ازگون گردید اصول آزادی در آن کشور برقرار شد سربازان روس در آذر بایجان و تبریز که تا آنروز مجری آمال استبداد و مخالف آزادی بودند با همراهی آزادبخواهان تبریز نمایشهای آزادبخواهان دادند و در سربور شهدای آزادی رفتند و گلها تار کردند و نطقها نمودند اشاره خیابانی در این نطق بهمان روز نمایش است .

ایران فدا نمود این قضیه را به ثبوت رسانید (۱) آزادیخواهان گرجی - ارمنی که در انقلاب ایران با انقلابیون ایران پهلو به پهلو می جنگیدند و خون خودشان را برای وطن و آزادی ایرانیان میریختند بر حقیقت و صحت این قضیه دلالت دارد (۲) سعادت بشریت فقط بدین وسیله تامین خواهد شد که تمام اولاد در تحت بیرق آزادی که امروز در هر گوشه جهان افراشته شده است زیست نمایند. زنده باد اشخاصی که میکوشند تا در میان تمام آزادی خواهان روی زمین روابط دوستی و اخوت را تاسیس و تقویت نمایند و محو و نابود باد اشخاصیکه تخم نفرت و نفاق میباشند (دست زندهای بی پایان)

نطق بیست و یکم - روز سه شنبه ۱۸ ثور ۱۳۹۹

در جشن افتتاح مجلس شورای ملی

بمناسبت تصادف این روز با روز افتتاح مجلس شورای ملی جشن و آئین بندی در عمارت «تجدد» برپا شده بود طرف عصر مرحوم خیابانی در میای جمعیت انبوهی از آزادی خواهان تبریز نطق خود را بشرح زیر آغاز نمودند:

« من امروز آثار سرور و شادی در این جماعت میبینم - جشن برپا داشته‌اید و سنه دوریه افتتاح مجلس شورای ملی را به همدیگر تبریک میگوئید ولی در واقع

(۱) - مترها ورود باکسرویل آمریکائی در ناحیه مرکزی جماهیر متحده آمریکا در ایالت نبراسکا متولد شده آن جوان آمریکائی تحصیلات خود را در دانشگاه برنستن بیابان رسانیده در آنوقت رئیس دانشگاه مذکور مسترویلسون بود که بعدها رئیس جمهور امریکا گردید - این جوان دانشمند و آزادیخواه آمریکائی از حزب دموکرات بود مستر باکسرویل در ۱۹۰۸ میلادی ۱۳۲۴ قمری اوایل انقلاب مشروطیت ایران وارد خاک ایران شد مستر باکسرویل در اینموقع ۲۴ سال داشت بکمال تمام با انقلابیون آذربایجان بر علیه استبداد جنگید بالاخره در ۱۹ ماه آوریل ۱۹۰۹ بضرط گلوله استبداد در تبریز کشته شد - خون گرانبهای خود را با یک جوانمردی قابل ستایش نثار آزادی ایران کرد *

۲ - از آزادیخواهان معروف ارمنی که در راه حریت ایران متحمل زحمتی شده و معسر خدماتی بوده است مسیو پیرم میباشد *

باید چقدر سر افکنده و خجل باشید زیرا که توانسته‌اید آن آزادی را که بدست آورده بودید نگهداری کنید - این بیرق سه رنگ را می بینید - رنگ سرخ پس از ظهور انقلاب بدو رنگ اولی (علامت دولت شاهنشاهی ایران) افزوده شد * ای علامت مشروطه‌ای ناموس اعظم باید تا ابد محفوظ بمانی - ای علامت آزادی ایران؛ بعد از این آزادی خواهان ایران بهتر از سابق در محافظت تو جان سپاری خواهند کرد - ترا از دست برد عوامل ارتجاعی و استبدادی صیانت خواهند نمود - بعد از این آزادی خواهان فراموش نخواهند کرد که در راه توجه قربانی ها داده و چه فلاکت هائی را متحمل شده‌اند * رنگ سرخ تو - رنگ سرخ جوانان است که برای تامین فیروزی تو نایل شهادت گردیده‌اند *

ای آزادی خواهان دروغی که خود را با اغراض پست آلوده نموده‌اید و به تلقینات مستبدین و مرتجعین فریفته شده برضد این قیام مقدس اظهار فکر و عقیده میکنید و در گوشه های تاریک به توطئه های مستبدین شرکت جست و بلکه بر جماعت آنان رهنمائی میکنید بلی ای آزادی خواهان دروغی - نه پندارید که عملیات سری شما را نمی بینیم و نمی دانیم که از کدام سرچشمه های فتنه و فساد شما آب میخورید و با چه نیت و نقشه خائنانه دامن فعالیت بر کمزرده‌اید ولی گمان نبرید که تحمل و حوصله ما بیحد و پایان خواهد بود - بروید اسباب فراهم بیاورید تا طرف شوید آنوقت به بینید چه جوانانی هستند که حاضرند در راه آزادی کشته شوند - ایندفعه آزادی خواهان آذربایجان یا آزادی و استقلال ایران را تامین خواهند کرد یا عرصه این مملکت را مبدل بیک دریای خون ساخته و خودشان نیز در توی آن دریا غرق خواهند شد *

ایکاش الان يك بمب می افتاد و در بیش پای من می ترکید و می دیدید که یکقدم نمی گشتم و این چنین هستند رفقای من که یکی پس از دیگری خواهند مرد ولی دست از مرام خود بر نخواهند داشت * تبریز باید یکصد و یکبار باشد هیچ صدای مخالف و هیچ حرکت ضد قیام ممکن نیست در تبریز دیده و شنیده شود و

باید رژیم مملکت تجدید شود اول در تبریز - سپس در کلیه ایران .

(دست زدن های شدید)

بیائید ای آزادی خواهان واقعی یا بمیرید یا ایران را آزاد کنید -
بیائید جدیت و فداکاری بخرج دهید به همه بفهمانید که تصمیم ما تغییر ناپذیر است
باید صدای تبریز یکی باشد و مرام تبریز یکی - هر که بنای تفرقه و تشتت بگذارد
باید محو و معدوم ساخت .

شب و روز چشم بینای شما باید ناظر عملیات خائنین باشد - همه جا را تحت
نظر بیاورید و نگذارید يك اجتماع مخالف يك مجلس خیانت و سوء قصد ابر باشد
- آنرا کشف نمائید که مؤسسين آن توقیف شوند و در صورت مقاومت مقتول خواهند
شد - این بیرق - سه رنگ ملی را می بینید که در ذیل سبز و سفید رنگ سرخی افزوده
شده و آن علامت انقلاب خونین است مبادا دشمنان آزادی خیالات خام خود را دنبال
کنند آنگاه خواهند دید که کناره سرخ بیرق سه رنگ به طغیان آمده شیر و خورشید
ایران را در يك آسمان آشگون يك فجر خونین انقلاب و تجدد جلوه گر خواهد
ساخت (دست زدن های شدید و طولانی)

ما تمام دسته های مخالف را زیر پای خودمان محو خواهیم کرد هر گاه نتوانستیم
قهر آنها مارا زیر پای خودشان بخش خواهند نمود ما در حرف و قول نزاکت را منظور
میداریم ولی در عمل بخشونت و جدیت معتقد هستیم .

ای خائنین بدبخت اشتباه نکنید سکونت و انتظام آزادی خواهان را حمل
بر ترس یا ضعف و ناتوانی نمائید . فرقه دموکرات قطع کرده است با اسم دموکرات
باید از صفحه تبریز زوده شود یا آزادی خواهان سر بلند و آزاد زیست کنند .
(دست زدن های متمادی)

نطق بیست و دوم - روز ۱ شنبه ۱۹ ثور ۱۲۹۹

چون روز یکشنبه ۱۹ ثور نیز جشن افتتاح مجلس شورای ملی امتداد داشت
آئین بنیدن در عمارت تجدد موجود بود و علاوه موزیک نظام بر عظمت جشن ملی میافزود

و با برهم نفعات دلپذیر مردم را بشور و نشاط وادار میگرد مرحوم خیابانی در میان
جمعیت زیادی نطق خود را بشرح زیر شروع نمود :

هر زمان تقاضائی دارد ر این تقاضا با میزان علم و معرفت افراد بشر و ترقیات
زمان تغییر پذیر است با مرور دهور ذهنیت بشری وسعت مییابد و تصورات او نیز بالطبع
دگرگون میشود اجداد ما عدالت نوشیروانی را مافوق همه نوع آرزو های خود
میگرفتند و برای آنها عدالت آن پادشاه ساسانی برتر و بالاتر از هر تصور بود اما امروز
ما فرزندان آنان يك عدالت نوشیروانی را عین استبداد می خوانیم و نمیتوانیم دقیقه
در تحت اداره آن زندگی کرده و خود را خوشبخت و آسوده پنداریم عقاید ما و دور
سیاسی نیز تابع همین قانون طبیعی است .

در اطراف حوادث و افکار سیاسی ، زمان يك چارچوبه را تشکیل میدهد که
یکانه شارح و مفسر راستگوی آن حوادث و افکار هستند و اگر آنها را از میان
آن چارچوبه مخصوص بیرون بیاوریم دیگر آن معنی اولی و حقیقی خودشان را
دارا نخواهند بود پس از مرگ و افول حوادث و عقاید - احساساتی که اینها در نوب
معاصرین خود ایجاد و تولید کرده بودند باقی و زنده مانده اثرات و نفوذ آنها را در
قرون آتی نیز ادامه می دهند - جوانان کهنه پرست را بسیار دیده ام . جوانانی که
پس از تکمیل تحصیلات خودشان دیپلومهای دارالفنون ها را بدست خود گرفته ولی
افکار و عقاید هزاران ساله را هنوز از مغز خود بیرون نندوده اند بدین وسیله ماضی
همیشه زمان حاضر را پخشیده و در زیر فشارهای ارتجاعی و محافظه کارانه خود لنگد کوب
ساخته است - برای فرو نشاندن حرارتی که تمایلات زمان مردم بطرف يك تجدد
نوری و تند تشویق میگرد مجلس (سنا) را بوجود آورد .

ما بدتر از این کردیم بقیمت خون جوانان مشروطه گرفتیم - رفتیم يك
مجلس ملی تاسیس کنیم - آوردیم اشخاصی را در آن جا دادیم که بایستی د يك
مجلس (سنا) بنشینند در نتیجه این اشتباه جوانان مملکت محکوم قوانین موضوعه
کهنه پرستان شدند امروز باید زحمت کشیده این غفلت را جبران نمائیم .

ویکتور هوگو و متجددمشهور فرانسوی می گویند درهای پارلمان را بروی جوانان نبندید و الا جوانها میدانهای عمومی را بروی خود خواهند گشاد ، حضور بهم رسانیدن جوانان در میدان های عمومی بهمین شکل قیام و اجتماع بعمل می آید و مذاکراتی که در این میدان ها میشود آن سکوت و آرامی محوطه پارلمان را نخواهد داشت مجلس را بروی ما بستند گویا ما نمی توانستیم حرف خودمان را در جای دیگر بگوئیم این صرفه دولتیان بود که بایستی صدای ملت را در تالار بهارستان حبس کنند و بجهت اینکه در بیرون بهارستان آواز خودش را بلند می کنند ملت چیزی از حقوق خودش را فاقد نخواهد شد .

يك قوه موجود است که می خواهد ملت را در تاریکیهای جهالت الی الابد نگهدارد - درهای مدارس را نیز نمیخواهند بروی فرزندان ملت باز نمایند . تعلیمات اجباری از مواد اساسی مرام نامه ما است و تقریبا شکل قانونیت و رسمیت نیز بآن داده ایم ولی از دوازده سال باین طرف قدمی در این راه برداشته نشده و تمام بسا مسامحه و ملاحظه گذرانیده اند این اشخاص در پیش ملت رجز می خوانند و ملت را را تحقیر می کنند میخواهند ملت بدانند که کرسی های پارلمانی و نیمکت های مدارس و سایر مقامات پست و بلند درجات تکامل و تجدد را خودش با حمله و یورش های خونین باید فتح کرده و تحت تصرف و تسلط خود در بیاورد ما که مهبای مرگ هستیم چه عیب دارد انسان بمیرد انسان را بدار بکشند ولی قبلا صدای رسای او در آفتاب مملکت طنین انداز شده حق ها را اعلان و باطل را تلمین نموده باشد ما را تا امروز فریب دادند و اغفال کردند ما خودمان غفلت کردیم چشم بهم بسته دزدان را آزاد گذاشتیم ولی امروز شمار ما دیگر است می گوئیم (نامین آتیه) آتیه را نامین خواهیم کرد .

فعلا ما يك مشروطه داریم از قوه بفعل آوردن این مشروطه اولین قدمی است که باید برداریم و اول چیزی که می خواهم عبارت از استقرار رژیم

مشروطیت در سراسر ایرانست - شرط استقرار این رژیم تبعیت ادارات است بر احکام اوامر رژیم مذکور .

ما قول را ایندفعه مبدل به (عمل) کرده در عرض اینکه لفظ مشروطه را در زبان خود قرار دهیم اشخاص مشروطه خواهر را در ادارات مملکت جای خواهیم داد ولی قبل از آنکه ادارات مشروطی بشوند باید خود ملت مشروطه خواه بشود .

يك ملت مشروطه خواه هرگز نمیخواهد و از تکلیف حا کمیت و نظارت خودش لحظه ای غفلت نمی ورزد - این قیام يك قیام دائمی است تا آزادیخواهان در ایران هستند این قیام نیز هست زیرا مقصود این قیام نظارت بر اعمال مستخدمین ملت است ، و تامین آتیه .

این نظارت ما تکلیف ما است . نباید از قافله تکامل بشریت فرسنگها دور بمانیم (هر که بر زمانه عاق شود مجازات آن با خود زمانه است) ما فعلا قیام کرده ایم و هنوز چیزی نیستیم نه جمهوری طلبیم نه مشروطه خواه و نه هیچ . . .

بگذار مجلس را مسدود و متروک بگذارند تا روزیکه ما بتوانیم موافق میل و احتیاج خودمان جوانان تربیت شده با آنجا روانه داریم ما طالب نمایندگان روشن فکر هستیم که بتوانند از یکطرف مقتضیات زمانت خودشان را درست در نظر گرفته و تدقیق نمایند و از طرف دیگر ابتناء نوع خود را از وضعیات مطلق و مستفید سازند .

قانون گزاران این زمان باید معتقد باصون دمو کراسی باشند و دمو کراسی ممکن نیست مقدرات خودش را بدست اشراف بسپارد ما مجلسی می خواهیم که از سخیم قلب ملت را دوست بدارد و بالام و احتیاجات دمو کراسی آشنا باشد - نه یکدام نخیات و تزویر که در تهران گسترده شده که گاه گاهی بکمه از خادمین ملت را جلب ولی پس از چند روز گرفتار نمایند مادیکر احمق و ابله نیستیم قبل از آنکه آت را مسروق ساخته و آتیه آرزوی مشروطیت را تامین نماییم - برویم در روی

کزی‌های بهارستان داخل در دایره تهدید اجتماع و استبداد. شویم (۱)
نطق بیست و سوم روز دوشنبه ۳۰ نور ۱۲۹۹

مرحوم خیابانی نطق خودشان را در میان احساسات عمومی نمودند
و موضوع (کهنه پرستی و تجدد) را مورد بحث قرار دادند و بطور صحیح با ادله
منطقی حل کردند:

اولین دشمن يك متجدد بزرگ ایده آل زمان اوست ، مامی خواهیم از زنجیر
های جهل و نادانی دست و پای خودمان را رهائی داده آزادانه براه افتاده و از مذلت
و مسکنت چند صد ساله بیرون بیائیم ما می‌خواهیم جلوتر برویم و از انحطاط و تندی
و سقوط خودمان جلوگیری کنیم.

مامی بینیم که زمان ما بدرجات عالی ترقی و تمدن رسیده و ما خیلی دراز آن
مرحله هستیم نه فقط باید خودمان را بازمان حاضر موافقت و مطابقت دهیم بلکه بیشتر
از آن برای زمان آینده نیز خیالی کرده و خود را برای زندگانی آتیه مهیا سازیم
مثل اینست که وعده ما را يك مهمانی مستقبل گرفته اند و مادر صد هشتاد دعوت
نامه برده برویم و در آن مهمانی حضور بهم رسانیم در اینصورت حتما باید ندارگانی کرده
آماده شویم لباس خود را بشکل مطلوب و مناسب آن مجلس تهیه نماییم تا بتوانیم با
جماعت آن مهمانی هم رنگ و هم سنگ باشیم.

انقلاب و نهضت های اجتماعی نیز باید مارا و ادار باین نوع ندارکات نماید
وسيله بیداری و تجدد ما گردد. برای کسب اطلاعات جدید و توسعه معلومات هیچ
چیز مانند مسافرت مفید و سودمند نیست انسان باید به ممالک بیگانه رفته عادت و
حالات اجتماعی آنان را از نظر تدقیق بگذارند افکار جدید را که در میان مردمان

(۱) اشاره خیابانی در این نطق بدوره دوم مجلس شورای ملی و اورلتیانوم تهدید آمیز
دولت تزاری روس میباشد در سال ۱۳۲۹ دولت امپراطوری روس اورلتیانوم معروف خود را
بدولت ایران فرستاد و تقاضای از دولت ایران نمود که قبول آن برای يك مملکت مستقل
و آزاد مشکل بود مرحوم خیابانی در مجلس دوم که نماینده آذربایجان بود با فراکسیون دموکرات
متحد و متفق شده برعایه اورلتیانوم اعتراض سخت نمود و قبول آن را غیر ممکن اعلام کرد
بقیه در آخر صفحه بعد

آن مملکت عمومی ندارد تحصیل نماید و با عوام آن آشنا گردد - از آثار علمی و نشریات
آن استفاده کند .

يك آنگرد هائی هرگاه مسافرت بشهرها نماید تا يك نمونه جدید در پیش چشم
خود نداشته باشد نمی تواند بشکل و صورت گاو آهنی که در تمام عمر خودش همیشه
آنرا بیک طرح ساخته تغییراتی بدهد .

زندگانی اجتماعی نیز چنین است ما هرگاه در محیط خودمان محصور و
محبوس بمانیم نظر خود را دورتر از سایه خود نیندازیم هیچگاه نمی توانیم يك
حالت اجتماعی بهتر و نیکوتری را تصور کنیم و از قوم بفعل بی‌اوریم زیرا « هر تصور
قبلا مستند رؤیت و مشاهده است » پس عادت مانع ترقی و تجدد است - عوام يك
علاقه صمیمی بعادت خودشان دارند - عقل و منطق او در چشم اوست - هر چه را که
دیده و بر او عادت کرده و خو گرفته است هر قدر قبیح و غلط و زشت و مضر هم باشد
حاضر نیست از او دست بکشد .

این قبیل اشخاص ماضی را فراموش می کنند و هرگز در خیال آینده هم
نیتند اما بازمان حاضر يك علاقه حیاتی دارند لباس امروزی خود را با کسوت قدیم
پدران خودشان مقایسه نمی نمایند و هرگز تصور نمی کنند فردا شکل دیگری در
پوشاک بظهور خواهد بیوست ولی لباسی که امروز در بردارند عزیزتر از جان خودشان
دوست می دارند يك کلاه يك لباس فرم جدید حتی يك پوپین اررئائی در نظر آن
ها مسئله مهمی را تشکیل می دهد - زندگانی اجتماعی نیز این طور است .

شما عادت بیک طرز زندگانی کرده اید همینکه پی به قبیح او بردید می خواهید
تغییراتی در آن بعمل بیارید همان علاقه قدیمی بعادتتی که داشته اید شما را در

و توفیق الدوله وزیر خارجه وقت ضرورت قبولی اورلتیانوم را در ضمن نطق خود بیان نمود مجلس زیر
باورفت بالاخره دولت وقت با صوابدید (ناصر الملك) نایب السلطنه اورلتیانوم را قبول نمود
در مجلس دوم را ناسر نیز هست - يك کودتائی بر علیه مشروطیت در ایران بعمل آمد. مرحوم خیابانی
در سبزه میدان بر علیه اقدام دولت متینك بزرگی داد احساسات عامه را تحريك نمود تا اینکه
دولت وقت مجبور شد وکلای آزادخواه را توفیق و بکاشان و قم تبعید نماید)

عمل اصلاح و تجدید که شروع نموده بودید دلسرد و مایوس میکنند - ولی بدانید که زمان شما غیر از زمان پدران شما است کلاه امروزی شما بشکل کلاه دیروزی پدران شما نیست و فرداهم کلاه امروزی را در سر نخواهید داشت باید زمان آینده را در نظر بگیرید و اولاد خودتان را نیز برای آن زمان پرورش دهید.

« ادبوا اولادکم از زمان غیر زمانکم » ما امروز مرام و مقاصدی داریم که در بعضی ها مفرط جلوه می کند.

ولی بدانید در آئینه نزدیک روزی خواهد آمد هر گاه همین مرام امروزی را بشما پیشنهاد کنند آنها را بدرجه کهنه و ناقص خواهید یافت که مرگ را بر قبول آن ترجیح خواهید داد.

باید این مسائل را بدانید ارزش شخصی با دانستن این نوع اطلاعات است باید عقلا و دانشمندان این قضایا را بشما یاد بدهند و شما را از قیودات اسارت آمیز ماضی نجات بخشند یک حال حاضر فعال و مرتب و متجدد برای شما تهیه نمایند و شما را برای یکفردائی خوشبخت و با حیثیت آماده و حاضر کنند ما این عزم و آرزو کار می کنیم - مخالفین می خواهند شما را با یام و حشیکری و بر بریت عودت دهند آنها مراجع و کهنه پرست هستند.

این مراجعین و کهنه پرستان را یکماه تمام بوسیله اخطار مکرر ارشاد و هدایت نمودیم بگوششان فرو نرفت.

حتی حرفهای تهدید آمیز زدم ثمری نبخشید بالاخره بچنگ نظمی افتادند توقیف شدند هر گاه مقاومتی بخرج میدادند کشته میشدند.

حالا سایرین باید عبرت بگیرند و بدانند هر که با قیام مخالفت ورزد توقیف خواهد شد و در مقام مقاومت بر آید بقتل خواهد رسید.

من ایده آل امروز را قید زنجیر می دانم و می گویم تو ای مراجع بدبخت و بی شعور می خواهی این ملت آواره را بکدامین بیغوله انحطاط و کربوه هلاکت رجعت دهی ما هر چه می گوئیم از روی دلیل است (چهار بهار بهار چهار می شود

هشت) هر کس مدعی است که چهار و چهار مساوی هفت است لجوج و مخالف است - تعقیب و توقیف او برفع عامه است.

ای تبریزی ها این قیام می خواهد شما را سر بلند کند - لباس نازکی بر شما بپوشاند و شما را با روح زمانه همراه کند ولی مخالفین میخواهند شما را در پستیهای کثافت آلود و در تری گل و لجن سر گردان و غرق نمایند و شما را در ذلت و سفالت باقی بگذارند فرصت ندهند تا شما بتوانید از گرفتاریها خلاص شوید.

آن ها می خواهند با خون دل شما که در کارخانه خیانت آنان تبدیل پول نقد میشود پار کها درست کنند و دستگاہهای مجلل برای خودشان تهیه نمایند - ولی تأمینات فرقه مانع از عملیات آنها خواهد بود - پلیس های ما توطئه های خونین آنها را برهم خواهد زد.

دو نوع پلیس: در دنیا دو نوع پلیس هست، یکی همان پلیس مصنوعی و متعارفی است که مستخدم و اجیر یک حکومت مطلقه و دست نشانده یک اداره مستبد میباشد. دزدها و قاتلهای علنی را توقیف و مجازات مینماید - و صورت ظاهر یک امنیت و آسایش ناقص را محفوظ میدارد.

پلیس دوم - پلیس واقعی است که از خود ملت تشکیل میشود - امنیت و آسایش حقیقی ملت را حفظ می نماید - سر و کار این پلیس نه فقط با کسانی است که برضد امنیت عمومی مرتکب جنایات می شوند بلکه وظیفه عمده این پلیس تعقیب کسانی است که بر خلاف حقوق اساسی - آزادی - استقلال مردم سوء قصد داشته باشند.

این پلیس افراد مضر هیئت اجتماع را فرصت فعالیت و اقدام کار نمیدهد. پلیس تبریز امروز از این نوع دوم است هم حافظ جان و مال و ناموس مردم است، و هم پاسبان حقوق اجتماعی و سیاسی آنان، کسانی که برضد آزادی دمو کراسی حرف میزنند یا عمل میکنند خائن هستند و از افراد مضره بشریت بشمار میروند - و از طرف نظمی توقیف خواهند شد و هر گاه نمرود و سر کشی نمایند متول خواهند

افراد دست زدهای رعد آسا

نطق بیست و چهارم - روز سه شنبه ۲۹ نور ۱۳۹۹

روز سه شنبه ۲۹ نور طرف عصر شاگردان مدارس متوسطه و کلاس های ششم ابتدائی با حالت اجتماع به (تجدد) آمده و ابراز احساسات نمودند. و خطابه از طرف آن ها ایراد گردید مشعر بر این که ما جوانان و شاگردان مدارس مشغول امتحانات پایان سال هستیم و اطمینان و امیدواری داریم که پدران ما برای تأمین آتیه و تأسیس یک رژیم آزاد اقدام مینمایند هر گاه مقتضی باشد ما هم برای پیش بردن مرام و مقاصد آزادی خواهان حاضریم خون خود را بریزیم - این اظهارات در حاضرین تاثیرات عمیقی بخشیده و هیجان عمده در دل های مردم ایجاد کرد - مرحوم خیابانی در میان این احساسات عمومی شروع سخن رانی نمودند و اظهار داشتند:

ای ارباب قیام - این نونهالان امروز شاد و مسرورند بر اینکه پدران ما یک آتیه سعید برای ما تهیه می بینند - آثار و علائم این وجد و سررورا در پیشانی آنها مشاهده مینمائید و میدانید که چندروزی است این اطفال با امتحانات مشغول هستند - پس از یکسال درس خواندن و زحمت کشیدن اینک چنگ دانش در میان آنها شعله ور شده خود را برای دادن امتحان حاضر کرده اند - آیا تصور نمی نمائید که این اولاد شما بگریزند (ببینیم پدران ما در کار زار آزادی چه امتحانی می دهند و از درس های انقلاب چهارده ساله چه نمراتی کسب می کنند) زبان حال این جوانان بما میگوید ای ارباب قیام اگر خسته و سست شده اید قوت و متانت خودتان را تجدید نمائید ما نیز با شما هستیم ولی فداکاری و صمیمیتی که از رفقای آزادی خواه خود دیدیم نمیتوانم در جواب این اطفال اظهار دارم که ای محصلین جوان اطمینان داشته باشید بزرگان و پدران شما خواهند مرد تا شما آسوده و آزاد زیست کنید • (دست زدهای فوق العاده شدید)

شمار مخصوص: لیل: هرملتی در عرض زندگانی پیروی از یک شعار مخصوص

می کنند آلمانها معتقد بر این هستند که « مردمان شجاع مالک دنیا هستند » انگلیسها میگویند: « قلبهای بلند مغلوب نمی شوند »

ما باید هم آن شجاعت و هم این قلبهای بلند را داشته باشیم زیرا که يك كار بزرگ را بر عهده خود گرفته ایم - میخواهیم در ایران حکومت دموکراتیک تأسیس نمائیم در يك مملکت معروض بمخاطرات بزرگ، جاهل و مفلوک تأمین استقلال و آزادی يك امر خطیر و يك اقدام عظیمی است اینجا باید شجاعت و متانت قلب داشته باشیم و کاری بکنیم که پس از آن بتوانیم با يك وجدان آسوده اعلان نمائیم (حاکمیت با ملت) است ولی نه در دست اشخاص ترسو و جبون که مملکت را بفرودند.

یکی از بزرگان گفته است (من عاقبت اندیش نیستم با حیثیت خودم زیست می کنم و با حیثیت خودم می میرم) بدین معنی که هیچ خطری و هیچ تهدیدی مرا از نگهداری حیثیت خودم منصرف نمی گرداند بمبارة آخری (نمیترسم) هر روزی را تکلیفی است، تکلیف امروزی عبارت از (تأمین آتیه) است - تا کنون همیشه اذهان شما را با خطرات آتیه تهدید نموده و مانع شده اند - از این که برای جلو گیری از خطر سزاها ایجاد کنید - بک حس جبن ورعب بر شما تلقین نموده و با سنگینی بار شما را ترسانیده اند ولی بدانید که هیچ بار گرانی نیست که تشکیلات یک ملت بیدار و با غیرت نتواند آن را متحمل شود - تا کنون بشما گفته اند چون سیل هجوم آور است برای کندن بنیاد هستی شما می آید مبادا سدی درست کنید و برای جلو گیری از آن اقدامی نمائید - ولی امروز دیگر ما از آن عقلا نیستیم که بواسطه عاقبت اندیشی از زندگانی خود چشم ببوشیم و از کار و ایمانیم •

ما آن مجنون ها و عاشقانی هستیم که از هیچ چیز نمی ترسیم ما از شهر تبریز شروع کرده ایم بشهر ریج تمامت ایران را نائل آزادی خواهیم ساخت رو به

ما تا کنون غایت اندیشی بوده - از کار باز مانده ایم - ولی از امروز ببعد تکلیف
امروزی ما عبارت از تاسیس یک حکومت (دموکراتیک) است باید هر عمل مابعد
و علت باشد بر این که حاکی کمیته ملی تجلی نماید مسائل عمومی از نظر ملت و
دموکراسی بگذرد.

هر گاه اهل تبریز بخواهند عهده دار سیاست کلیه ایران بشوند میتوانند از عهده
آن برآیند - آذربایجان ایندفعه نه از تهدید داخلی می ترسد و نه از تهاجمات خارجی
ملاحظه دارد - بیگانگان دیوانه نیستند آنها به قیام و اجتماع یک جماعت متحد بادیده
احترام و اعتنا مینگرند (تو واحد و متحد جلوه نما بکنند دیگران از تو بترسند) -
(دست زندهای بی پایان)

نطق بیست و پنجم - روز چهارشنبه ۲۲ ثور ۱۳۹۹

قرن بیستم: باید قرن بیستم را تبریک گفت و تصدیق نمود که دموکراسی را
از زنجیر اسارت خلاصی داده و جماعت پراکنده و بی سر و سامان آنرا تحت نظم و
نسق در آورده است - امروز دموکراسی ها در تحت تشکیلات فوق العاده منظم قرار
گرفته اند ما نیز میخواهیم دموکراسی پزمرده و پراکنده ایران را بیک انتظام و
دیسپلین معاصر برسانیم.

قیامها: قیام ها همیشه تکلیف دانه اند ولی پس از اجرای یک تاثیر موقتی
بالاخره زایل و نابود گشته اند - دسته های منظم و متحرک با اراده و دیسپلین
بالاخره بر قیامها چیره شده و یک جماعت متمدن و طاعی را پس از مدتی مبارزه توانسته اند
مغلوب سازند.

قشون های منظم همیشه در ممالک مستبد این رول را بازی کرده اند و هر
دفعه که انقلابات رقی در جان آنها باقی گذارده است فوراً زنده شده و بر علیه
خود آنها مبارزه موفقتان کرده اند - ولی در صورتی که خود قیام یک حرکت ارادی
و منظم باشد دیگر موفقیتی برای قوای دیگر نمی ماند - قیام تبریز دارای یک روح
دیسپلین و حایز یک اراده متین و تزلزل نا پذیری باید باشد در پرورش این روح

در ادامه تقویت این اراده زمامداران قیام کوشش خواهند کرد - افراد نیز باید با آنان
یاری و مساعدت نمایند.

اعمال جماعت: اعمال جماعت آبی و غیر ارادی است در یک لحظه غیر مترقب
بظهور رسیده مثل زلزله ناگهانی عالمی را بر هم میزند و خود نیز از میان میرود
تکان حرکت خود را تا یک حد معین پیش میبرد و در همانجا توقف میکند باید
یکدفعه که تکلیف داده شد قوه تکلیف دهنده دائماً تاثیرات خودش را اجرا نماید و حرکت
حاصله را معطل نگذارد.

عوام: عوام وقتی که می خواهد کاملاً میخواهد وقتی که بیدار شد دیگر
فعالیت تدریجی را قبول ندارد تمایل عوام بموهومات است معرکه و افسانه های یک
درویش بیشتر از کنفرانسهای یک دانشمند - عوام را جذب می کند - عوام بی اراده
و اختیار است - تابع جریان و تلقینات میشود - قیام تبریز در ظرف این مدت ماهیت
خودش را نشان داد - یک اراده قوی و پایدار بظهور رسانید و مدلل کرد که
برای شنیدن حرف و کسب اطلاعات حاضر است تا کنون قیام ها در ایران
بی ترتیب و بی نتیجه بودند ولی این قیام ما تا روزی که ایران موجود است باقی
خواهد ماند.

حرکت عمومی: یک حرکت عمومی تمام بشریت متمدن را بجانب یک سر منزل
تکامل پیش میبرد و این حرکت منظم و دائمی سوانح عدیده دارد هر قدمیکه برداشته
میشود هیئت عمومی بشر را جلو میبرد - و هر حادثه که رخ میدهد جوابده خود اثر را
در همه جای دنیای متمدن پیدامیکند.

مثل اینست که ساعت های متحد و همعبار مقدرات ملل را ارائه میدهند و
زندگ زندهای دائمی اعلان مینمایند.

ما میخواهیم ساعت ایرانی هم همراه ساعت های دیگر در حرکت باشد و
که ساعات عالم وقت ظهر را میزنند ساعت ایرانی نصف شب را نشان دهد و...

که آفتاب سعادت ملل عالم در نصف النهار خرمی و کمال است ایرانی در توده های ضخیم ظلمت محکوم بخواب گران غفلت نباشد « ما می خواهیم فرزندان قرن خود باشیم »

رعایت دیسیپلین : از دیسیپلین خارج نشوید - دشمنان ما بزرگترین حملات خودشان را بر شالوده تشکیلات ما و بر دیسیپلین ما وارد خواهند آورد هر کس از دیسیپلین خارج شود تنبیه و مجازات خواهد شد اگر چه نور دیده من باشد - هر گاه من هم از دیسیپلین عمومی حزب خارج شوم هم مسلکان باید مرا بمجازات برسانند

ای ارباب قیام شماها باید بیشتر از این باقواعد و نظامات این دیسیپلین انقلابی آشنا و مانوس شوید - با جزئی موفقیت نباید مشتبه و مغرور شد - انقلاب را دانسته و فهمیده از پیش ببرید در انقلاب تازه نظامات و ترتیبات باید رعایت شود شما هنوز آنها را یاد نگرفته اید چنان که در نظام مردسی ساله یا چهل ساله را که بیاورند با وجودی که در ظرف مدت عمر همیشه قدم زده و راه رفته است ، بمحض ورود باو می گویند « تو راه رفتن بلد نیستی » « يك - دو » و تعلیم مقدمات مشق نظامی باو یاد میدهند - تا راه رفتن در زیر سلاح و در صف حرب را بیاموزد - روش انقلاب را هم باید یاد گرفت - زمان انقلاب مثل ایام عادی نیست در این روزهای فوق العاده ملت باید اطلاعات دیگر - فضایل دیگر - شعار های دیگر اخذ کند - ما راه رفتن و قدم زدن را در حرکت انقلابی بشما یاد خواهیم داد و بهر وسیله است دمو کراسی ایران را بقافله تمدن ملحق خواهیم ساخت . « دست زندهای وجدآمیز »

وظیفه شما اینست دیسیپلین را رعایت کنید - هیچ وقت يك فرامانده بزرگگ نظامی مانند (بروسلف) و (هندنبورك) را نمی توان فریب داد و از دیسیپلین خارج نمود - و یا او را به نمرود و عصیان وادار کرد ولی افراد قشون تلقینات دشمن را با آسانی قبول دارند بنا بر این اخطار میکنیم افراد حزب باید از معاشرت و مراد با دشمنان آزادی ممنوع باشند هر کس با مخالفین شناسائی داشته باشد تنبیه خواهد

شد هر فرد باید بطبع او امر و دیسیپلین در کز قیام باشد والا بدون استثناء تازیانه و مجازات بر سر متخلف حواله خواهد شد .

« سداهای زنده باد خیابانی »

جزایر تهران : جزایر تهران از وقایع تبریز و این همه جریانات اینجاستغنی نمی رانند و چیزی نمی نویسند آزادی طبوعات در هر کز بدرجه کمال است ولی گویا با این سکوت میخواهند اخگر را در زیر خا کستر پنهان کنند - اخگر از خا کستر خوشش می آید و هیچ چیز برای نامین بقای آن سودمند تر از خا کستر نیست .

تهران مردودین تبریز را تکریم و تمجید میکند - « مكرم الملك » رانده آذربایجان را بلقب « قائممقامی » نایل مینماید ولی این يك لقب شومی است . ما اهل شهرهای دیگر ایران را آنوقت هم مسلک و آزادی خواه خواهیم نامید که هر که از اینجا رانده شد در آنجا نتواند بماند .

نطق بیست و ششم - روز پنجشنبه ۲۳ ثور ۱۲۹۹

ضعیف حق حیات ندارد : طبیعت میدان يك مجادله عمومی است که زندگی را پاداش مظفرین و غالبین قور داده است در این کارزار بزرگ ناتوانان و ضعفا نمیتوانند زیست کنند برای نامین حیات و بقاء در این جهان باید از ضعف و ناتوانی دوری کرد و قوای حیاتی را در بیکر خود جمع و ذخیره نمود - هر سیاستی میکوشد که دشمن خودش را ضعیف ساخته و بر او فائق آید و خود قوی تر و نیرومند تر گردد . بنا بر این در مقابل هر سیاستی تکلیف تدافعی عبارت از محافظه قوت و ممانعت است اغلب اوقات برای ترویج يك مسلک جدید انسان ناگزیر میشود از اینککه پاره اقدامات شدید و تدابیر سخت اتخاذ کند و اکثر این اقدامات و تدابیر اساسا بر ضد تعلیمات همان مسلک است ولی این يك حالت اجباری است که در قبایل یکفایده و سودی ۹۵ حصول آن برای نوع بشر لازم و واجب باشد بطور موقت اختیار میشود .

خائن باید مجازات شود : بعضی اشخاص عملیات ما را القاد میکنند و از اینها می پرسیم قبل از قیام چه اوضاعی در تبریز حکمفرما بود - آزادی چه احواله

در زیر منگنه فشار استبداد محکوم بمرک شده بود - دزدی و خیانت کاملارواج داشت افکار و عقاید در زنجیر و قید ارتجاع در آمده بود حالا به بینید در سراسر ایران چه اوضاعی است مردم حق نفس کشیدن ندارند تمدی و تجاوز بر حقوق اجتماعی و مدنی مردم - کیف مایشائی - استبداد - زجر و شکنجه - سانسور همه ایالات و ولایات ایران را در یک وضعیت غیر قابل تحمل و در تاریکیهای زمانهای قبل تاریخ نگهباشته است .

ما نمیتوانیم عاملین این رژیم بوسیده و منحوس را آزاد بگذاریم و آنها را از تعقیب و مجازات معاف بداریم عملیات ما کور کورانه و جاهلانه نیست هیچ ایراد و نقید بی مأخذ نمی تواند مارا از فعالیت بازدارد با همان عزم و متانت اولیه خود پیش میرویم هیچ وساطت و میانجیگری در باره خائنین مورد قبول واقع نمیشود - رحم - مروت و انصاف برای دشمنان آزادی نخواهیم داشت انصاف و مروت در صورتی خوبست که انسان آزادی خودش را تأمین نماید ما چگونه و وساطت را در باره خائنین بپذیریم که حقوق صدهزاران نفر در میان است - رحم بر غاصبین حقوق جماعت ، خیانت بر همان جماعت است دست زندهای شدید

این قیام و این اجتماع برای تأمین آزادی و استقلال دموکراسی است تمام قوای این قیام باید برای تحصیل این مرام مصرف شود - تمام افراد حزب باید از منافع شخصی و اغراض خصوصی خود صرف نظر نمایند فقط يك امر و يك منفعت را تعقیب کنند و آن عبارت از آزادی و استقلال دموکراسی است و بس - آنگاهائی که از این قیام سوءاستفاده کرده در صدد تصفیة خورده حسابهای خود بر آیند خائن شمرده شده و در تنبیه آنها مسامحه نخواهد رفت .

دشمن را در تاریکی نگهبدارید : تاریکی تولید ترس میکند دشمن را باید در تاریکی نگاه داشت و باید طوری کارها را از پیش برد که دشمن از نقشه و تا کتیک طرف مقابل خودش نتواند خبردار شود و حملات را نتواند پیش بینی و کشف نماید باید مواضع و قوای ما از نظر دشمن پنهان باشد باید ما آتش ها و چراغهای مان را خاموش کنیم تا هدف دشمن فرار نگیریم تا دشمن نه بیند ما از کجا می آئیم و در کجا

چا گرفته ایم و نقشه عملیات ما چیست باید بیشتر احتیاط و تدبیر داشته باشیم خیالات خود میان را بهتر پنهان سازیم باید وضعیت در نظر خود مان خیلی روشن باشد ولی دشمن را در تاریکی بگذاریم تا هرگز نتواند وضعیت مارا به بیند و بهمه افراد اخطار می کنم احتیاط و تدبیر را از دست ندهند هیچکس بکرای قطعی و يك جواب کافی بکسی اظهار نکند - بروید امتحان کنید به بینید آیامی توانید از يك رفیق خودتان يك اطلاع سری را تحصیل نمائید - بروید بایکی از رفقای خودتان در يك امر مشورت نمائید به بینید آیا می توانید يك رای و حکم قطعی از او بگیرید اگر چنین کسانی پیدا شدند برخلاف انضباط و دیسپلین رفتار کرده اند هر کس سری را افشا نماید یا بدون صلاحیت رای قطعی بدهد خائن بوده و به مجازات خواهد رسید . هر کس حرفی بزند یا عملی نماید که اوضاع مارا در نظر دشمنان روشن سازد خائن است .

نطق بیست و هفتم - روز جمعه ۲۴ نور ۱۳۹۹

قول و فعل - انقلابیون ایران تا امروز حرفهای زیاد زده و تمام آمال خودشان را بشکل قول اظهار داشته اند ما می خواهیم کمتر حرف بزنیم و يك اهمیت خیلی محدود بقول بدهیم و هر چه را که گفته ایم اجرا کنیم تا آمال ما از قولیت خارج شده فعلیت پیدا نماید .

آینده ما حایز يك جدیت فوق العاده است از عملیاتی که برداشته ایم بایك سعادت عمومی شامل حال دموکراسی ایران خواهد شد و با اینکه اسباب هلاکت بکعبه هوا خواهان دموکراسی را فراهم خواهند آورد و بالتبع دموکراسی آخرین امیدهای خود را نیز دفن خواهد کرد - باور نکنید باقیام شما فوراً تمام کارها اصلاح خواهد شد - خودتان را فریب ندهید اشکالات بیشتری در کار است حوادث بسیاری روی خواهد داد زیرا ایران مرکز سیاست آسیاست .

حزب دموکرات بادر نظر گرفتن خطرات موجوده با اعتماد بنفس قیام کرده تا باین اوضاع ناگوار مملکت خاتمه بدهد و دموکراسی ایران را از فشار استبداد و ارتجاع خلاصی بخشد .

آداب و رسوم: آداب و رسوم و اخلاق پارهٔ حلقهٔ خیلی ساده و بسیط است و بر عکس در بعضی ملل نیز خیلی متشمت و متنوع است در نطق‌های سابق گفته‌ام که عادت مانع ترقی زنجرد می‌باشد. شما مک دنیا عادت‌های بد دارید که مانع رشد اجتماعی و سیاسی شماست. از جمله شما حرف حق را از لباس‌های غیر مانوس قبول ندارید. در مقابل پارهٔ مسئله عمده و اساسی شما يك نغمهٔ اجاجت آمیز دارید ولی هن می خواهم با ادله و براهین قاطعه مسائل را بشما شرح دهم گمان ندارم در پیش عقل و منطق باز از فهمیدن مطالب خود داری کنید و سوسه و ترمید را کنار بگذارید در میان دو نظریه متفاوت فوراً عقل خود را بکار انداخته محاکمه نمائید و يك قرار قطعی اتخاذ کنید.

فلسفه هستی و نیستی: در میان دانشمندان فلسفه (نیستی و هستی) قابل بحث است و میگویند هیچ چیز ممکن نیست بکلی معذوم شود. و هیچ چیز هم بالذات و فوری وجود آید. هر موجودی نتیجه يك وجود سابق و مقدم بر خودش است در حالات و اشکال نیز این قانون جاری است يك حال موجود ممکن نیست بطور ناگهانی زایل و نابود شود و جای خود را بیک حالت متفاوت بدهد که قبلاً موجود نبود يك پارچه آهن را با زحمات زیاد تغییر شکل میدهند بصورت گاو آهن یا آلات دیگر در می‌آورند گاو آهن هم ممکن است بشکل شمشیر و لوله تفنگ یا توپ درآید ولی در هر يك از این حالات پارچه آهن دارای يك شکل ابتدائی بوده که ما مجبوریم با ضربات چکش مدتی در تغییر و اعدام آن شکل اولی صرف وقت کنیم تا بتوانیم آن را بشکلی که موافق میل خودمان باشد تبدیل نمائیم. پس هر استحاله ثانوی مستند بر يك استحاله اولی است، و هیچ تحول ناگهانی قابل تصور نیست بکنفر نادان در يك لحظه ممکن نیست دانا شود همچنین يك ملت که سالهای سال در تحت فشار ظلم و استبداد زندگی کرده است نمی‌تواند در يك روز خود را از اثرات شوم زندگی سابق نجات دهد. در نتیجه انقلابانی است که شما امروز برای معلومات و عقاید جدید شنیده‌اید ولی چون بدرجه کمال نرسیده‌اید شما را نباید خودسر گذشت باید شما را تغییر شکل

داد يك ملت زنده - فنکوز و متعدد. با آورد حکما گفته‌اند تمدن اساس عبارت از این است که عادات قدیمی و رسوم کهنه بتدریج محو گشته دستورهای تازه و نو جانشین آنها شود ما این دستورهای تازه را بشما یاد خواهیم داد و این قیام باین وظیفه خود عمل خواهد کرد شخصی که در تاریخکی زیست کرده است در پیش يك روشنائی آبی چشمش خیره و یا کور می‌شود

دیده بصیرت نیز چنین است انقلاب ۴ ساله يك تبدیل ناگهانی بود و تولید خیره سری نمود اما ایندفعه دیسیپلین بر جهان حوادث حاکم شده و متدرجاً جاملت را تاویل روشنائی خواهد نمود.

دشمنان آزادی: دشمنان آزادی از سکونت و انتظام این قیام فوق‌العاده دلتنک و ناراضی هستند برای برهم زدن این اوضاع زحمانی میکشیدند و اسباب چینی مینمودند آدم و اسلحه از خارج شهر جلب میکردند و گاهی در ایالت اجتماع نموده میخواستند هنگامه برپا کنند تا چشم بصیرتی که مقرر شد حرکات آنان بود به تکلیف خود عمل کرده آشوب طلبان توقیف شدند و تخم فساد قبل از روئیدن سر کوب شد با تمام مخالفین همین عمل خواهد شد زیرا اکثریت باید حکومت کند - قدرت و قوت از خصایص اکثریت است در ایران آزادیخواهان در میان آزادی خواهان دموکرات‌ها اکثریت دارند تا کنون دیده نشد آزادی خواهان از مستبدین شکست بخورند مگر اینکه برای اشکال تراشی در پیش ترقیات آزادیخواهان دشمنان آزادی متوسل بدانند خارجه شده‌اند قشون بیگانه را بداخله مملکت دعوت کرده اند ولی دموکرات‌ها همیشه انکاء تر نفس خودشان داشته‌اند.

علاقه مندی: سعادت این مملکت و فلاکت آن بسته بدرجه علاقه مندی شماهاست در هر هیئت اجتماع هر فردی باید يك تکلیفی را انجام دهد و همه در مقدرات این آب و خاک شریکند. آنکه منتظر است دیگران زحمت کشیده برای او امنیت و آسایش آزادی و استقلال تهیه نمایند آدم بی علاقه است هیچ چیز را استحقاق ندارد و نمی‌تواند خودش را جز و جامعه ایرانی قلمداد کند. باید همه افراد ملت در امور ملی شرکت

کنند -- کسی که بر تکلیف اجتماعی خودش عمل نکند از حقوق اجتماعی خود محروم می گردد - قبل از این قیام سیاست ظلم و بیداد در سراسر این مملکت حکمران بود .

قیام شما را بیک سیاست آزادی و حاکمیت ملی آشنا ساخت در بالای سر هر دو سیاست (آزادی عقیده) حاکم است - یکی از این دوره را انتخاب کنید ولی اگر بطرف ارتجاعی بروید در این محیط نمی توانید زندگی کنید هر گاه عقیده ارتجاعی دارید بروید در هر کجای دنیا که میلان هست آن عقاید را از پیش ببرید ولی تبریز امروز آزادی را تعقیب می کند .

ما حکومت دموکراتیک می خواهیم و می گوئیم آزادی عقیده باید حاکم باشد نه آزادی سهو و خطا نه آزادی خیانت و مغالطه زیرا آزادی سهو و خطا حیات یک ملت را بمخاطره می اندازد مادام که سوسی ایران را از دستبرد خائنین و خطا کاران محفوظ خواهیم داشت .

نطق یست و هشتم - روز شنبه ۲۵ لور ۱۲۹۹

تکلیف و وظیفه تکلیف کاری است که انسان مجبور است آنرا بکند و هر گاه نکند وجدان او گرفتار زحمت و عذاب میشود در کلیه امور و حوادث باید وظیفه را از غیر وظیفه تفکیک و تفریق نمائیم - همین که توانستیم تکلیف خود را تشخیص دهیم و بدانیم برای انجام آن چه مجاهدت و فداکاری لازم است دیگر عزم و اراده ما با سهولت با اجرای آن تکلیف تعلق می گیرد - و هر گاه تامل ورزیم و ما بکلی تکلیف خود را ترک گوئیم یک اضطراب درونی و یک تاثیر وجدانی در ما حاصل میگردد .

یک شخص وظیفه شناس همیشه بیدار است و کلیه حوادث زندگی را از نقطه نظر خودش ملاحظه نموده می گوید تکلیف و وظیفه خودش را در آن حوادث مبین کند هر کس باید بفراخور استعداد و قدرت خودش تکلیف اجتماعی خودش را تعیین و بر مقتضای آن تکلیف عمل نماید .

عیاش و لا ابالی نباشید: چون ایام رمضانست بجهت روزه داشتن يك خارق العادگی و تحولات درزندگانی بوجود می آید اغلب مردم این ماه را فصل تنبلی و کسالت محض با يك موسم عیش و نوش صرف تلقی میکنند - نه آن افراط و نه این تفریط را ما اجازه نخواهیم داد عیش و نوش را بالمره موقوف کنید اداره نظمیته مراقب احوال مردم خواهد بود متخلفین از این دستور خودشان را در چنگال نظمیته خواهند دید - قمار - فحشاء - بکلی باید موقوف گردد - مراسم تاسیس حکومت دموکراتیک است باید ثابت کنیم که میتوانیم از عهدہ انجام این تکلیف بر آئیم - عیش و نوش را منع میکنیم زیرا معتقدیم اشخاص عیاش و مست و لا ابالی لایق عضویت يك حزب نیستند و نباید از اسرار قیام مسبوق باشند رازهای پنهان را با کمال آسانی میتوان از يك عیاش مست عنصر بدست آورد .

ما عیاشها و مستان را قابل آن نمیدانیم که رفیق و هم مسلک خود قرار دهیم حضرت آنها بیشتر از خدمت و منفعتشان است .

آزادی و امنیت ما قول داده ایم امنیت عمومی را نگذاریم دستخوش توطئه های آشوب طلبان گردد - آشوب طلبان همان اشخاصی هستند که بواسطه تولد يك نوع مجادلات و منازعات در میان عناصر مملکت میخواهند يك وضعیت تاریک و مبهمی را بحصول بیاورند که با نظر خودشان مساعد باشد ما عزم کرده ایم نگذاریم این عده با رزوهای خودشان برسند در يك شهر بزرگی مثل تبریز که خیلی مشکل است دور تا دور آن را تحت مراقبت قرار داد می بینید در اثر فعالیت ما شب ها يك تیر تفنگ هم خالی نمی شود (آزادی با امنیت توأم است) آزادی مایه بیگانگی و برادری است .

شما آزادی را بد شناخته بودید ، محو و نابود باد آزادی خواهان دروغی ما اولاً قرن حاضریم عاق قرن خود نخواهیم شد - ما بر ضد حکومت ارتجاعی و استبدادی قیام کرده ایم نه بر ضد قرن و زمان خودمان - هر گاه عزم و اراده ما متین و فعالیت و مجاهدت ما مستقیم و ثابت باشد خواهیم توانست فرزندان حقیقی زمان

خود باشیم *

مالیه و ترجمان الدوله

برای توقیف ترجمان الدوله مامور فرستادیم ولی مامور ماد بر رسید آذربایجان با فقدان چندین هزار تومان از قیام خود باز نمی نشیند ما می توانیم آن قدر پول تدارک کنیم که قیام را پرورش دهیم آذربایجان پول از تهران نمیخواهد ولی بحساب تهران رسیدگی خواهد کرد *

باید دید این همه پول که استقراض میشود در چه مواردی بمصرف می رسد هر که می خواهد امنیت و آزادی در مملکت باقی بماند باید در این قیام شرکت جوید ما عزم کرده ایم مرام این قیام را از قوه بفعل بیاریم و هر گاه بخواهند این قیام بخواهد تبریز مبدل بدریای خون خواهد شد شما تکلیف خودتان را بفهمید تا دشمنان نیز تکلیف خودشان را بفهمند نکات که از مرگ بترسد هر کز نسیمیرد (دست زندهای شدید) (۱)

نطق بیست و نهم - روز یکشنبه ۲۶ ثور ۱۳۹۹

ایرانی ر ایرانی باید آزاد کند:

ما مکرر دیده ایم که آزادی را در این مملکت بدست اجانب بر هم زده اند ایران را باید ایرانی آزاد کند - آنهاست که عقیده شان بر ضد این نظریه است آنقدر زنده نخواهند ماند که بتوانند بآمال منحوس خودشان برسند آزادی ایرانیان باید بحدی و بطوری باشد که دیگر هیچکس نتواند بگوید ایران تاریک است - هیچکس بزرگی و هیچ اقدام وسیعی بدون فکر ممکن نیست پیش برود - عقلا فکر دارند و در اعمال و افعال آنها اثرات این فکر بظهور میرسد - دیوانگان فکر ندارند حرکات و سکنات آنها را می بینید فکر بطور مکایک بظهور می آید هر فکری که در شخص

(۱) ترجمان الدوله رئیس مالیه آذربایجان بود که قبل از قیام از تهران اعزام شده بود موقیمکه میخواست از تبریز بطهران حرکت کند دستور داده بود یکمقدار از وجوه دولتی را در بانک توقیف کنند تا بعد قیامیون نتوانند از آن پول های دولتی استفاده کنند - از طرف هیئت مدیره قیام (ناظم الدوله) بکفایت مالیه آذربایجان نامزد گردید .
اشاره خیابانی در این نطق بهمان موضوع است .

حاصل میشود باید نتیجه از آن گرفته شود و اینهم ممکن نیست مگر اینکه آن افکار را باهم مربوط ساخته و آنها را باهم مقایسه نمود - از افکار غیر متجانس و متضاد و متفرق نمی توان يك نتیجه منطقی و عملی بدست آورد *

وقتی تبریز میخواهد حرف بزند ممکن نیست تمام تبریزبان بصدا در آمده دوست هزار فکر بیان کنند - باید نظریات و آمال تبریز از یک زبان جاری و صادر گردد فکر تبریز باید یک فکر واحد و بی اختلاف باشد و الا هر گاه افکار را خود سر بگذارای هر روز هزار جور افکار مقیم در آفاق این شهر اظهار وجود خواهند نمود *

هر کس فکری اظهار خواهد کرد بدون اینکه بداند اثرات آن فکر چه خواهد شد و جماعت را بکجا خواهد برد - ما با فکرهای خارج از دیسپلین ضد و مخالف هستیم فکرهای نیازموده ، ماجراجو و هنگامه طلب باید از محیط ما دور شوند ما باید از هرج و مرج و پاشیدگی جلوگیری کنیم تا ظلمت و تاریکی بر ما دست نیابد وضعیت امر روزی غیر از اوضاع دو ماه قبل است امنیتی که امروز در این شهر موجود میباشد نمره مجاهدات ما است مائیم که يك رژیم جبر و شدت ارتجاع و استبداد را از بیخ و بن کنده و در جای آن يك آزادی مأمون و منظم برپا کرده ایم *

مائیم که میگوئیم آزادی و امنیت باید توأم باشند - بنا بر این دیسپلین باید محفوظ بماند ر يك انتظام چنانی در مملکت حکم فرما باشد که يك حرکت مخالف جزئی و مختصر نیز مشاهده نشود - همه افراد باید مواظب و مراقب این دستور باشند در عین آزادی باید این قید را در حرکات خود حس نمایند *

نطق سی ام - روز دوشنبه ۲۷ ثور ۱۳۹۹

مرام ما حق و عدالت است : اعتماد بنفس يك شرط موفقیت است - کاری که بر عهده خود گرفته ایم خیلی عظیم است و میدانیم با اشکالات زیادی روبرو خواهیم شد ولی ما حق داریم - دعوی ما مستند بر حق و عدالت و عقل و منطق است مرام ما معقول و معتدل است و عزم ما متین و نزلزل ناپذیر است - حاضریم در آن راه بمریم

تا زنده هستیم مغلوب نخواهیم شد • بمقیده ما مردن در راه يك امل بزرگه عین موفقیت است •

امنیت و آسایش این ملت هرگز در سایه (اعلیحضرتها) و (والاخصرتها) تامین نخواهد شد - ملت شخصا باید امنیت و آسایش خودش را تامین نماید - بلی ملت است که امنیت را مستقر میدارد - امروز جراید تبریز در تهران توقیف می شود - سانسور نمی خواهد اخبار تبریز در تهران شایع شود این يك رویه عاقلانه نیست دولت اگر از انتشار اخبار حقیقی جلو گیری نماید زندان تهران اخبار حقیقی بهم بلافته خواهند گفت صرفه دولت اینست که بکنار مردم حقیقت مطلب را بمانند (مرحوم خیابانی اختطارات و دستور های چند از نقطه نظر جریان روبرو دادند) •

عزم و عمل عزم تنها کافی نیست - هر عزمی برای آن که به نتیجه برسد باید جامع شرایط لازمه باشد - ما در انقلاب چهارده سال قبل عزم کرده بودیم امروز مشغول تقویت همان عزم ایتدائی هستیم آن وقت می گفتیم (خواهیم کرد) امروز تغییر لهجه داده ایم بگوئیم (می کنیم) عزم خوبست از قیود زمان تجزیه گردد •

عزمی را که باید یکماه بعد از این اتخاذ کنیم از امروز بر دل خود واه ندهیم تا مجبور نشویم صیغه استقبال بکار ببریم و بگوئیم «خوانیم کرد» باسلوب فوری تر و جدی تر و اساسی تر دایره اقتدار و امکان و لزوم را اندازه گرفته با يك اراده قطعی و قاطع بکنیم و بگوئیم «کردیم» مرتجعین تا امروز حرفهای مارا بنظر تحقیر تلقی کرده اند - و مهمل شمرده اند و باور نکرده اند که این حرفها صوت عمل بخود بگیرد ولی امروز می بینند صورت فعلیت بخود میکیرد •

امروز حرفهای ما با قطعیت و فوری بودن توانست سوکند به شرافتم تا روزی که زنده هستیم هیچ تهدید و هیچ خطر زلزلی دو ارکان اراده این قیام راه

نخواهد یافت رجال بزرگ در اقله و حق و حقیقت بآتش بیفاد سوخته شدند ولی عقاید خودشان را تکذیب و انکار نمودند ما برای این نوع مرگ خودمان را حاضر و آماده کرده ایم ما ملاحظه دوستی نخواهیم کرد بعضی اشخاص مراتب آزادی خواهی خودشان را سرمایه قرار داده و منتظر هستند که در نسبت آن سرمایه نایل امتیازات و مقامات شوند - این قبیل اشخاص نمی توانند با ما همراه باشند زیرا يك ماه - دو ماه - سه سال «زنده باد آزادی» گفته ر دست زده اند - در مقابل این عمل خود مدعی هستند که دارای یکمقام مهم باشند و این غیر ممکن است •

ما باید از عالم طبیعت عبرت بگیریم می بینید در طبیعت حوادث خارق العاده اثرات متمادی ندارند در فصل بهار تکرک آسایش عمومی طبیعت را مختل ساخته و خسارتی وارد میکند ولی نه این اختلال و نه این خسارت خاک را از پرورش دادن تخم باز نیندارد این قیام با مساعدت طبیعت و موقع بظهور رسیده با حوادث خارق العاده اثرات خود را از دست نخواهد داد يك تکرک ناگهانی تخم های تکامل و تجدید را که این قیام کاشته از روئیدن مانع نخواهد شد - ممکن است دولت بفیرت آمدن برای خاموش کردن این قیام قشون اعزام دارد و درصدد جلو گیری برآید ولی این تدبیر دولت اثرات قیام را از بین نخواهد برد •

مامیگوئیم درخت خرما - خرما میدهد - و از جو ، جو میروید و باید مطابق اقتضای هر زمان و هر فصل تخم کاشت و میوه خواست •

ما میخواهیم امروز در ایران درختانی کاشته شود که زمان آنرا لازم دارد ما علقهای بد و هرزه را از بیخ و بن خواهیم کند - عزم و اراده ما قوی وقادر است تهران با نظر دشمنی بما نگاه میکند ما از تهران تقاضائی نکرده ایم و درخیال تقاضا کردن هم نیستیم مانظریات خودمان را از پیش خواهیم برد •

طهران میخواهد آذربایجان را بی پول بگذارد قیام را دچار محظور سازد زهی خیال باطل تهران باید از ما بشرسد بلی باید از روزی بشرسد که حساب بخواهیم سکوت فعلی ما چیزی از ما نخواهد کلمت •

پس از انقلاب مشروطیت مختصر آزادی که بشما داده شد - شما اهل ایران بنا گذاشتید هزاران انجمن تاسیس نمائید بهر نام و بهر عنوان يك جمعیت برپا داشته و يك مجمعی برای آن قرار دادید که مقصود و مرام آنها معین نبوده است مدت پانزده سال است که شما آزادی را عبارت از پراکندگی و تفرق دانستید بی مبالائی را پیشه خود قرار دادید گمان بردید آزادی غیر معین و باشر و هرج و مرج توأم است خیال کردید با سحر و اعجاز میتوانید تمام دردها را تداوی و تمام ضایعات را تلافی کنید طفل شیر خوار و نوزاد مشروطیت با این نوع اصول لایابالی مانوس شد حالا ما میخواهیم آن طفل را از آن دایه کنار کرده طفل را از عادت سابق که کسب کرده است اصلاح و دایه او را از امراض و آفاتیکه داشته است معالجه کنیم پس از پانزده سال عمر در انقلاب حالا دیگر بسن رشد رسیده اید و نمی توانید بیش از این راه سهو و خطا بروید - آزادی با سهو و خطا منافات دارد دوره خود سری گذشت پس از این عهد تکامل و تجدد واقعی است •

باید اصلاحات اساسی را شروع کنیم بعد از این باید عقل و منطق فکر و عقیده راهبر و راهنمای ما باشد - من هر قدر درباره عادات و اخلاق شما تنقید بکنم و حقایق ناگوار را واضح بشما نشان بدهم چون نظر من اصلاح افکار شما است رنجیده خاطر نشوید این حرفها را با صبر و تحمل بلکه با امتنان و تشکر استقبال نمائید زیرا که نجات شما و نجات دموکراسی ایران بسته باین اصلاحات و انتشار این افکار و عقاید است

جماعت باید بفهمد که عادات و رسوم تصورات و عقاید او را محافظه کار و مرتجع میسازد از طرف دیگر باید مشاهده نماید علی رغم این محافظه کاری يك سلسله افکار و عقاید جدید در روح او نفوذ مییابد و تغییرات عمده در زندگانی او پدیدار می شود هر گاه بجماعت صد سال قبل کسی می گفت که پادشاه (ظلم الله) نیست

آن جماعت بدبخت میمرد و این حرف را قبول نمی کرد ولی امروز همان جماعت آن عقیده اولی را غلط میدانند و اصلاً لزوم (پادشاه) را منکر میشوند جماعت باید از کهنه پرستی و محافظه کاری دست بر دارد افکار و اصول جدید را با خوشی و امتنان استقبال نماید و در طریق تجدد و تکامل قدم های بلند تر بردارد رفتار و سلوک شما در شخصیات همان دستور عیسی باید باشد که هر گاه بر يك روی تو زنند روی دیگر را تقدیم نما ولی در امور عمومی و سیاسی هر که بمخالفت و ضدیت اظهار وجود کند او را مقهور و منکوب کن و هر گاه بخواهد يك سیلی بزند باید صد تیر تفنگ بخورد •

اینست سیاست معین ما - بدانید در دنیا سیاستها مختلف و متفاوت است روسها می شکستند - می سوختند با سیلهای آتش و خون راه می افتادند از هر مسافرتیکه میکردند با قدری منافع مضار زیادی نیز می آوردند ولی انگلیسها نرم ترند و در کسب ثمرات و سعی و کوشش خودشان مسعودترند باید با تأنی و با قطعیت کار کرد و در عین حال بدشمن نباید وقت و فرصت داد تا خط حرکت خود را تغییر و اصلاح کند و یا اظهار پشیمانی و ندامت نماید •

در عالم طبیعت رنگ اشیاء بواسطه نور و روشنائی محسوس میشود در تاریکی هیچ چیزی دارای رنگی نیست برای پی بردن برنگ اشیاء بهتر از روشنائی طبیعی روز وسیله دیگر نیست • ما میدانیم که جماعت ایران رنگا رنگ است در هر دسته صد نفری صد رنگ مختلف پیدا میشود •

ما صاحبان رنگهای ناجور و رنگهای تیره و تاریک رنگهای قلب و مخالفت را دعوت باصلاح میکنیم و اصرار داریم در اصلاح خودشان بکوشند و بدانند دوره اغفال و تزویر سپری شده است متنبه شوند ما را مجبور نسازند آفتاب حقیقت را از پرده در آورده يك روشنائی چنانی را در مملکت حکمران کنیم که در پر تو آن هیچ رنگی پنهان و مخفی و مستور و مجهول نماند هر کس بخواهد در دنیا بارنگ و تیرنگ زندگانی کند نتیجه معکوس و وخیم خواهد داشت •

روز پنجشنبه ۳۰ نور مصداق شده بود با اول ماه رمضان برای مراسم مردم مرحوم خیابانی نطق خود را بتأخیر انداخته ساعت از شنبه رفته شروع نمودند در موضوع (ترك عادت) با بیانات شیوایی خود اظهاراتی کردند که خیلی مهم و مؤثر بود:

سقوط - اعتلا

برای گذشتن از يك حالت موجود بیک حالت جدید دیگر انرژی یعنی قوت و متانت جوهری لازم است - جسمی که بنا بتأثیر قوه نقلی خود و با جاذبه زمین همیشه بطرف پست‌ها یعنی بجانب مرکز زمین حرکت میکند در حالت سقوط است در این حالت دارای يك قوه و سرعت مخصوص بوده احتیاج بقوای تیکری ندارد هر گاه بخواهیم آن جسم را از زمین برداشته از مرکز جاذبه ارض و علی رغم قوه نقل خودش در فضا بلند نمائیم - آن وقت است که باید يك قوه جدید بیک (انرژی) کافی بمیان آمده با نفوذ و تأثیر خودش آن جسم را (اعتلا) بدهد.

بطور کلی سقوط سهل است ولی اعتلا قوت و انرژی می خواهد جماعت‌ها هم برای ارتقا جستن از يك وضعیت موجود و کنونی بیک وضعیت جدید عالی‌تری احتیاج بهمین نوع انرژی و قوه مخصوص دارند که پیدا کردن و بنا بردن آن قوه خیلی مشکل است در همین حالی که جماعتی میخواهد از يك وضع قدیمی و کهنه خود خارج شده وضع جدید بخود بگیرد - جلو گیری از هرج و مرج نیز بی دشوار میباشد زیرا که مقدمه هر حرکت عبارت از نکان و تزلزل و انحراف است - همینکه این تزلزل و انحراف در جاعتی بظهور برسد باز داشتن آنها از پراکنندگی و پاشیدگی يك تشکیلات مرتب و منظم و مضبوط و توانا و آزموده میخواهد باید بر عواطف چیره شد - و بر آن‌ها حکومت کرد - غلبه بر ترس و راهمه بشکل شجاعت غلبه بر اغراض بشکل جوانمردی و علو همت، جلوه گر میشود - افراد يك جماعت

ممکن است این فضایل را دارا شوند ولی پیدا نمودن این فضایل در جماعت و واجد بودن جماعت به این فضایل خیلی مشکل است این قیام میخواهد این فضایل را در شما پرورش دهد و در نتیجه رژیم ایران را تغییر بدهد و میخواهد وضع نا همواری را که از دیر زمانی در مملکت تاسیس گردیده و برغم انقلابات نا کثون دوام داشته است از میان برداشته در جای آن يك رژیم معاصر و جدیدی را بر پا سازد که هنوز ایران یکساعت هم در تحت چنین رژیم و آزادی بسر نبرده است این قیام که يك انقلاب جدی و اساسی را دنبال میکند باید دارای قوت و قدرت بیشتری باشد تا بتواند در تغییر وضع مؤثر واقع شود - یکی از دانشمندان میگوید (در این سر میاش که زود زود قیام کنی ولی يك طریق چنانی را در پیش گیر که هر گاه يك حکومتی خواست پا از دایره قانون بیرون گذارد بتوانی فوراً برضد آن قیام نمائی) در این کلام حکمت آمیز تامل و تفکر کنید - مستعد بر قیام باشید تا يك (شاه) و (ولیعهد) یا (وزیر) یا يك وطن فردش دیگری نتواند با مقدرات شاه و مملکت شما بازی کند مستعد بر قیام باشید تا روسای بی شرف و بی ناموس - بی کار خودشان رفته اصلا خیال خیانت را نتوانند بکنند - اصلاح يك مملکت کار بکروزه نیست چندین سال لازم است تا اولین قدمهای اصلاح برداشته شود - ما امروز میخواهیم يك بنای شوم و کهنه را خراب کنیم باید از عالی ترین طبقه آن بنای منحوس شروع کرده تا طبقات پائین و پست آن برسیم و بعد از تخریب و بر گذار نمودن آجرها و مصالح کثیف و شوم آن بنا - اساس نوی در جای آن بگذاریم و این امر قوت و متانت زیادی لازم دارد.

نطق سی و چهارم شب شنبه اول جوزا ۱۲۹۹

دو نوع حکومت

از نقطه نظر منافع عامه دو نوع حکومت می توان مشاهده نمود - نوع اول، حکومتی است عادی که فقط بتأمین منافع عامه اشتغال می‌ورزد و بانجام دادن این

تکلیف قناعت میکنند - نوع دوم حکومتی است که نه تنها تامین منافع عامه مینماید بلکه میکوشد هر آن لحظه احتیاجات جدید ملت را تشخیص داده و نسبت با آنها فداکاری نماید - ما حکومتی داشتیم بد خواه و چپاولگر پس از آنکه گفته میشد احتیاجات عامه و منافع آنها ايجاب نماید که فلان عملو اقدامی بشود آن حکومت در انجام آن طفره و اهمال میکرد هر چه میگفتند و می نوشتند اثری نداشت ناچار یکمرتبه داد زدیم (ناپود باد يك همچو حکومت) و اینطور حکومت ها باید ناپود شوند این حکومت ها بانظر حقارت و کوچکی بملت نگاه می کنند و با اجتماع ملت میخندند ملت نیز باید آنها را بگریاند (دست زدنهای شدید) حکومت را در ایران باید از اشخاصی تشکیل داد که زحمت کشیده منافع عامه را جستجو نموده و پیدا کنند هر گاه عامه برای فهمیدن منافع خودش حاضر نباشد او را مجبور کنند اینکه از جهالت طبقات پست جماعت استفاده نموده نسبت بگذشته و حال و آینده يك ملت جنایاتی را مرتکب شوند .

ملت (امنیت) می خواهد حکومت ها این امنیت را بدلیخواه خود تاویل و تفسیر مینمایند . و آنرا بهانه قرار داده اقدامات استبدادی را شروع می کنند ولی باید بدانند قبل از امنیت طرق و شوارع ، باید امنیت (آزادی) برای ملت تامین شود (دست زدن های وجد آمیز) ما میخواهیم تمام ادارات برای ملت کار کنند . ادارات نباید اشخاص بیکار و تنبل را در آغوش خود پرورش دهند .

شرط زندگی در این سر زمین اظهار علاقه نمودن و کار کردن است ممکن است من و رفقای من کشته شویم و الا تا زنده هستیم این اصلاحات را تعقیب خواهیم کرد ما خیلی مایلیم خون ما ریخته شود ولی منافع عامه و حق و حقیقت گفته شود . کوقشونی که بر ما حمله کند ما همان روز را آرزو می کنیم (صدا های زنده باد)

مبارزه کنید تا موفق شوید

اضطراب در حیات افراد و در زندگی جماعات يك عامل بیداری است يك اضطراب معقول و عاری از عصبانیت بهترین استفاد سیاسی است که راههای رفتنی و تدبیرهای انخلاق گردنی را بجماعت نشان میدهد - و جماعت را بکشف و پیدا نمودن آنها و ادار میسازد .

مللی که در آغوش امنیت و آسودگی بسر میبرند رو بانحطاط می گذارند چنانکه ما ایرانی ها اضطراب و نگرانی از حال و آتیه خودمان نداشتیم بطرف هلاکت و فلاکت رهسپار شدیم - اقوام مضطرب و دور اندیش در فراهم آوردن وسایل پیش رفت و خاطر جمعی خودشان زحمت می کشند و رنج می برند و بالاخره ثمرات شیرین آن ها را می چینند باید ما همیشه در اضطراب و اندیشه باشیم و دائماً مبارزه نمایم .

موفقیت های سهل و ساده ما را مغرور و مشتبه سازد ما باید اضطرابهای خودمان را با کمال اعتنا پرورش دهیم اینست ما از حرکات و اقدامات مخالفین خوشحال و ممنون هستیم که ما را مجبور میکنند وسایل مواظبت و مراقبت را بیشتر تهیه کنیم زنده باد قلبهای مضطرب .

(قیام تبریز - و جراید تهران)

امشب موضوع دیگری در نظر داشتم ولی مندرجات جراید (تهران) مرا وادار کرد که مدتی در باره آن ها صحبت کنم - روزنامه (رعد) بیانات امین الملک را درج کرده و روزنامه (ایران) در مقاله مخصوصی نسبت به قیام تبریز اظهار برای نموده است مقالات جراید تهران در نظر ما اهمیتی نداشته و در آتیه نیز نخواهد داشت بالاخره نور تبریز چشم این شب بره ها را خیره خواهد ساخت امین الملک طرفهائی

زده تهران نیز گوش کرده است - تبریر هم ماهیت و معنی آنها را معین مینماید - در یکجا میگوید اهالی امنیت میخواهند و علاج واقعه را از این نقطه نظر نشان میدهد - اگر امین‌الملک این حرفها را با يك نظر سطحی گفته است ما التماس دعا از او داریم و هر گاه خیال کند نظرش خیلی عمیق و نافذ بوده باید مسئله را توضیح بدهم امنیت و آسایش که در آذربایجان مطلوبست (همان امنیت آزادی است و بس) (دست‌زدن‌های شدید)

امین‌الملک میگوید عین‌الدوله در این کارها مداخلاتی دارد، نه امین‌الملک و نه تهران هنوز ما را نشناخته‌اند و هرگز ملتفت نموده‌اند ما از هشت ماه قبل وسایل این قیام را فراهم کرده بودیم.

عین‌الدوله خود را در مقابل امرواقع پیدا نمود مخالفت نکرد احترام او محفوظ ماند - اگر او نیز مانند دیگران رفتار مینمود او هم مانند دیگران مقابله میدید. دست هیچکس در این قیام نیست هرگز تهران بمقاصد این قیام پی نخواهد برد درك این مطالب از ذهنیت ایشان بالاتر است بلی اگر می فهمیدند در آن محیط فاسد و ملوث زندگی نمیکردند ایشان در این قیام فقط تمناى يك امنیت و آسایش رامیبینند ولی بر معنویت آن پی نمی‌برند - ما امنیت و آسایش از کسی نمیخواهیم خودمان میتوانیم آن را برپا داریم ما تقاضائی نکرده‌ایم - خودمان انجام خواهیم داد - آذربایجان هرگز نمیترسد (دست‌زدن‌های شدید)

کابوس منجوس که این ایالت را فرا گرفته بود - مخالفین ملت آن شب پرده‌های شوم با اجانب ساختند و ما را گرفتار نمودند پس از معاودت فراموش کردیم و چشم از گذشته پوشیدیم آقایان مشتبه شدند بر جسارت خودشان افزودند پند و اندرز در گوششان فرو نرفت - ما دیدیم آن وضع با آن ترتیبات قابل دوام نیست یکمرتبه پشت پا بر رژیم پوسیده آن‌ها زدیم - تا آزادی و استقلال مملکت محفوظ و قانون اساسی را محترم بداریم تهران بخودی خود این آمال را نمیتوانیم مدولی ما خواهیم فهمانید.

اما روزنامه (ایران) آن جریده بی‌وفا و حقیقت از طریقی مستقیم‌تر از (رعد) بمطالعه این قیام پرداخته و نفهمیده حرفهائی زده است، روزی که آزادی خواهان در این ایالت بدبخت دچار هزار گونه زجر و شکنجه می شدند سردار می رفتند صدای روزنامه (ایران) در نمی‌آمد وقتی که مردودین تبریز می رفتند و در تهران نایل تکبریم و تقدیر می شدند جریده (ایران) ساکت وصامت بوده قلم او ونه رگت غیرت او بحرکت نمیامد.

وقتی که مرتجعین و مستبدین و دزدان چپارلگر از کار انداخته شدند و از تبریز طرد و تبعید گردیدند - عنان اختیار او از دست می رود !!! ما میدانیم چه می کنیم - مرام ما معین و روشن است، آن نهرانست که در تحت اغراض خودش دست و پا می زند - در عین حال یک عده از آزادی خواهان صمیمی و حقیقی در تهران هستند که در موقع لزوم با ما مساعدت خواهند کرد - در خارج آن عده تهران جایز هیچ گونه اهمیتی نیست و چشم داشتی هم از آن‌ها نداریم - نویسنده ایران در آخر مقاله خود يك حرف سقیم و سخیفی بزبان آورده است که نباید آن قلم لابلالی از این جسارت خود عذر بخواهد می گوید «نرسم نرسی بکعبه ای تبریزی این ره که تو می روی بترکستان است» ای نویسنده بدبخت - تبریز قصد هیچ کعبه را نکرده است که برای وصول آن احتیاج برانمائی شما داشته باشد.

تبریز این مرکز سر بلند آزادبستان خودش کعبه آمال آزادیخواهان است - که از راه دور و اقصی نقاط مملکت - آزادیخواهان صمیمی بزیارت این خاک مقدس آزادی باید شتابان شوند (دست‌زدن‌های پایان ناپذیر) گمان میکنند ما دارالشوری میخواهیم - بلی میخواهیم ولی در آن مجلس مطلوب ما، روح آزادی حکمفرما خواهد بود (دست‌زدن‌های شدید) شعرای تهران دیگر شمر برای ما نخواهند سرود عجب! چه تصور مینمایند - ما در سر آن شعرای متملق و مدیحه‌گو که قابل خرید (۱۰) روزنامه رعد در تهران تحت مدیریت آقای سیدضیاءالدین طباطبائی در روز نامه ایران مسئولیت آقای ملک الشعراء (بهار) منتشر میشده.

و فروش هستند با هیچکس طرف نخواهیم شد.

و هیچ انتظاری هم نداریم شما بروید ریاضی های نفرت انگیز خودتان را بر خاک کپای خائنین تقدیم نمائید (تبریز ایران را آزاد خواهد کرد) چوشان و خروشان و درو کنان تهران خواهد آمد تبریز آماده فداکاری است بگذارید تبریز این جهاد آزادی را بدون اشعار و قصیده های شما انجام دهد. - ای آزادای خواهان! روزنامه ایران نسبت به قیام شما بدبین است، شما را لازم است جد و جهد کنید یا بمیرید یا حقیقت را بآنها بفهمانید قیام ما اتکاء بنفس خود دارد از هیچ قوه داخلی یا خارجی استمداد نخواهد کرد ما ستاد بقوای خودمان داریم.

ما خیلی خورسند هستیم که دیگر شعرای تهران برای ما شعر نخواهند گفت و احتیاج براهنائی شارلاتانهای تهران نداریم - هر که عقیده ندارد لازم نیست با ما همراه باشد.

ای آزادای خواهان! امروز نتیجه این از لیم (آزادی) بیم دارند. عطر گلاب (جعل) ها را سوا سیمه می کنند. پس عطر آزادی حقیقی را در مملکت نشر نکنند تا جعل های استبداد مست و مدحوش شده از میلان بزنند این جوهر ضد جفونی را در مملکت منتشر سازید تا مسکریهای مضر - رفع و دفع شویند.

آزادای خواهان! تهران عقاید و نظریات مخصوصی دلتونند آزادی را در مملکت دچار هزار تجاوز و تعدی ساخته. صحر و نابود میکنند ایشان میکنند (ما آزادیم) دمو کراسی را حرمینند و بتواضع بلیات گرفتار می نمایند او را بطرف بیگم که مستحقه سوق می دهند بنز می گویند (ما آزادیم - حکومت ملی داریم) مملکت را میفروشند و این هرگز مانع نمی شود که ایشان بگویند (ما آزادیم) همیشه در سر آزادی و آسایش دمو کراسی و پیشرفت و ترقی مملکت صحبت میکنند - ولی غافلند از اینکه در اینها ما (من قال) را در نظر میگیریم نه (ما قال) را کلمات مقدس نباید از دهان هائی بیاید خارج شود بگردد واحد در ایران پیدا نمیشود که منکر علویت و محسنات آرزویی باشد

حتی خائنین و فروشندگان مملکت نیز خود را هواخواه و طرفدار آزادی قلمداد میکنند - ما تبریزیان امتحانات خود را داده ایم ما متحمل زحماتی شدیم سایرین منافع آنها بردند حالا وقتیکه ما چند نفر نهرانی خائن را از تبریز اخراج و تبعید مینمائیم داد و فریادشان با آسمان بلند میشود از آن مامورین تهران باز هم هست و باز هم بیرونشان خواهیم کرد.

ما از عقاید و مقاصد خود هیچ منصرف نخواهیم شد - نه نوشتن نه دقتن نه تهدید نه تحییب فایده نخواهد بخشید - باید با قتل و قتال توپ و تفنگ مارا مجبور بسکوت و خاموشی نمایند و اینهم خیلی مشکل است همیشه آزادی خواهان ایران از تبریز استمداد خواسته اند ما از کسی کمک نمیخواهیم ایندفعه تبریز شعر و سرود نمیخواهد ولی يك مرامی دارد میخواهد بهر وسیله باشد این را پیش برود هر قلمی که برضد این مرام چیز بنویسد منفور و مردود خواهد بود ما بر غم آن کسانی که میگویند تبریز راه ترکستان می رود - تبریز را کعبه آمال آزادی خواهان میدانیم (دست زندهای شدید)

نطق سی و هفتم - شب ۴شنبه ۴ جوزا ۱۳۹۹

انسان باید بکار علاقه داشته باشد

انسان باین سمت که عضو يك هیئت اجتماعیه است باید علاقه مند باشد و انسان علاقمند از حوادث و اتفاقاتی که در محیط و اطراف او بظهور می رسند متاثر می گردد اشخاص بی علاقه و خود اندیش باید از جامعه طرد بشوند و چورت آنها بصول اجتماعی معتقد نیستند جماعت نیز باید آنان را (بایکوت) کرده مجرد و منفرد بگذارد.

باید داروغه در بازار ازدگان او مواظبت بعمل نیارود پلیس در شهر متعرضین او را دستگیر نسازد عدلیه بشکایات او رسیدگی نکند - و تمام تشکیلات مدنی و اجتماعی از مساعدت او امتناع ورزند آن شخص بی علاقه و خود اندیش را به حال خود

ترك نمايند .

در يك هيئت اجتماعيه بايد تمام اعضوها بدون استثناء كار بكنند و بواسطه كار كردن خودشان استحقاق بر حيات داشته باشند هر كس بايد در فراخور توانائي و دانائي خودش در امور اجتماعي و عمومي شركت جويد و بدنيوسيله محكم ترين اصول (آزادي-عدالت - مساوات و اخوت بشري) در روي زمين ميتواند تاسيس يابد طبقات ممتاز - صنوف مفتخوار و عاقل و بيكاره كه دست رنج مردم را احتكار نموده براي اين احياجات مفرطانه خود بكار ميبرند بايد از اين دزدی و احتكار اجتماعي ممنوع باشند و آن ظلم فاحشي كه از اين حيث باولاد رنجبر بشر وارد ميآيد بايد بالمره قلع و قمع گردد .

عدم علاقه بر حيات اجتماعي دليل بر عدم زندگي است در طبيعت مي بينيد آيا ممكن است يك حيوان موزي يك جنبنده زنده را مورد حمله خود قرار دهد و از ضربتهای دندان و چنگال او را حس ننماید . يك شخص زنده نيش زبور و كژدم را بخوبي حس مينماید - اين موجودات زنده با حواس مخصوصه زندگي مسلح و مجهز هستند - بكمده قوا و حواس معلومه آنها را با محيط خودشان مربوط و علاقه مند ميسازد احساسات خوب بايد آنان را در يك تماس دائمي با محيط نگه ميدارد براي زنده حساس بودن در حيات اجتماعي براي اينكه شخص بتواند در آغوش همين حيات نيز آثار زندگي و حساسيت خود را جلوه گر سازد بايد قوا و حواس مخصوصه را دارا و واجد باشد .

اين قوا و حواس عبارت از افكار و عقايد اجتماعي است بگفرد معتقد بر اصول آزادي - مساوات - عدالت ممكن نيست اتفاقاتي را كه بر ضد اين اصول بعرصه ظهور ميرسد با خون سردی و تحمل و توكل تلقی نمايد اين اتفاقات مخالف در او عكس العملهاي شديد توليد کرده او را با اعتراضات و پرهتست بقيام و عصيان و اميدارد در حيات اجتماعي و سياسي آناني كه علاقه مند و شريك نيستند مانند امواتي هستند كه خود حيات نيز از آنان رو كردان و كریزان است من اهل تبریز را تبریک ميگويم كه

هميشه در وقت لزوم بيدار ميشوند ولي بايد آن خوابهاي غفلت و آن فترتهای گاه گاهي آنان را نيز تقبيح كنيم تبريز نبايد بخوابد و غفلت داشته باشد (تبريز مرکز آزادي ستان است) حوادث ناگوار او را متأثر مي سازد و باعث بيداري او ميشود . مرد گاني هستند مردم آن ايالات و ولايت كه تن بذلت داده در مقابل تعديت و تجاوزات يك حكومت جابر و بيدادگر صبر و تحمل مي نمايند - مرده هستند مردم بي سر و صدای « تهران » - رعدها - ايران ها كه بر قيام ما نكته مي گيرند مرده هستند اين ماجرا جوها كه از اين همه حوادث متأثر نميشوند و براي خاطر اغراض شخصي خود با اتفاقات مخالف عقیده و مسلك خود تن در ميدهند نميگويند شاه كجا ميرود ، نمي پرسند چرا مي رود (۱) داد نمي زنند كه از

خزانه مفلس اين ملت مستاصل كه صد هزار ها افراد آن با مرك دست بگريبانست چرا بمسافرت شاه خرج ميشود بلي از خزانه خالي دمو كراسي فقير ايران مبالغ هنگفت براي مسافرت هاي فرنك شاه تخصيص داده شده چهل هزار تومان خرج استقبال شاه ميشود در صورتي كه خود ملت از گرسنگي جان بر لب است يك جماعت زنده و حساس بايد در مقابل اين حوادث بهركت آيد .

ما زنده ايم - روح داريم - مردگان ايران را كه در سراسر كشور مشغول خواب نازند دعوت بحيات مينمائيم بلي برادران ما خوابيده ولي هنوز نمرده اند صدای رساي (آزادي ستان) آنان را بيدار خواهد كرد - ايراني بايد بدانند هر كز ممكن نيست (پادشاهان) با حاكميت ملي همراهي نمايند ياد دارم بيانات پادشاه سابق روماني را كه ميگفت (باور نكنيد يك پادشاه از روي حقيقت و صميميت خادم منافع اصلي ملت باشد)

اغلب ملل اروپا با رژيم هاي ملي انس گرفته و مؤسسات دمو كراتيك در تشكيلات آنها ريشه دو انيده است مجلس ملي در اروپا يك مقام حاكميت احراز نموده است حكومت هاي اروپا نمي توانند از پيروي آراء پارلمان خود داري نمايند در بجهوجه جنگ مشغول انتخابات ميشوند

« ۱ » اشاره خياباني بشانرت احمد شاه است كه باروبا نموده بود .

با سرعت و جدیت هر چه نماهتر آن مؤسسه اساسی و خطی را منعقد میسازند از راه نمائی و تصایح آن استفاده می کنند و ذمه مسئولیت خود را در آتیه مبری و منزه مینمایند در مملکت عکس قضیه جریان دارد اولاً انتخاب نمی کنند - هر گاه مجبور باشن انتخاب شدند اصولی را نخبه زمین نمایند در ظرف چهار سال انتخابات پایان نمیرسد بعلاوه اشخاصی را انتخاب مینمایند که قصاب ملت بوده اند خون ملت را مکیده اند و تا روزی که بتوانند خواهند مکید البته وقتی که اشخاص معین همیشه زمام امور اداره و مملکت را بدست خود بگیرند و تابع هیچ نظارت و مراقبت نباشند حقوق ملت را ضایع خواهند کرد اگر نکنند محل تعجب است .

ملت باید حقوق و منافع خود را خودش محافظت نماید در دوره دوم مجلس دیدم با این که نمایندگان ملت در ضمن يك سلسله مذاکرات پر هیجان در تالار بهارستان اولتیماتوم روس را رد کردند زمامداران وقت رفتند و آن التیماتوم را قبول کردند روزنامه ایران می نویسد نمایندگان نمی آیند تا مجلس باز شود .
نمایندگان نمی توانند بیایند زیرا آن ها نمی توانند با آن اشخاص که عنوان نمایندگی را بصد حیل و نیرنگ غصب کرده اند در کرسی های بهارستان پهلوی پهلوی بنشینند ما با هم مسلکان خود و با نمایندگان واقعی ملت بیارلمان خواهیم رفت .
(دست زدن های شدید - صداهای زنده باد)

نطق سی و هشتم - شب چهارشنبه ۵ جوزا ۱۲۹۹

اندوختن سهل است - نگاهداری مشکل

انقلاب چهارده ساله مامکن بود منافع زیادی بما برساند و ما امروز از آنها متمتع شویم ولی بواسطه غفلتهائی که شده و بی تجربتهائی که بخرج رفته مقدار اعظم آن منافع ضایع شده است در ظرف این مدت ما همیشه مشاهده کردیم که عناصر مستبد و مرتجع بمحض وزیدن تند بادهای انقلاب از میدان در رفته و در سوراخهای مخفی پنهان شده اند و پس از مدتی انتظار از فرصت استفاده کرده

مجدداً ظهور نموده اند و آثار موجوده آزادی و انقلاب را از بیخ و بن کنده نیست و نابود ساخته اند .
اندوخته آزادیخواهان و محصول فداکاری ها و جانبازی های آن ها را در یکروز محو و معدوم نموده اند .

اینست که می گویم (اندوختن آسانست و نگاهداری مشکل) بلی نگاهداری يك بیداری دائمی هوشیاری - توانائی و ثبات قدم و ثبات میخواهداین مشروطیت و آزادی اندوخته ما است باید در نگاهداری آن بیشتر عقل و هوش بخرج بدهیم و هر باره گرفتار ندامت و پشیمانی نشویم دیگر نباید (فلان الدوله ها - و فلان السلطنه رشته مذدرات آزادی را در دست خود داشته باشند .

ای تبریزیان ! این انقلاب را شما باید با جدیت و وقار از پیش ببرید - مامصم هستیم از تبریز شروع نموده آزادبستان و سپس تمام ایران را قابل يك حکومت ملی کرده و آزادسازیم - تاکنون اصلاحات وسیله آن بود که برای مردم کار پیدا کنند ولی ما میخواستیم برای کارها مردان لایق بیدانمائیم اشخاص جدی و لایق بر سر کار بیاوریم آقای (ناظم الدوله) را بریاست مالیه تعیین نمودیم با این اقدام اصلاحات نالیه شروع میشود .

همه ادارات باید اصلاح شود - انتظام و درستی امروز کفیل کیفیات فردا نیست و هر خیانت جدید در موقع خودش دچار تنبیه فوری خواهد شد - اطاعت از دیسپلین تلخ و سخت است ولی ثمرات نرم و شیرین میدهد - برای ما تفاوتی ندارد هر که خیانت کرد در همان روز سر کوب و تنبیه خواهد شد - زیرا که تصمیم مالا یتغیر است یا ما خواهیم مرد و یا این کار را از پیش خواهیم برد .
(دست زدنهای شدید)

حیات اجتماعی ما ناقص است

تا امروز حیات سیاسی ما بعبارة ساده تر حیات اجتماعی ما خیلی ناقص و بی تر تیب بوده و آنچنان گذشته است که همیشه در میان ما آراء مختلف و حالات تفرقه حکمفرمایی داشته و در میان این آراء و افکار متفرقه هیچ دسته نمیتوانست تشکیلات و ترتیبات برای خود اتخاذ نموده و حائز قدرت و قوت گردد - و بدان وسیله آمال و نظریات خود را از پیش ببرد - منازعه آراء و افکار و مبارزه عقاید و مسالک در میان ما خیلی ابتدائی و غیر منظم بوده در این میدان هیچ قشون نظم و انضباط اظهار وجود نمی نمود باید آراء مخالف یکدیگر را جستجو و پیدا کرده در میان خودشان عهد و میثاقی ببندند مرام و مقصود مشترک خود را تعیین نموده در پی تحصیل آن مرام با کمال اتحاد و اتفاق میجاهدت نمایند، هر دسته که بواسطه حصول اکثریت و بدست آوردن يك و جاهت ملی تفوق و تحکم حاصل کرده عرصه را بر دسته های دیگر تنگ گرفته مانع از پیشرفت آنان شود و در صورت امکان آن دسته مخالف را از میان برده رها بود سازد و يك منازعه شدید دلیل بر رسوخ عقیده است .

اجتماعات تجدید و وحدت امل دارند هیچ نوع اختلاف در این ساحت نیست آمال سیاسی و اجتماعی ما همه یکی است تا کنون اغراض شخصی - حرص و آرزو جاه طلبی و ریاست خواهی - بخل و حسد مملکت ما را خراب کرده است باید يك عزم و يك دست آهنین ریشه این مفساد اجتماعی را کنده این جماعت را از تسلط این و سایر فساد نجات بخشد قلع و قمع فساد اخلاق و اقامه فضایل اجتماعی بجای آنها يك امر مهم عمومی است که باید همه کس در آن شرکت جوید و برای حصول آن باید جدوجهد نماید .

تعلیماتی که داده می شود همه افراد بزرگ و کوچک بدین استثناء باید

پیروی نمایند .

موفقیت هر حزب و هر انقلاب با حفظ اصول انضباط و انتظام و ثبات قدم است بکشید و ثبات ورزید تا افکار و عقاید را بر تمام ایران حاکم قرار دهید (دست زندهای شدید)

نطق چهارم - شب جمعه ۷ جوزا ۱۲۹۹

آزادیخواهان دروغی را بشناسید - ایران مال ایرانیان است :

دانشمندان گفته اند افکار بزرگ از قلب بزرگ صادر می شود، این کلام حکمت آمیز را بچندین راه می توان تفسیر و تاویل نمود - بعقیده من افکار عالیه يك رابطه اساسی با حسیات و قوای معنوی دارند يك درد نمی تواند دستور های عالی عدالت و حقانیت تصور کند و اگر تصور هم کرد در مراعات آنها اظهار علاقه بخارج دهد بعضی اشخاص نسبت های افکار عالی بخود می دهند که هرگز در خور استعداد و طبیعت آنان نیست نباید گذاشت جوهر افکار از زبانهای شارلاتان جاری گردد .

عنصر دموکرات چپ ترین دسته عناصر سیاسی ایران را تشکیل میدهد روزی که تمام افکار دروادیهای ارتجاع را محافظه کاری یلان و سرگردان بودند دموکراتها با قدمهای پر عزم و شجاعت بجانب يك ترقی و تعالی با سرعت زیاد رهسپار بودند - حالا چطور شد اشخاصیکه تا دیروز معنای تجدید و آزادی را نمی فهمیدند یکمرتبه دارای عقاید جدید شدند - سابقه آنان - طرز رفتار دیروزی آنها فقط دان اطلاعات - فراوانی املاک و سرمایه و دارائی ایشان مانع این استحاله ناگهانی نشد . بحرف صرف و قول محض نمیشود تسلیم گردید - باید بدانیم و بفهمیم که این حادثه خارق العاده بچه وسیله در این اشخاص معلوم الهویه بظهور رسیده اشخاصیکه تا امروز آلت پیشرفت همه نوع مقاصد پست و ارتجاعی شده اند با همه نوع قوای امپر بالیستی سازش نموده اند چطور شد که در یکروز تغییر ماهیت

دادند این تحول ناگهانی نتیجه کدام تکامل سیاسی است و این انقلاب ثمره کدام اجتهاد اقتصادی است ؟

آنها که زوزی اعتدالی - روزی استقلالی - روزی نصرت، روزی انفاق و ترقی و روز دیگر بانی و مؤسس اتحاد اسلام شدند، روزی تابع اوامر نظامیان عثمانی شده مقاصد ایشان را اجرا کردند فردایش طرفدار حکومت های ارتجاعی و استبدادی گردیدند زمانی وسیله اغتشاش و هرج و مرج شدند دمو کراسی را ببدترین مصائب و فلاکت ها سوق دادند با غارت اموال مردم و وسائل تمول و خوش گذرانی خود را فراهم آوردند - امروز آزادیخواه و مشروطه طلب و حامی دمو کراسی و قانون اساسی شده اند !!!

ولی جماعت دیگر فریب این هیش های گرگ سیرت را نخواهد خورد (دست زندهای شدید)

در همه نوع عقاید سیاسی پیشرفت انسان بسته به صمیمیت و فداکاری است زیرا فکر باید از قلب صادر شود انسان در راه عقیده قلبی خود همه نوع فداکاری مینماید ولی آنها تیکه دروغگو و مزور و ریا کار هستند همیشه خواهانده مملکت را به يك نام به بیگانگان بفروشند اصلا عقیده سیاسی ندارند آنها اجانب را به مملکت دعوت کردند عقاید و افکار آنان را ترویج نمودند - دلال خیالات و نقشه های آنها شدند - فقط ما دمو کرات ها بودیم که در مقابل این تیپ وطن فروش و اجنبی از حقوق دمو کراسی ایران دفاع نمودیم و خواستیم این ملت بدبخت را از واقع شدن در زیر لکه های اضمحلال آور امپریالیستی خلاصی دهیم ما را دستگیر و توقیف و تبعید نمودند .

در مملکت ما (ایران مال ایرانیان است) ایران دمو کراتیک حال دمو کراسی

ایران است . دست زندهای شدید و صدهای زنده باد ایران ، (۱)

هر خارچه و بیگانه که بخواهد وارد این مملکت شده دمو کراسی آن را درزنجیرهای اسارت گرفتار سازد - ما را در پیش خود خواهد یافت ، و مجبور خواهد شد از روی جسدهای ما بگذرد تا وارد حریم مملکت گردد ما باید سعادت خودمان را بدست خود تهیه و تامین نائیم .

در نظر ما ایرانیان يك عضو عاقله بشریت را تشکیل می نماید - و ابرار باید بالاستقلال اسباب تجدد و ترقی خود را فراهم آورد - هر چه زودتر هم راهگه ملل متمدن جهان گردد شعار ما « آزادی ایران است » و بنام ایرانیت عقاید و ممالک جدید دنیا را اخذ و عملی خواهیم نمود . (دست زندهای شدید)

خودتان را حاضر و آماده کنید تا روح آزادی بتواند در شما حلول نماید . سگ ، سگ است و از خر باندازه خر می توان استفاده نمود - تناسخ در عالم سیاحت ممکن نیست .

« ۱ » در اواخر شعبان ۱۳۳۶ ارتش دولت عثمانی بعنوان سرکوبی آشوریه و رهایی مسلمانان ارومیه و سلساس از قتل و غارت آنها ، صناعات غریبی و شمال غربی ایالت آذربایجان را اشغال و به تبریز نیز وارد شدند - با وجود قحطی و مجاعه که ده ها هزار نفر ایرانی از گرسنگی جان میسرند - انبارهای غله آذربایجان را متصرف شدند و گندمهای موجوده این ایالت را بشور خودشان حمل نمودند .

در تبریز جمعیتی بنام « اتحاد اسلام » تحت ریاست « یوسف ضیاء » که از مصلحین باه کوه و اهل قفقاز بود تشکیل دادند - و بامور لشگری و کشوری نیز مداخلاتی میکردند - موضوع ترك و فارس را نیز پیش کشیدند - چون حزب دموکرات آذربایجان با این عملیات عثمانی ها مخالف بودند ، مأمورین دولت عثمانی در این صدد برآمدند ضربه مؤثری باین حزب وارد آورند « مکرم الملک » که بعد ها ملقب بقائم مقام گردید - نایب الایاله آذربایجان بود و دلخواهی از دموکراتها نداشت - فرصتی بدست آورده در هشتم ذی قعدة « ۱۳۳۶ » شیخ محمد خیابانی میرزا اسمعیل نویری - حاج محمد علی بادامچی را که از رهبران حزب دموکرات تبریز بودند ، دستگیر و تحت الحفظ بارومیه فرستاد .

مأمورین عثمانی « اجلال الملک » چاکم ارومیه را نیز توقیف نمودند پس از دو ماه حبس این چهار نفر را بقارص بردند - بازده روز در فارس توقیف کردند و بواسطه پیش آمد بین المللی عثمانی ها مجبور شدند زحمای دموکرات آذربایجان را آزاد کنند « اعلاوه خیابانی در این لفظ بهمان موضوع است » .

مقصود این قیام تداری و معالجه جراحات دمو کراسی است، بدون تنگن دادن باعصاب الم اکین آن، در میان نظم و آسایش با تدبیر و احتیاط ولی باعزم و متانت ما اصلاحات را داخل در این مملکت خواهیم کرد و ایران را زنده خواهیم نمود (دست‌زدهای شدید)

ما نمی‌ترسیم ما را همیشه در صف اول جنگ دیده‌اید ما حاضر برای مردن هستیم - معنای حاضر بودن و مردن را در راه آزادی و استقلال خوب میدانیم - ما نخواهیم گذاشت که دو باره شارلاتانهای دولتی یا ملتی بزبان دمو کراسی مسلط شوند و برای وصول باین مقصود بر خطا کاران سخت خواهیم گرفت - پس بدانید افکار بزرگ از ملت های بزرگ صادر میشود .

نطق چهل و یکم - شب سه شنبه ۸ جوزا ۱۳۹۹

فریب ملت پرستان دروغی نخورید

حاکمیت ملت شرایط سختی دارد - چنان که در يك حکومت مطلقه باید هر حاکم خوب و محبوب - حائز بکمده صفات مخصوص باشد مثلاً در شکار - عادل منصف مساوات پرور - مدبر - متین - با حزم و احتیاط و دور اندیش و توانا باشد . همچنان يك دمو کراسی و يك ملت هم برای اینکه بتواند حقوق و منافع خودش را بخوبی اداره کند محتاج بداشتن همان صفات است ، که در این صورت از عالم انفرادی بمالم اجتماعی انتقال می یابد شما جماعت ایران نیز باید خودتان را با صفات مذکور مجهز و مسلح سازید - سجایای هر يك از شما مختلف و متفاوت است بعضی جسور و شجاع اند ولی اطلاع و معلومات ندارند برخی دانا و با اطلاع هستند ولی جسارت و شجاعت ندارد باید کوشش کرد يك جنبه مشترك مساوی و عمومی را سنجیه فارقه خود قرار داد زیرا که در تعیین عیاد و قدر و قیمت ملتها (سنجیه) بالا تر و مهم تر از همه چیز است ، من میخواهم سنجیه مشترك شما - همان (شجاعت) یعنی (نترسیدن) باشد - مادمو کراسی آنها اشخاصی را بهم مسلکی

قبول داریم که نمی ترسند و محافظه کار نیستند و حاضرند در مقابل همه گونه اشکالات و موانع یا فشاری و مقابلهت و رزیده بتامین آزادی و استقلال مملکت موفق شوند .

جماعت ، ملت هم باید زیر کی و فطانت داشته باشد هر ملت محروم از فطانت متانت هم ندارد - سریع التاثر است زود به هیجان می آید و زود حرارت او خاوش میشود - يك همچو ملتی را میگویند که قابلیت حاکمیت و استقلال را ندارد . در گاه صمیمیت و صداقت شما بدرجه کفایت و کمال برسد هیچ قوه ای متصور نیست که بتواند بر شما غلبه نماید .

توقیف مخالفین: ما پنج شش نفر مخالف را ده میخواستند هرج و مرج نمایند توقیف کردیم - يك شخص فاسد و بی فکر که از اول زندگانی خودش بی مسلک - بی عقیده و بی اخلاق بوده است و برای این بی اخلاقی و بی مسلکی خودش بغیر از تعول و ثروت و فراوانی نعمت بهانه دست آویزی نداشته است ، ممکن نیست یک دفعه برخیزد و با اظهارات بالا و بلند افکار عمومی را فریب بدهد یکدسته از اراذل ناس و شارلاتان که تا امروز خون ملت را مباح دانسته و با مکیدن آن خون عضلات خودشان را تغذیه و تقویت نموده اند - این گرگها که تا امروز خون ملت را حلال دانسته و با میکدن آن دمو کراسی را گرفتار چنگال خونین خود نموده بودند گمان می برند که با اینگونه اظهارات خواهند توانست سابقه خود را روشن ساخته از مجازاتی که برای آنان منظور است رهایی یابند ولی فریب آنان را کسی نخواهد خورد - جماعت هوا خواهان و خادمین خود را می شناسد جماعت ایرانی از خیانت این شارلاتانها و از این ملت پرستان دروغی به تنگ آمده و در سابه پرستاری این خادمین است که قوه حیات از پیکر ملت مفقود شده است و رمقی از آن حیات باقی مانده امروز دیگر ممکن نیست خود را در چنگال این منفعت پرستان بی وجدان قرار دهد اینگونه بی شرفهای بی وجدان را اجازه نخواهیم داد که در ظرف يك روز از پوست ارتجاع و محافظه کاری در آمده جامه های عوام فریب

در بر کنند دو باره بر ملت حکمرانی و سلطنت نمایند - آنها نمی فهمند اصلادرد ملت چیست و چه مرضی در پیکر این توده بدبخت ریشه دوانده و استقرار یافته است این اشخاص نه آن حذاقت و تشخیص مرض را دارند و نه فداکاری و صمیمیت که بتواند امراض موجوده را معالجه و مدارا نمایند .

در پانزده سال انقلاب و زندگی خونین ثابت شده است که در این مملکت پیش آهنگ ترقی و تجدد «دمو کراتها» هستند (دست زندهای شدید) ماهمیشه در جلو و در پیش افکار و عقاید ایران اسب خود را دوانیده بقیامت جان از هر نوع اصلاحات و تجدد استقبال نموده ایم ولی این بی شرفها با بیگانگان ساخته در مقابل نهضت آزادی موافقی ایجاد کرده اند - نباید با این زودی تاریخ را فراموش کنیم ما با صدای رسا اعلان مینمائیم هر گونه اصول جدیدی که با ترقی و ملی دمو کراسی ایران توام باشد در راه تحصیل آن فداکاری خواهیم کرد .

در سیاست همیشه باید (ماقال) را کنار گذاشته «من قال» را در نظر گرفت شخص گوینده را تدقیق نمود - و هرگز نباید از شارلاتانها فریب خورد امروز هر کسی می تواند ادعا نماید که آزادیخواه - دمو کرات - متجدد است ولی فعل و عمل است که باید این مدعیات را در عرصه حقیقت و واقعیت جلوه گرسازد - ما چشم و گوش خود را باز نموده و تصمیم بر این گرفته ایم که دیگر فریب نخوریم - و هیچ دسته شارلاتان و محافظه کار هم نخواهد توانست با تهدید و تطمیع ما را از تعقیب مرام عالی خودمان باز دارد .

نطق چهل و دوم - شب یکشنبه ۹ جوزا ۱۲۹۹

« خائنین باید کشته شوند »

هر مسلکی یا رتبه صفت و ملکاتی را مستلزم است شخص تاجر - نظامی - دیپلمات ادیب و غیره هر یکی بنا به حرفت و صنعتی که تعقیب و اجرا می کنند باید با قوا و استعداد مخصوصی مجهز باشند - خادمین ملت نیز باید صفات مخصوصی را

دارا باشند - تا بتوانند عنوانات خدمت در آنها صدق کند - این قیام و اجتماع فقط برای گفتن و شنیدن و برخاستن و دست زدن نیست این قیام می خواهد رژیم مملکت را تغییر بدهد .

در اوائل انقلاب ایران محمد علی ها رفتند و بجای آنان (ناصر الملك ها) آمدند ولی این قیام تصمیم دارد یا باید ایران مبدل بیک قتل عمومی آزادیخواهان گردد یا رژیم آن تجدید گردد (دست زندهای شدید)

در قدیم طبقات پست بمرک میرفتند و متنفذین انقلاب بمقامات عالیه میرسیدند ولی قیام ما این امتیاز را دارد که هر گاه مردن لازم باشد مدیران آن قبل از همه کس خواهند مرد - ولی پیش از آنکه بمیریم مقصود و مرام خودمان را با تمام قوت و جدیت تعقیب و اجرا خواهیم کرد - خواهیم گفت و خواهیم کرد و خواهیم جنگید و بالاخره پاداش و کیفر هر کسی را خواهیم داد هر که بر ضد این قیام باشد از داخله و خارجه ، بزرگ و کوچک - ملا و سید - مجاهد و آزادی خواه - دمو کرات - برادر یا پدرمان هر که باشد محو خواهد شد .

انتظام و انضباط یک شرط عمده موفقیت است ، مقتدرترین فرق سیاسی اروپا - با انتظام و دیسیپلین خودشان امتیاز دارند - تاسیس و تطبیق هر نوع رژیم فقط در تحت نظم و انتظام ممکن است حصول گردد - چنانکه دیدیم بولشویک ها موقتا از قاعده خارج شده بالاخره در تحت یک دیسیپلین مربوط و سخت قرار گرفتند .

هر گاه دیسیپلین صحیح و تاکنیک معین و ثابت وجود نداشته باشد یک دفعه ملتفت می شویم زحمت کشیده - قربانی داده - خانه ها بفارت رفته خون خود را ریخته ایم دیگران یعنی مخالفین آزادی بسعادت و موفقیت رسیده اند .

آزادی توأم با عقل و عرفان است ، یک ملت نمی تواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد - همینکه آزاد هستیم باید پی تحصیل علم و معرفت بر ویم سابقا در فردای انقلاب همه بدون اینکه معترف بر جهل و نادانی خود شوند می رفتند

گمیسر - رئیس مالیه - رئیس عدایه و امثال اینها میشوند در عمل بر جهل خود اعتراف مینمودند و ملتفت میشدند مقامات را بدون داشتن اطلاعات و تجربیات لازم نمی توان اشغال کرد

برای نظام - ژاندار مری - مالیه پست و تلگراف ما احتیاج بچوانان مطلع داریم تا این جوانان تربیت شدند بتدریج ادارات بدست آن ها سپرده شده و اصلاح خواهند شد.

همیشه گفته ایم که کاری به تهران نداریم از تبریز شروع کرده و اول ایالت آذربایجان و سپس تهران و سایر ایالات و ولایات ایران را در این امر عمومی و آزادی و تجدد شرکت خواهیم داد - اما با وجود این تصمیم نمیتوانیم نسبت به ملیانی که در سایر شهرها پیش میآید - بکلی لاقید بمانیم و ساکت بنشینیم هر چه در تهران بر خلاف قانون اساسی عمل شود ما بدون تردید آنرا لغو و فسخ خواهیم کرد (دست زدنهای شدید) هنوز ولیعهد مایوس نشده و از آمال و آرزو های کهنه خودش چشم نیوشیده است گمان می برد باز بتبریز خواهد آمد و در تبریز مشغول ولایت عهد خواهد شد.

هنوز ملتفت نیستند که ما مجبور خواهیم شد يك پرده از روی حریفهای خودمان برداریم هر گاه یکنفر بخواهد بر خلاف نظریات ما وارد تبریز شود و پنجاه هزار قشون جنگ آزموده با خود همراه بیاورد - مثل اینکه تنها آمده دچار مقاومت و مدافعه خواهد شد.

جرایدی که در تبریز منتشر میشوند باید بدون تاخیر و تعویق به تهران بروند و الا ما برای رسانیدن جراید خودمان ترتیبات دیگری در نظر خواهیم گرفت - این قیام برای تامین آزادی و استقلال ایران و اجرای کامل قانون اساسی است

مسافرت شاه - اسرافات مالیه و سایر اقدامات که بدون تصویب مقامات ملی معمول میشوند بر خلاف قانون اساسی است ، اگر می خواهید آزادی را تامین نمائید

- قبل از این که بمیزید - خائنین را بکشید - بدون ریختن خون آنها آزادی نامین نخواهد شد .

نطق چهل و سوم - شب دوشنبه ۱۰ جوزا ۱۲۹۹

دشمن آزادی بر دو نوع است

امور در نعت اشکال مختلف تجلی میکنند - و در هر شکل تجلی باظواهر و عواقب دیگر همراه میباشد - مثلاً قتل نفس ممکن است در تحت چندین شکل متفاوت تظاهر کند قتل را ممکن است با آلات و اسلحه مختلف اجرا نمود چنانکه جلاد - سرباز - جانی اشخاص را با اسلحه میکشند و برای هر يك از انواع قتلها قوانینی تدوین شده است که ناشی از تصورات عقل و انصاف بشری میباشد .

این اقسام قتل در پیش جماعت تاثیرات گوناگون دارند .

و اغلب جماعت به قتل هائی که در نهانی با نهایت سکوت و آرامی بدون سر و صدا واقع می شود اهمیت نمی دهند - اگر دکتری بواسطه دوا یا سم کسی را بکشد مردم نه از وقوع قتل و نه از طرز آن به هیجان و حرکت نمیآیند - جماعت همیشه حاضر است بکمرض مخفی و مزمن بدون و لوله و سر و صدا بر او حمله کرده و او را از بین ببرند - چنانکه همه روزه عدهای از ربا - طاعون - انفلوآنزا - سل و امراض دیگر میمیرند - ولی بایک توکل و رضایت وقوع این قتلها را بر خود قبول دارند ولی مردن در جنگ و مریدن در مقابل فشار و ظلم و استبداد جماعت را دچار خوف و وحشت میگرداند .

بیک دسته دزد و راهزن که راه را بسته و قافله را می زنند جماعت را متاثر و منقلب می سازد ولی بیک مرض و لخطر اجتماعی - بیک انهزام سیاسی که عواقب آن صدمه رتبه از اولی و خیم تر و هولناک تر است ابتدا مردم را متاثر نمیسازد - پس جماعت همیشه بحوادث شدید - حوادثی که ناگهانی و با يك سرو صدای زیاد وقوع میبرد و زندگانی آسوده آنها را موقتاً بر هم میزند بیک اهمیت فوق العاده میدهند - ولی

حوادث سری و پنهانی که مثل آب در زیر گاه جریان دارد در نظر جماعت جایز هیچ قدر و قیمتی نیست *

مثلا حاکمی که با بکیر و به بند و با چوب و فلک و با ضرب شمشیر و چوبه دار حکومت میکنند و خود را با جلاد و میر غضب نمایان می سازد در نظر این مردم عوام و ساده لوح حاکم مستبد و خون خوار است - ولی حاکم دیگری که تمام این اعمال را تنهائی انجام می دهند و با کاشتن تخم نفاق و تفرقه با تحریک مردم بشرارت و نا امنی - با اصول تطمیع و رشوه - و با صد ها وسیله دیگر حکومت ظالمانه خود را ادامه می دهد - هر روز ده ها نفر را بی سر و صدا از بین می برد در نظر جماعت حاکم سلیم النفس و صلح و صلاح اندیش بقلم می رود - - - حاکم اولی بطور شدت و طرز استبدادی مثلانمی گذاشت هیچ روز نامه طبع و نشر شود - - ولی حاکم دومی جراید را آزاد می گذاشت اما بوسیله پول و وسایل دیگر وجدان آن ها را خریداری مینمود و از نشر مطلب حقیقت آمیز جلو گیری میکرد - - در نظر جماعت عوام فرق دارند دیگر این مردم میدانند با این شعور اشتباه آمیز از چنگال گرگان تیز دندان فرار نموده خود را گرفتار روباہ های پشمینه پوش میسازند *

اولی او را در اثر یک حمله از بین میبرد ولی دومی با تدریج و صربات کوچک کوچک خون او را مکیده بیجان میسازد *

« انصاف بده کدام خون خوار تر است »

عده مستبدین کم است نشانه نفرت بر پیشانی آنها زده شده است و همه کس آنها را میشناسد بنا بر این مخالفت آنها برای ما هیچ اهمیتی ندارد - ولی آزادیخواهان دروغی - این مزورین ملی - این وجیه المله ها که دشمن حقیقی آزادی هستند نظیر حاکم دومی میباشد که میخواهند در زیر ماسک آزادیخواهی اساس آزادی را بر هم زنند *

این نیب بی رحم ترین دشمنان ما هستند این قبیل اشخاص در هر جا باشد باید مجازات و تنبیه شوند (دست زندهای شدید)

اینها میخواهند با شورانیدن عشایر و قبایل برضد ما - ما را از کار بازدارند ولی میدانند این سیاست صرفه ما میباشد - ما چاره آنرا داریم که با هر قوه مخالف مبارزه نموده و موفق شویم (کف زندهای شدید)

نطق چهل و چهارم - شب شنبه ۱۱ جوزا ۱۳۹۹

درواه آزادی فداکاری کنید

بزرگان سخنان قابل استفاده گفته اند « اگر میخواهی حیات ترا دوست بدارد تو نیز حیات را دوست بدار » ملتی که می خواهد زنده بماند باید شرایط زندگی در خود جمع کند انسان باید در حیات طوری مشغول کار شود که گویا هیچ نخواهد مرد - - عضو های مریض و معیوب - و طفیلی پر مضرت در ایران زیاد یافت میشوند که باید بریده شوند - در موقع فتح اسلامبول رومیان در کلیسای معروف « صوفیا » مشغول مشاعرات روحانی بودند - شما را نیز با موهومات سرگرم داشته بودند *

« یا باید چکش بود یا سندان » فرقه دمو کرات یگانه عنصر آزادی خواه ایران است که همیشه در قبول افکار جدید پیش قدم بوده است - و همیشه در مقابل خود دسته های مخالف اعتدال و ارتجاع دیده که برای از بین بردن این عناصر دمو کرات با بیگانگان ساخته اند - این چندروزه عده بدست نظمیه توقیف و دستگیر شدند این اشخاص ضد ما حرکت می کردند این ها تا کنون مسلک معینی برای خود اتخاذ نکرده اند با خیال های فاسد از جفا گاه خود با سستی سر بیرون آورده اند - این اشخاص همیشه در مقابل آزادی - قانون استقلال ایران علم مخالفت بیرون کرده اند *

ولی نمی دانند ما از مخالفت نیم ترسیم - - ما حاضریم بمیریم و در اثر

مرگ ما يك مملكت آزاد و مستقل گردد - دمو كراسى ايران از آلام و مصائب نجات يابد *

تا ما هستيم ممكن نيست بگذاريم يك حركت خلاف نظم و ترتيب و خارج از عقل و تدبير از طرف يك عده جاهل و نادان و شارلاتان و نفع پرست سر بزنند - ما مي ميريم بجهت اينكه دمو كراسى ايران زنده شود - بايد زنده ماند دمو كراتها تنها در راه زنده ماندن ايران خون خود را نثار ميكنند (دست زنده هاي شديد و - داي زنده باد ايران دمو كرات)

براي اينكه يك پيكر زنده بماند ناچار است كه از ورود عناصر مضره و ميكروبيهاى فاسد جلو گيرى كند - از اين جهت است كه ما مخالفين را گرفتار و توقيف ميكنيم اين قيام ميخواهد ايران را نجات بدهد - ميخواهد ايران و دمو كراسى ايران زنده بماند * بايد تا ميم آتبه نمود * هر گاه اين قيام را اجداد ما كرده بودند ما حاليه آزاد و آسوده بوديم - بايد براي تا ميم آتبه اولاد خودمان اين قيام را ادامه دهيم در حقيقت ما فدائيان اولاد خودمان هستيم - ما خواهيم مرد تا آنان زنده بمانند و آزاد و مستقل زندگي كنند * اى آزادي خواهان ! در راه آزادي و در راه يك زندگاني شرافتمندانه بايد از مال و جان خود بگذريد - خوب ياد دارم مرحوم (ستار خان - سردار ملي) آن قهرمان گرامي ما كه ميدانيد جان خود را چگونه در راه آزادي فدا نمود و چگونه وقتي كه موفقيت مستبدين داشت نزديك باوج كمال ميشد ، يكه و تنها -- بدون هيچ پروا خود را بميدان انداخت چگونه خون او بجوش و خروش آمد - تفنگ خود را برداشت و براه افتاد - اول پنج شش نفر سپس يك ملت بر جهاد او اقتدا كردند چگونه با يك مرگ محقق رو برو شد ترسيد نمرد و موفقيت يافت *

بلى خوب در ياد دارم كه مدتي ملتبان براي رساندن مخارج مجاهدين پول كافي نداشتند ستار خان يك مبلغى از دارائى شخصى خود آورده در سنگرها در ميان مجاهدين قسمت كرد - آن چند هزار تومان كه يگانه ثروت آن (سردار

علمي) بود در نظر او چندان اهميت نداشت كه يك لحظه دزبند و توزيع آن ترديد را روا بدارد - و آن فرزند غيور آذربايجان قبل از آن كه جان خود را فدا كرده باشد پول خود را هم داد و آن همه موفقيت و شان و شرافت را از اين راه تحصيل نمود (دست زدن هاي شديد و صيداي شادباد روح ستار خان سردار ملي) بايد فدا كاري كنيد تا آتبه شما و آتبه اولاد شما تا ميم شود - اين زندگي را بايد نگاهداريد بر احكام حفظ الصحه آن عمل نماييد ميكروبيهاى مخالف را محو و نابود سازيد تا زنده بمانيد - زنده باد ملتي كه براي هميشه زنده داشتن آزادي - زندگي را دوست ميدارد *

فصل چهارم و پنجم - شب چهارشنبه ۱۲ جوزا ۱۲۹۹

قيامهاي سابق چگونه بود ؟ اين قيام از (تجديد) نشئت كرد و خود چيز تازه است - در قديم همينكه انقلاب رخ ميداد بازار بسته ميشد مردم در تالكر افخانه تحصن ميگردند باب مخابرات با تهران باز ميشد و تقاضاي چند بدرت پيشنهاد ميگشت دولت هم با جوابهاي مناسب و عبارات و الفاظ مشعشع وعدهها ميداد دلجوئي ميكرد مردم متفرق ميشدند بازار را باز ميگردند و مشغول دعا گوئي ذات مبارك ميشدند مستبدين هم خود را بميدان انداخته تفرقه بين آزاديخواهان ايجاد ميگردند تا آنها دوباره دنياي مخابرات و انقلاب را بگيرند و به بارزه ما بين خودشان مشغول شوند ولى در اين قيام نقشه و اساس ديگري طرح شده كلييه امور از يك ميجراي واحد جريان ميكنند احساسات در كارها مداخله ندارد *

اعتصاب يعنى چه ؟

مطبوعات تهران كلمه (اعتصاب) را در انقلاب سياسى و اجتماعى اروپا بكار ميبرند - اين كلمه را مطبوعات تهران ايجاد كرده اند اين تظاهرات اجتماعى مهم و پر معني را مانند اثرات يك تحريك عصبى يا عصباني تلقى نمودن غلط است اين يك نقطه نظري است كه فقط در تهران ممكن است واقع شود چندين كرور كارگر

وقتی در تحت يك ديسمیلین مشتركو با آمال متحد قیام میکنند و متشبت بیار ما اقتدایات میشوند نمیتوان گفت که محرك آنها فقط اعصاب آنها است اعصاب آنها در تحت تاثیر آلامی است که بر آنان وارد میگردد ولی در بالای این جهان مادی آنها يك فکر و يك عقل مستقل و مجردی دارند که وضعیات را تجزیه کرده اسباب سفالت «پرولتاریا» و طبقات زحمت کش را کشف نموده و طریق چاره و تدبیر را پیدا میکنند .

ما چندین ماه بود که مقدمات تهیه این قیام را پرورش میدادیم - پس این قیام نتیجه يك (اعتصاب) نیست - تصمیمات این قیام با متانت و آرامی پیش میرود در شته امور در دست (فکر) است فکر ما از مال دشمنان ما عالی تر و قوی تر است (قبل از ورود خروج را باید در نظر گرفت) در قیامهای سابق باین دستور عمل نمیشد و مخالفین ما منتظر همان خبط و خطاهای گذشته هستند که همیشه انقلابیون مرتکب میشدند.

آزادی یعنی چه ؟

آزادی مستوجب این نیست که اشخاص بر حقوق مدنی و بشری دیگری تجاوز کردی ر برضد هیئت اجتماعی مرتکب خیانت و با جنایتی بشوند - آزادی این نیست که مردم مطلق العنان گشته بدون هیچ ملاحظه و قید مرتکب همه نوع اعمال و افعال قبیح و زشت گردند . ما بنظمیه اخطار کردیم که از فواحش جلو گیری نماید بواسطه لاقیدی و وظیفه شناسی حکومت بوده که یکمده زنان گمراه و علیل پیدا شده اند که خطرناکترین امراض تناسلی را در میان مردم انتشار میدهند و نسل آینده را بر نابودی تهدید مینمایند - اینها خطر بزرگی است که شما را تهدید بمرک میکند نسل ملت را فاسد میسازد - ولی حکومتهای شما در مقابل این کارها لاقید بودند ولی حکومت آزادیخواه از هر خطریکه بر جان و ناموس و حقوق ملت وارد شود جلو گیری مینماید - این زنان بیچاره که باین در که سفالت و سفاهت سقوط کرده اند همه قربانیهای سوء اداره دولت هستند اینها تمام دهاتیهای بدبخت ایرانی است که بواسطه قتل و غارتهای دائمی از خانه ولانه خود طرد گردیده در گردابهای چرکین

شهرها غرق فسق و فجور میشوند قاتلین اینها همان زمامداران و متنفذین و همان رؤسای لاقید و بی فکر هستند - وزرو و بال این بد بختان بر گردن کسانی است که مقامات حکومتی را اشغال نموده اوقات خود را در عیش و عشرت میگذرانند ما این نوع فحشاء را منع میکنیم و در اینخصوص کمال سختی هم بخرج میدهیم .

دست ما هرگز نخواهد لرزید خونین ترین عملیات جراحی را با متانت قلب انجام خواهیم داد .

این قیام چه میخواهد ؟

این قیام عواطفی را که مرتجعین خلل دار کرده اند اصلاح خواهد نمود - در جای روح سفالت بندگی - بیچارگی - انحطاط - يك روح سلیم - متین - تندرست و آزاد اقامه خواهد کرد اینست مقصود و مرام ما که محدود نیست در جواب شخصی که از من پرسید بوسیله این قیام چه میخواهید - من گفتم - تصور کنید بکنفر تاجر چه میخواهد - او برای تامین زندگی و زندگانی خودش چه ها میخواهد همینکه امنیت شخصی او را تامین نمودند امنیت خانواده میخواست همینکه امنیت خانه او تامین شد میخواهد دردگان خودش در بازار در محله در شهر در ایالت خودش نیز آسوده و در امن و آسایش باشد - از دستبرد دزدان مصون بماند - از راهزنان محفوظ باشد - برای تامین حسن جریان امور بغیر از پلیس که امنیت شهری او را نگهداری مینماید غیر از سرباز رزاندانم که طرق و شوارع را سیانت میکنند تشکیلات عدلیه میخواهد مؤسسات اقتصادی لازم دارد بلدیه میخواهد قانون میخواهد بالاخره آنچه لازمه حیات يك بشر است میخواهد در يك دائره وسیع تر و عمیق تر و شامل تر از این ما میخواهیم اسباب زندگانی آزاد و مستقل دموکراسی ایران را فراهم بیاوریم

(دست زدنهای شدید)

ما میخواهیم يك رژیم آزاد در مملکت تاسیس نمائیم و مقصود ما آنست آزاد ترین رژیم ها را در مملکت خودمان مستقر بسازیم و در این راه هر روز قدمی فراتر

خواهیم گذاشت. باشخصیکه غیر از این مقصود دارند میگوئیم بروند در این قیام شرکت نکنند قوای ما برای تمبیه دشمنان کافی است ریشه مخالفین را از بیخ و بن خواهیم کند. آزادی مستلزم مساوات است. بهمان دلیل و قانون که یک نفر حمال و یا بقال توقیف و مجازات میشوند. من و امثال من هم باید در صورت ارتکاب تقصیر توقیف و تمبیه شوند هیچ کس در فوق قانون نیست و همه در مقابل قانون مساوی هستند.

نطق چهل و ششم - شب پنجشنبه ۱۳ جوزا ۱۲۹۹

برای امنتقرار رژیم آزادی متحد شوید - اختلافات حزبی را کنار بگذارید

در ایران هنوز قدمی بطرف غایبه آمال برداشته نشده است غایبه آمال بارسیدن به عدالت اجتماعی زمان خودمان است و سپس پیش رفتن تا جائی که زمان مقتضی باشد قبل از همه چیز باید حکومت ثابتی تشکیل دهیم که متکی بر افکار عمومی و تشکیلات ملی باشد. و رژیم مملکت را بطور ثابت و واضح معین نمائیم - پس از استقرار يك رژیم معینی افکار و عقاید در داخل آن دایره آزاد گردیده با اجتهاد بروی همه باز میشود پس از قبول شدن يك رژیم ممکن است نظریات در طرز تطبیق آن مختلف باشد ولی قبل از استقرار رژیم و ثابت شدن آن هر گاه دسته های مختلف با نظریات مخالف یکدیگر بنای زد و خورد بگذارند - دشمنان رژیم از این وضع استفاده کرده بر اقدامات ارتجاعی متوسل و با عاده رژیم استبدادی موفق میشوند چنانکه در ایران ما اینطور شده است در اول انقلاب کلیه آزادیخواهان متحداً گفتند (ما آزادی میخواهیم) آزادی را تحصیل نمودند ولی بر استحكام مبانی آن نپرداختند مثل اینکه مردم بیعت از (مود) های نو ظهور میکنند - آزادیخواهان باحزاب سیاسی اروپا تاسی جستند بدون تدقیق و بدون تفکر در اختیار

و انتخاب يك اسم و عنوان مسلک و مرام آثار هوشیاری و فهم و ادراك بروز ندادند هر روز برنگی جدید در میدان سیاست ظاهر شدند .

سکدسته که دهو کرات بودند فوراً عده برضد آنها (اعتدالی) و (اتفاق ترقی) و (سوسیالیست) شدند بدون اینکه تمیز بدهند باهم چه فرقی دارند و در مرام و اساس امر چه اختلافی هست - بز علیه همدیگر اقدام کردند عوض دفاع از حملات ارتجاع بجان هم افتادند این وضع ننگ آور بود یک نفر بیگانه حق داشت این اوضاع را بانظر استهزاء و سبکی تماشا کند - هنوز اساسی در میان نبود تفرقه های بی مأخذ آزاد بخوانان را دسته دسته برضد همدیگر تجریک می نمود .

در يك مملکتی که هنوز گرفتار چنگال خونین ملوک الطوائفی بود و در تحت تاریکترین رژیم استبدادی زیست میکرد قبل از اقدام بتاسیس يك اداره ثابت و مستحکم آزادی ، آزادیخواهان مشغول منازعات نظری بودند و توطئه ارتجاع با کمال هوشیاری از این رویه (دوستان نادان) آزادی استفاده ها میکرد

بر ضد زمانه راه رفتن غلط است

باید زمانه مارا به هر کجا که لازم است برویم هدایت کند چنانکه زمانه ملت ها را سوق میکند و میروند - نباید بزمان خودمان عاق شویم رژیمی که زمانه تقاضا مینماید باید در مملکت تاسیس یابد از حوادث طبیعی نمیتوان جلو گیری نمود در زیر شعاع گرم آفتاب و در سینه خاک حاصل خیز درخت میروید گل و میوه میدهد مانیز باید در تحت تاثیر زمان آزادی و مساوات پرست خودمان بال و پر باز کنیم و باآمال خود موفق شویم .

رژیم ایران چیست ؟ : هنوز رژیم ایران بر ما معلوم نیست حکومت ایران مستبد نیست - مشروطه هم نیست - جمهوری هم که نیست ملت هرگز از امور حکومتی خبری ندارد - پس اول باید رژیم این مملکت را معین کنیم - آذر بایجان میخواهد بایک چیدای واحد رژیم مملکت را تعیین و اعلام نماید عملیات و اقدامات ماناشی از همین نظر است « دست زدنهای شدند - صداهای زنده باد آذر بایجان »

از آنجائیکه تا حال در ایران بملت اهمیت نداده اند ملت میخواهد یک حکومتی تاسیس نماید که اختیارات آن بالاستقلال در دست خود ملت باشد رژیم این حکومت همان خواهد بود که زمان تقاضا نماید قبل از استقرار و ثابت شدن این رژیم تفرق آزادی خواهان غلط است در سراسر مملکت ایران باید یک صدای واحد شنیده شود - یک رای واحد باید کلیه آزادی خواهان این مملکت را بر یکدیگر مربوط سازد از همین لحاظ ماصدای مخالفین را که بلند شود محو و نابود خواهیم کرد - هر که بنام آزادی بر این دستور و عمل مالی را بگریزد ما قبول داریم بگذارید ایرادی که بر بالشویکها وارد می شود - بر مانیز وارد شود (دست زدنهای شدید)

تا امروز ما دموکراتها با خارجی هم دست نشده ایم ولی مخالفین ما در هر موقعی با بیگانگان ساخته و بر ضد ما اتفاق بسته اند .

هنوز « سلیمان میرزای » مادر حبس انگلیسیهاست (۱) دموکراتها فقط اتکاء به آزادی پرستی و صمیمیت خود دارند .

ما در عمر سیاسی خودمان فقط یک دفعه با بیگانگان متحدانیم و این در وقتی بود که « قمبروف » ها در تبریز بودند و سالدانهای بلشویک را در تحت فرماندهی خود داشتند ما با آن افواج بلشویکی که آزادی و استقلال ایران را مانند استعمار آزادی مملکت خودشان محترم شمردند و معاهده « ۱۹۰۷ » را پاره کردند بدون محذور همراه شدیم و بهمراهی آنها بر سر قبور شهدای آزادی ایران رفته اجرای

« ۱ » سلیمان میرزا از رهمای حزب دموکرات ایران بود و از نمایندگان صریح اللهی مجلس شورای ملی بشمار میرفت - در اثر حوادث جنگ بین المللی و سیاست های مختلف گرفتار و بهندوستان تبعید شده بود - در دوره چهارم که حزب دموکرات در حال تفرقه بود حزب اجتماعون « سومیلیست » را در ایران تشکیل داد - و در کابینه سردار سپه وزیر - ک بود - و در ابتدا با سیاست رضا خان سردار سپه روی موافقت نشان می داد و بعد ها خان نشین گردید - و بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و برچیده شدن بساط دیکتاتوری حزب « توده ایران » را تاسیس نمود و در بهمن ماه ۱۳۲۲ در اثر مرض طولانی فوت کرد . نامبرده از آزادیخواهان معروف ایران بوده است .

جشن و آئین نمودیم (۱)

خصومت و دشمنی ما با استبداد و جهانگیری (نیکولایا) است و الادموکرات های تمام عالم را از هر ملت باشند ما برادران خود میدانیم و هر گاه قدمی بایک نیت پاک و صمیمی بطرف ما بردارند ما ده قدم جلو تر رفته آنها را با کمال خوشی و امتنان استقبال مینمائیم باز میگویم ما در ایران یک رژیم ثابت می خواهیم رژیمی که مطابق با زمان باشد و کلیه آزادیخواهان باید در این عقیده و مرام متحد و متفق باشند با مخالفت هر گز مدارا نخواهیم کرد با نهایت سختی مجادله خواهیم کرد و مخالفین را قطعا محو خواهیم ساخت . (دست زدنهای شدید)

ما همیشه در پیش و در جلو بوده ایم و هر گز ما را در عقب ندیده اند آزادیخواهان ایرانی هر اندازه مترقی و تندرو باشند باز در صورت اتحاد با ما بیکدر چه مترقی تر و تندتر نایل شده رژیم آزادی بر قرار خواهد شد - پس از استقرار رژیم آزادی خواهیم دید چه عقاید مختلفی در میان آزادیخواهان وجود دارد و مخالفین ما امروز منتظرند که یک قوه خارجی بیاید با ما طرف شود تا بود این مخالفین خیانت پیشه که بر پشه آزادی تپشه میزنند (صداهای مرده باد) مخالفین این آرزوی خود را بگور خواهند برد و آنها نخواهند توانست نیت فاسد خودشان را از قوه بالفعل بیاورند و هر گاه بتوانند فعالیت ما را زمانی دچار توقف و تعطیل نمایند بالاخره در مقابل افکار آزادیخواهان و تجدید خواهی ما پریشان و منهزم خواهند شد ما مصمم هستیم راه خود را راست و مستقیم برویم و هر که با قصد مخالفت در پیش ما نمایان شود او را سر کوب نموده بکنزیم .

« ۱ » در سال ۱۹۱۷ میلادی « ۱۳۳۵ قمری » که انقلاب روسیه شروع شد و رژیم تزاری سرنگون گردید - سلطنت امپراتوری نیکولا برچیده شده اصول آزادی در آن کشور اعلام گردید سپاهیان روس که در آذربایجان بودند تحت فرماندهی « قمبروف » با همراهی دموکراتهای تبریز نایشهای آزادیخواهان داده با بیرقهای سرخ و گلبهای زیاد سر قبور شهدای راه آزادی رفتند گلها تار کردند نطق ها نمودند و علاقه مندانند مطالبی که چند سال قبل از طرف دولت تزاری با آزادیخواهان ایران رسیده مربوط به سپاهیان و توده روس نبوده بلکه مسئول آن فجایع دربار امپراطوری و عمال استبدادی تزار بودند - اشاره خیابانی در این نطق به آن روز است .

تذیحات شرط مهم موفقیت است

این قیام را که ما شروع کرده ایم ممکن نیست با سهولت انجام بگیرد حتماً يك سلسله اشکالاتی پیش خواهد آمد که ما باید آنها را منتظر باشیم نباید موفقیت سهول و ساده ما را مشتبه کند باید شجاعتی که توام و همراه با متانت و استقامت باشد بکار ببریم تا موفقیت خود را تکمیل کنیم زیرا شجاعت يك شرط موفقیت است قبل از اتخاذ هر تصمیم باید فکر کنیم همیشه تصمیم گرفتن اجرای آن حتمی و قطعی است هیچ حادثه نمیتواند ما را از تصمیم خود منصرف سازد از حوادث روز پنجشنبه که منجر بانتهای مسیو (وسترو) قونسول آلمان گردید متأسف هستیم ولی میخواهم مردم بفهمند اولین شعار ما دموکراتها اجتناب از آلت شدن در دست بیگانگان است و بس (دست زندهای شدید) ما هرگز برضد این شعار رفتار نکرده و راهی نمیریم که بر خلاف صلاح دموکراسی ایران و بر خلاف مصلحت آزادی و استقلال ایران باشد (دست زندهای شدید)

در وسط يك شهر بزرگ مقدار مهمی قورخانه و توپ و تفنگ و غیره نمودن مخالف کلیه قوانین بین المللی است مگر اینکه آن شهر بزرگ مال و ملک صاحب آن قورخانه باشد و قتیکه خازن این قورخانه يك آتش آشوب در وسط آن شهر بر افروزد و قتیکه در سر راه يك دموکراسی که میخواهد با وسایط و وسایل خودش در طریق آزادی و استقلال قدمی بردارد خازن این قورخانه بخواهد يك خار ممانعت واقع شود - هیچ شك و شبهه نیست که نظمی آن شهر برای خاموش ساختن آن آتش اقدام خواهد کرد و آن خار نیش دارد زبریای دموکراسی سر کوب خواهد شد • (دست زندهای شدید)

دموکرتهای برضد يك دولتی قیام کرده اند که گویا پای خود را در يك زمین

نابنی استوار نکرده بایش گرمی های مجهول و معلوم میخواهند در سراسر ایران يك رژیم علنی ارتجاع و استبداد تاسیس کنند •

تصور اینکه همان دموکراتها اجازه خواهند داد يك مشت اشخاص نادان بکده اجانب و اوباش را مسلح کرده قوای دموکراسی را از محل و مقصد فعالیت خود منحرف سازند منتهای ساده لوحی است (۱)

«۱» از وقایع و حوادث مهم دوره قیام قضیه قونسولگری آلمان در تبریز بود که خیابانی آنرا با مهارت سیاسی خانم داد و از شورش و انقلاب جلوگیری نمود - مسیو «وسترو» قونسول آلمان در تبریز مقدار زیادی مهمات و قورخانه توپ و تفنگ و مسلسل در قونسولخانه تهیه و ذخیره نموده بود همینکه قیام خیابانی شروع می شود یکی دو ماه بعد مخالفین قیام با وسایل مختلفه قونسول آلمان را با نظریه خود همراه مینمایند و بخیال استفاده از اسلحه و مهمات موجوده آنها بر علیه قیام عده از سران مخالفین به قونسولگری آمد و رفت میکنند این رویه مورد سوء ظن هیئت مدیره قیام واقع شده دستور میدهند که قونسولگری را تحت ترصد و مراقبت قرار دهند در این موقع عده از مخالفین در قونسولگری تعصن اختیار می نمایند از طرف نظریه قونسولخانه محاصره میشود که در مواقع خارج شدن آن اشخاص مظنون توقیف شوند، نمایندگانت مخصوص از طرف هیئت مدیره قونسولگری فرستاده شد و نظر دقت مسیو «وسترو» را بوخامت این حمایت ایشان از یکمده ماجراجو و آشوب طلب جلب و او را متذکر می شوند که افکار عامه از این قضایا مضطرب است ولی قونسول آلمان بعنوان اینکه تعصنین تحت حمایت اوستند از تسلیم آنها خود داری می کند و علاوه بطور عصانیت اخطار می نماید در صورتی که ماموریت از حوالی قونسولخانه برداشته نشود بآنها شلیک خواهد کرد متعصنین در قونسولگری مشغول چاپ کردن بیانه برضد قیام بودند و این لوایح را در شهر انتشار می دادند و موجبات تشویش اذهان را فراهم می آوردند •

اداره نظمی تدابیر احتیاطی اتخاذ نموده عده زیادی مامور در نقاط لازمه شهر مخصوصاً در حوالی قونسولخانه تعیین می نماید روز پنجشنبه ۱۲ جوزا ۱۲۹۹ صبح مسیو وسترو و نامه بداره نظمی فرستاده و در آن اشعار می دارد چنانکه تا ساعت ۱۲ مامورین و آژانهای نظمی از حوالی قونسولگری برداشته نشود دچار شلیک خواهند شد در این موقع تذکره احتیاط مسیو وسترو از تبریز و مسافرت او بآلمان از تهران صادر و همان روز توسط کارگذاری با ایشان تسلیم می شود نامبرده عصبانی میشود فوراً از اطاق خود خارج گردیده بلافاصله امر بشلیک مسلسل توپ و تفنگ بطرف شهر می دهد صدای شلیک

حکومت یعنی چه ؟

در مملکت ما یکمده اشخاص حکومت را بشکل خصوصی تلقی می نمایند در نظر آنان حکومت عبارت از یک نفر وزیری است که درمسند وزارت نشسته او امر واحکام خود را بدون کم و کیف جریان می دهد باید این طرز تلقی را با همان روحی که باعث این طرز تلقی می باشد محو کنیم در اول تشکیل و تاسیس هر حکومتی کشمکشهای بسیاری بعمل می آید بعد طرف غالب خود را مستقر و محکم کرده بر تشکیلات حکومتی آغاز مینماید و آنوقت امر عمومی یک جریان منظم و طبیعی پیدا میکنند در ایران حکومت و حاکمیت عوام (توده) دیده نشده است ، فقط این قدر بوده که ملت تازه انقلاباتی کرد سپس وزراء پرسیدند تقاضای شما چیست ملت هم با کمال تضرع بدولت عرایض خود را اظهار داشت و فریب و عده ها و وعید های وزراء را خورده سنگهای انقلابی و تمرد را از دامن خود فروریخته است .

ولی قیام برای اینست که دیگر ملت اظهار ذلت نکند و دچار کشمکش نگردد ملت مستقیماً وزرا و حکام را عزل و نصب نماید (دست زدنهای پر حرارت) قیام برای اینست که والی ایالت ، رر سالی عدلیه ، مالیه ، نظمی و سایر ادارات همه بدون استثناء نماینده اداره ملت و خادم منافع او باشند (دست زدنهای شدید) فعلاً ادارات شهر باید اوامر این مرکز قیام را پیروی نماید هر رئیس اداره که اشکال تراشی نماید و بگوید بگذارید (از وزارت متبوعه تحصیل اجازه و کسب تکلیف نمایم) خائن و مخالف است . ما ادارات را تابع اراده ملت میدانیم هر که منتظر دستور دیگران باشد با ما مخالف است ما دو ماه است در کشمکش هستیم و گفتگو داریم ولی هرگز خسته

بقیه از صفحه ۱۰۳ وحشت غربی در شهر ایجاد می نماید پس از مدت کمی سکوت حکم فرما می شود بعد از ظهر نامه از طرف قونسولگری آلمان باداره نظمی می رسد و فوت مسب و ستر ورا در اثر کلوله های مجهول اطلاع می دهد اداره نظمی فوراً بنای تحقیق را گذاشته همین از اطباء مشهور شهر برای معاینه و تحقیقات به قونسولگری اعزام می دارد در نتیجه هیئت نامبرده چنین رای می دهند که مسب و ستر و در اثر عصبانی بودن انتحار نموده است اشاره در نطق ۴۲ باین موضوع است .

نخواهیم شد بد قوه و زور - کارها را از پیش خواهیم برد و مردم را تا کنون در موضوع حکومت با یک وضعیتی مانوس کرده اند هر گاه ما امروز بر داریم بنک نفر شخص عالم و قابل و زجل ملی را حاکم این ایالت قرار دهیم یک دسته مردم دچار حیرت و تعجب خواهند شد ولی عملاً می بینید که ایلات امروز باین مرکز ملی اطاعت می نمایند ولی حکومت های سابق شما آن ها را طاعی و باغی می نامیدند عیال و اولاد بیچاره آنها را هدف تیر های توپ و متریوز و مسلسل قرار میدادند .

دمو کراسی ایران چه شهری چه دهاتی چه ایلات و عشایر همه از ظلم و ستم خائنین که خود را باسم حکومت بر ملت تحمیل کرده اند بستوه آمده اند ربمی از جان دمو کراسی باقیمانده نزدیک است در تحت فشار این مرتجعین بیگانه پرست بکلی از بین برود - امروز بار سنگین استبداد بر دوش هر یک از اصناف و طبقات این ملت وارد آمده است آلام و مصائب آن ها را بمراتب شدید تر نموده است قیام ما میخواهد دمو کراسی ایران را از این غذاب و شکنجه خونین نجات دهد (دست زدنهای شدید) .

ما با عجله کار نمیکنیم - نمیخواهیم داخله و خارجه را بسرعت و فوریت عملیات خودمان دچار تعجب و اضطراب سازیم نمیخواهیم با تدریج بحاکمیت ملت مانوس گشته و وحشت نکنند تمام ما مورین حکومت و عین الدوله رئیس ایشان در تحت نفوذ و تاثیر زور و قدرت ملی قرار گرفته ملت مستقلاً در امور ملی مداخله خواهد کرد - این قیام بادست کسانی اداره میشود که گرفتار بدترین و ظالمترین شکنجه های استبداد گشته اند فعال ترین عناصر این قیام اشخاصی هستند که دچار انواع تعدیات و تجاوز مستبدین گردیده اند - امروز در اداره حکومت لیاقت خودشان را اثبات میدارند و این افضیت که برقرار داشته اند میرساند که ملت بهترین مستعدان ایجاد نظم و حکومت را دارا میباشد - امروز اصلاح ادارات شروع شده - رؤسای ادارات و حکام ولایات به پیر داده میشود .

طوایف شاهسون عرض تبعیت نموده‌اند راهها امن شده است بالاخره سراسر آذربایجان را امن خواهیم کرد.

تا کنون حکومت خودش در میان این طوایف تخم نفاق و فساد می‌پاشید شاهسون را مجبور می‌کرد که شرارت بکند - ایلات ما وطن پرست تر هستند و ایمان دارند آنان هم اولاد این مملکت هستند می‌خواهند آزاد باشند بشهرها بیایند برای اولاد خود مدرسه داشته باشند از حیات و زندگی جدید و آزادی و آسودگی بهره بردارند - و از حیات بدوی دست بکشند ولی حکومت تا امروز مانع این امر بود این بیچارگان را حبس و زنجیر می‌کردند - و از آنان پول می‌گرفتند - هر گاه این طوایف حکومت عادل و ثابت در مملکت ببینند بدون ترسید تابع آن حکومت می‌شوند ما می‌خواهیم بمردم این مملکت بفهمانیم که حکومت یعنی چه ؟

حاکمیت ملت افسانه نیست - وزیر - حاکم نباید فلای الدوله و فلان السلطنه باشد ملت بهتر از آنها راه و رسم حکومت کردن را بلد است تا روزیکه این نتیجه به دست آید این قیام ادامه خواهد داشت .

نطق چهل و نهم - شب دوشنبه ۱۷ جوزا ۱۳۴۹

بمناسبت لیله نوزدهم رمضان و شب اجیا مرحوم خیابانی یکی از سخنان علی بن ابیطالب را موضوع نطق خود قرار داد: حضرت علی میفرماید قومی که در استرداد حق خود اقدام نکند و هجوم نماید وقایع بدفاع باشد ذلیل میشود هر قوم باید برضد کسانی که حقوق او را غصب نموده‌اند همیشه در حال قیام و اعتراض باشد و مبارزه و مجادله نماید - ملت حق خود را باید بستاند نه این که منتظر باشد دیگران ترحم کرده حقوق سیاسی و اجتماعی او را محترم خواهند شمرد - سمدانی که از جنگ بر ایالت آذربایجان وارد آمده این ایلات را محتاج مساعدت‌های بیشتری کرده است دولت باید در این خصوص اقدام نماید و ما باید این موضوع را جداً

مطالعه نمائیم ما نه فقط نخواهیم گذاشت دارائی مان را از دستمان بریایند بلکه پس از تشخیص و تحقیق احتیاجات خودمان از هر جایی ممکن باشد بر تحصیل آنها اقدام خواهیم کرد.

نطق پنجاهم - شب سه شنبه ۲۸ جوزا ۹۹

(قوای طبیعی و اجتماعی)

چنانکه یکمده قوای طبیعی در عالم مشغول فعالیت هستند و آثار آنها هر روز در حوادث طبیعی ظاهر میشود همچنین در عالم بشریت نیز یکمده قوای طبیعی موجود میباشد این قوای طبیعی انسانی دشمن انسان هستند چنانکه واسطه علم و معرفت رام کردن و تحت اطاعت آوردن قوای طبیعی امکان پذیر شده است با وسایل اخلاقی مخصوص هم میتوان قوای بشری را در تحت یکک نظم و انضباط قرارداد - در اجتماعات هم طبعاً پاره قوا در جریان است - غضب و جدت و شدت مانند تندبادی در حال وزیدن است هر گاه بخوایم حایلی در برابر آن باد ایجاد نموده قوای آنرا موافق احتیاج و منفعت خودمان بکار بریم البته خواهیم توانست کشتی خود را بساحل نجات برسانیم و الا دچار طوفان شده غرق و نابود خواهیم شده

در جماعت آراء و عقاید مختلف و متفاوت است باید میانه همه اینها را تالیف نموده یک مجرای مشترک و یک قاعده عمومی برای همه آنها تهیه دید - باید سلب اختیار از افراد نمود باید اشتها و تمایل جماعت را در تحت یک دیسیپلین مرتب و منظم ساخت زیرا اگر قوای نفسانی را سر خود و مطلق العنان بگذاریم بیشتر از قوای قاهره طبیعت ضرر و خسارت وارد می‌آورد - پس هر که بخواند افکار و عقاید و امیال شخصی خود را در این قیام عمومی دخالت دهد ضرری بر مقصود و مرام مشترک آزادی خواهان برساند موآخذه و تشبیه خواهد شد حرفهای ما در شهرهای عمده مملکت شنیده نمی‌شود ولی صدای ما دیر بآن جاها میرسد - در تهران کم کم دارند می‌فهمند که ما چه می‌گوییم و سخنان ما در آنجا تأثیر

- میبخشد. ما اطلاع از اوضاع تهران داریم. باید شهر ایرانی بدانند شاه - وزیر و هر کس که دیگر با تبعید شدگان تیریز برآورده و مرابطه حاصل کند دشمن ما خواهد بود. ضدیت با ما هر گاه سی سال بعد هم باشد روزی نتیجه خود را داده. چاره نازایان تنبیه و مجازات آزادی خواهان خواهد شد. هرگز خدایت ما و توطئه هلاک بیخالفها فراموش نخواهد شد و حتماً نتایج وخیمه این مداخله روزی با احباب آن ها عاید خواهد گشت.

نطق پنجاه و یکم - شب چهارشنبه ۱۹ جوزا ۱۲۹۹

دین همیشه و در همه جا تابع سیاست است.

مناسبت شب ۲۱ رمضان و ليلة احیاء هر حرم. خیالاتی دو موضوع حقیقت خدین صحبت کردند و فرمودند (دین همیشه و در همه جا تابع سیاست است) و در تحت نفوذ و حاکمیت آن میتواند بر قریب نماید امشب در کشور ما شب مقدم بر محترمی است و لهذا می خواهم از حرف های حضرت علی بن ابیطالب موضوع نطق بخود قرار دهم. این امام بزرگ بیک کلام بزرگ دارد میفرماید (هر که عاقبت خداوند پیش باشد ترسو می شود) تهور فضیلت نیست شخص شجاع بیخود خویشتن را بزرگ نمی داند نباید ترسید و نباید مقابل هیچ خطری هر قدر هم بی اهمیت باشد لایقیدی فشار داد این قیام با شجاعت بر باشد و تهور و بخرع نخواهد داد با ملاحظه و تدبیر کار کند خواهد کرد تا امور تیریز را بکلی تهییه نکرده ایم بکارهای دیگر نخواهیم پرداخت شجاعت داریم نمی ترسیم و بر تکلیف امر روزی خودمان عمل می نمایم ظلم است که تولید خوف و هراس میکنند - ظالم همیشه ترسو است فقط اینکه انسان بگوید ترسو نمی ترسم کافی نیست باید بر اعمال و افعال خود مواظبت نماید و نباید بر تکلیف عمل کند که باعث اندیشه و اضطراب باشد.

ما عدالت و مساوات را تطبیق خواهیم کرد و هیچکس نخواهد توانست عملیات ما را تحمل بر غرض نموده و بگیرد و هکدر شود. هادو طرف این دو مانع از

نکرده ایم. بکن هائی که توقیف کرده ایم قبلاً خامت اعمال آن ها را بر خودشان متفکر شده ایم و ولی مؤثر نیفتاده و بر توقیف آن ها اقدام کرده ایم در عین حال در محبت احترام آن ها را محفوظ می داریم - بدر فقاژی با مردم همیشه علیاً عتیم موفقیت بوده است کسی که خیانت نکرده فقط بنام انسانیت و حقیقت در راه استقرار آزادی و عدالت مجاهدت می کند از هیچکس نمی ترسد و محبوب همه مردم است.

بنابر این هر کس بنام این قیام و بنام (حزب دموکرات) بکسی ادنی تعدی و تجاوز نماید بشدید ترین طرزی مجازات خواهد شد - اعمال آزادی خواهان نباید ترس مشق دیگران باشد برای موفقیت خودمان از اتخاذ این طرز حرکت مجبوریم.

نطق پنجاه و دوم - شب پنجشنبه ۲۰ جوزا

باید ایران را آزاد کنیم

ما عقیده داریم بهر قسمی تمام شود باید ایران را آزاد کنیم این دوره سوم راین دوره ابدار و فلاکت را که یادگار اناکهاست پایان دهیم باید بطرفی رهسپار شویم که روزگار ما و بانظر طرف سوق می دهد تا امروز ما معلومات انتخاب کرده بدخیره و حفظ آن کوشیده ایم ولی شخص دانشمند بیش از جمع و ذخیره معلومات به تفریق و تمیز آن اهمیت میدهد - مثلاً یک کتابی را بدست خود گرفته هر چه بد نوی آن کتاب یوده پذیرفته ایم بدون آن که بفهمیم نوشته این کتاب صحیح است یا سقیم - خویشتن یا بد ولی بهتر اینست که در میان چندین عقیده آن را که بهتر و باصرفه تر و علمی تر است پیدا کرده و بر وفق آن عمل نماییم مادر تعیین سیاست و تاکتیک خودمان همین دستور را اتخاذ کرده ایم باید ترقی کردن را بر خود واجب شماریم هر ملتی که ترقی را بانظرهای لایقند و به ملاقه کی ملاحظه نماید دچار فلاکت و خواهد شد - ترقی نکردن مردن است.

هر ملتی که در طریق ترقی طی مراحل نموده در حال توقیف بماند - روز بروز از سایر ملل عقبتر افتاده بالاخره بکلی از شرایط زندگی محروم می گردد - مملکت يك چنان ملتی را ملل بیدار و موقر می براند و آزادی را از او سلب می نمایند - منافع اقتصادی و ثروتی او را غصب می کنند او را میفروشند چهار همه گونه ذلت و سفالت می سازند اینگونه ملت ها همیشه در زیر فشار بیگانگان و در زیر زنجیر اسارت آن هارست می نمایند - آنانکه شما را میکشند باید بمیرند آنانکه شما را بمرك سستی به درویشی هدایت کرده اند باید محو شوند

(دست زندهای پر حرارت)

ملت باید بیدار - حساس - زنده باشد ملت باید بداند زندگی یعنی چه ؟ هر که در خیال ترقی نباشد باید بمیرد تنبل ها و تن پرورها یا باید از هیئت اجتماعیه اخراج و طرد شوند یا باید مجبور بکار کردن باشند نه تند باید راه رفت و نه از همگنان عقب نماند نه بقدری باید عجله کرد که قبل از وقت خسته و فرسوده شد و نه بعدی گندی بخرج داد که پس از مدتها زحمت بردن هنوز بمقصد نرسیده باشد مادر ظرف چهارده سال هیچ راه نرفته ایم طریق راه رفتن را ندانستیم - دو ماه است که بطرف مقصود یعنی حاکمیت ملی راه میرویم - هنوز هم تهران حالی نشده است که تبریز چه میخواستند راهها و عقیده های مختلف اظهار میدارند یکی بما میگوید (بتر کستان میروید) دومی جواب او را میدهد و بر او اعتراض میکند در خارج چه نیز این قیام تلقیات گوناگون میشود که اغلب دور از حقیقت است هیچ کس از ماهیت حقیقی قیام تبریز مسبوق و مستحضر نیست ولی بالاخره مسئله کشف خواهد شد آنوقت دیگر مغالطه و سوء تفهیم و تفاهم نخواهد بود - دو ماه است قیام نموده ایم نه تند و نه کند راه میرویم ولی متوقف هم نیستیم همه روزه با قدمهای متین بطرف منظور خود میرویم - نظر بکسی هم نداریم -

ما هنوز از طرف مرجمین و محافظه کاران توطئه کشف نکرده ایم ولی آنکه پیشتر ما را مشغول میدارد - این آزادیخواهان دروغی و مشروطه طلبان قلابی است -

از اول انقلاب تا امروز اینها سدرام ترقی بوده اند چون ما بی باین نکته برده ایم بعد از این اجازه نخواهیم داد این عناصر مضر خار راه آزادی باشند دموکراتها پیش خواهند رفت زیرا اولین عناصر آزادی خواه تجدید پرست و فداکار ایران هستند -
«دست زندهای شدید»

شمس حقیقت و حریت در ناصیه پاک دهو کراتها درخشان است هر که بر ضدیت این عناصر اقدام و جسارت کند محو خواهد شد - مقاومت خواهیم کرد تا بالاخره ایران را نایل رژیم خواهیم ساخت که مطابق مقتضیات زمان باشد - رفقا و هم مسلکان من - ما باید از استراحت شخصی و خانوادگی خود چشم پوشیم در موقعیکه منافع عالیه نوعی و ملی در میان است منافع خصوصی باید خفه شود هنوز اصلاحی مردم درست اصلاح نشده است هر که جزئی مخالفتی با قیام نشان بدهد خائن شمرده شده و بسختی هوا خنده و تنبیه خواهد شد - ما باید با کمال جدیت و تحمل زحمت خدمت کنیم - و نباید منتظر يك پاداش فوری باشیم پاداش عمومی پاداش همه خادمین است - روز کار با آنها که عقب میروند مدارا نمیکند و آنان را محکوم بمرك مینماید -

نطاق پنجاه و سوم - شب جمعه ۲۱ جوزا ۱۲۹۹

غیرت و غرور ملی داشته باشید

یکی از تکالیف بزرگ ما اصلاح و تنظیم هیئت اجتماعیه است - و این مسلم میباشد بهر يك از افراد يك جمعیت منفرد يك توهینی وارد شود ابدأ تحمل نمیکند یا توهین کنند مبارزه و زدو خورد مینمایند - او را بر خط عمل خود متوجه میسازند ولی باید دید همین افراد هر گاه ملاحظه و مشاهده کنند که از طرف عده بر نوع و جمعیت و هیئت اجتماعی آنها اهانت میشود باندازه توهین بر شخص خودشان متاثر میشوند یانه - همه شما ایرانی هستید و این مملکت متعلق بشما و شما منسوب بیک فرقه هستید - وقتیکه توهین بر ایرانیت - بر مملکت بر فرقه - بر نوع بشر میشود

بهمان اندازه که بر شخصیت خودتان علاقه دارید از این توهمین متاثر میشوید
 انبیا باید از اهانت وارده بر شخص خود چندین متاثر نشود ولی يك توهیني که
 بر ملت - فرقه جمعیت او وارد میشود - عصبانی شده توهین کنند را بر جزای عمل خود
 برساند اینست معنی ملت زنده - در آغوش يك جمعیت زیست کردن نعمت گرانهاست
 فرض کنید در يك شهر خیابان - قصاب - خیاط - نجار - آهنگر و غیره یکدفعه از بین
 بروند در اینصورت زندگی عوامی مختل خواهد شد پس بکفر دمکن نیست بگوید
 من علاقه بجامعه ندارم - بکفر دیعلاقه از حیوان هم کمتر است باید اتحاد کنیم و
 همصدا باشیم هر گاه بر یکو جب خاک ایران تعرض و تجاوز شود همه متحداً بفریاد
 آییم هر گاه بکفر ایرانی در يك گوشه ایران دچار تبعیدی شده همه باید قیام کنیم
 و در مقام دفاع از حقوق او برآئیم ما را آنقدر بیجس و بی غیرت تصور کرده اند که
 یکبفر وزیر بیگانه توانسته است بگوید (من استقلال ایران را با استخوانهای يك
 سرباز خودمان عوض نمیکنم) ما هیچ عار نداریم - غیرت نداریم - خودمان را ایرانی
 معرفی میکنیم ولی ابداً حس ملیت و رک غیرت در خود احساس نمیکنیم - انبیا
 باید شرافت داشته باشد - با گریه وزاری و فریاد و فغان چاره درد نمیشود بقانون
 آکل و ما کول را در نظر بگیرد برحق دارند آنها تیکه زورمند هستند باید ضعیفها
 را بخورند ضعیف نباشد تا خورده نشود - تفرقه و دسته بندی ضعف میآورد ضعیف
 ها باید متحد شوند قانونی ایجاد کنند - شما يك لقمه خاکی دار باشد هیچ گلو نتواند شما
 را فرو برد (دست زدهای شدید)

آیا میدانید این بشرها که خود را ایرانی معرفی میکنند چه کارهایی بر ضد
 ایرانیان مرتکب شده اند بیکانگان ساخته آنها را وارد مملکت ایران کرده چه پست
 فطرتی بخرچ داده اند - ولی جهلی و نادانی عادت و تمایل افکار و حیات شما را غلط
 بلر آورده از این کارها متاثر نشده اید يك کار عادی فرض کرده اید باید اصلاح شوید -
 آن علماسوء و آن غلامها که هنوز از تعلیم و تربیت اطفال ملت حماقت بعمل میآورند
 باعث بدبختی و نکبت شما شده اند از گذشته نباید مایوس شد هر فکر فرها باشید

« ویکتور هوگو » دانشمند معروف میگوید (امروز مال پادشاهانست فردا مال ملتها)
 نوامید نشوید - نخواهید و الا روزگار با تا زمانه بیرحم شمارا بیدار خواهد کرد -
 زمان با تجدد و آزادی همراه است - روزگار پادشاهان طی میشود و روزهای خوش
 حکومت دموکراسی شروع میشود *

نطق بجاه چهارم . شب شنبه ۲۴ جوزا ۱۲۹۹

زیانهای نفاق

عوام تابع تلقینات است و هر گاه مدیران او قابل و صاحب حسن نیت باشند ممکن
 است نتایج حسنه از عوام گرفت باید موفق بر این شد که در اعماق وجود عوام يك
 شعور و يك وجدان صمیمی و يك حس معرفت بر نفس بیدار شود باید موفق شد که
 عوام دارای يك غایه و فکری شده و بجانب آن غایه خود قدمهایی بردارد البته ملتفت
 شده اید که در طرز وقوع حوادث پاره اختلافات عمیق موجود است این قضاوتها
 در حله اولی شاید بنظر انسان نرسد - ولی از تفکر و تأمل میتوان بحقیقت آن
 پی برد - مثلاً يك پر مرغ مادامیکه بر جسم مرغی مربوط بوده از منابع حیاتی
 آن جسم غذا میخورد و با حرکت عضلات آن متحرک میشود دارای يك اراده و يك
 وجدان خاصی است که خادم منافع همان مرغ است همین پر مرغ را ممکن است بيك چوب
 پنبه وصل کرده باز بچه برای اطفال درست کنند یا بيك تیر آهنین ضمیمه کرده بيك آلت
 قتاله برای صیاد درست کنند در هر صورت این پر باز در هوای مجرد قطع مراحل
 و مسافتات میکند ولی دیگر دارای اراده ذاتی و هیچ وجدان و حس معرفت بر نفس
 خود نیست صیادان اغلب این پرها را وسیله صید مرغان آزاد مینمایند و آنها را در
 اوج هوا مضروب و مقتول می کنند مرغ ناچار است بزبان حال بگوید (ازماست که
 برماست) - ای آزادی خواهان نگذارید بال و پر شمارا کنده به تیری وصل کنند که
 فردا بجانب خود شما برتاب کرده حساس ترین نقطه قلب شما را هدف قرار دهند
 ورشته یگانگی شمارا قطع نمایند - مخالفین ملت بواسطه تولید نفاق و تفرقه میخواهند

بال و پر ملت را کهنه اورا از طیران و پرواز آزادی باز دارند ملت باید هوشیار باشد باغفال آنها تن در ندهد تا کنون ملت قیام میکرد و همینکه بال و پر باز می نمود بجای اینک که خود ملت بمقصد خود برسد بکعبه شیادان طفیلی سوار آن بال و پر شده بازوی خود نایل میآمدند ایندفعه باید شهبال ملت باعث ترقی و ارتقاء خود ملت باشد یعنی ملت بمالکیت جقیقی خود نایل آید از رئیس الوزرا گرفته تا سیور بلدید بایندهمه خود را نو کر و مستخدم ملت بداند - «دست زندهای شدید»

خیانت کاران که از ادارات اخراج و از شهر تبعید میشوند در تهران مصدر خدمات و ماموریتهایی میکردند تهران از مرد و دین تبریز پذیرائی خوب میکند و بسبب خیانتی که مرتکب شوند در تهران دارای مقام و ترفیع مرتبه میشوند و این دلیل است که تهران مرکز فساد و حامی خیانتکاران است مادامیکه (مکرم الملك) ها پس از طرد از تبریز در تهران با سمت رسمی دولتی استخدام میشوند ما نمی توانیم باین دولت خوش بین باشیم با هیئت دولتی که اعتماد خود را نسبت بمرد و دین تبریز اظهار میدارد ما نمی توانیم روابط و مناسبات برقرار سازیم (دست زندهای شدید)

دمو کرات بودن حا کمیت دمو کراسی را قبول کردن است هر کس بخواهد بال و پر ما را بکشد و اتحاد ما را مبدل بنفاق و تفرقه نماید مانع خواهیم شد و هرگاه فضولی کند مجو خواهیم نمود .

نطق پنجاه و پنجم - شب دوشنبه ۲۴ جوزا ۱۳۹۹

ملتی که استقلال ندارد عزت و شرافت ندارد

حب نفس يك قانون طبیعی و عمومی است هر شخص و هر موجود بشری خودش را بیشتر از سایرین دوست میدارد - بنا بر این جماعت نباید تهیه کردن وسایل رفاه و آسایش از دیگران انتظار داشته باشند و از آنهائیکه اخلاص و علاقه نسبت باو ندارد نباید مساعدت و خدمت توقع نماید باید عزت و اعتماد بنفس را هم در ردیف

حب نفس در نظر گرفت يك ملت و يك جماعت هر گز نباید مشتبه و مغرور باشد يك فروتنی و تواضع عجز آمیز که اساس اعتماد بنفس را مختل و متزلزل میسازد بیشتر از آن قابل رد است - عالم بشریت بر فعالیت و مساعدت تمامه عضوهای خود محتاج میباشد در جهان نمیتوان يك جماعت خیلی کوچک را تصور نمود که بشریت از وجود او استفاده نماید و بر حیات او علاقه مند نباشد خیلی مایه تاسف است ما ایرانیان قدر و قیمت خودمان را خیلی کم و بلکه هیچ پنداشته کمترین عزت نفس در خود سراغ نداریم - در حیات انفرادی این اصل بتجربه رسیده است هر کس دارای علو طبع بوده و از افکار عالیه پیروی نموده درجه و حیثیت و مقام خود را شناخته و در حفظ آن سعی و کوشش نموده است همیشه بدرجات بالاتر ارتقا یافته و بقدر همت خود بمراتب عالیه نایل گشته است - در سایه این رویه بوده است که بکعبه از ادب و فلاسفه بنام شهامت و عزت نفس خود سلاطین را در پیش عظمت و قدر مستمعین خودشان مجبور باحترام نموده و در دربار آنها بزرگترین مقام را اشغال کرده اند در ملتها نیز این عظمت و نیروی معنوی و این عزت نفس و اعتماد بنفس نتایج و آثار خود را ظاهر ساخته باعث ترقی آنان میشود ملتی که میخواهد آزاد و مستقل باشد نمیتواند نسبت بمسائل حیاتی و اجتماعی خود لاقید بماند برای داخل شدن در زمره ملل تمدن ما نیز باید افکار و حیثیات خودمان باندازه شان و مقام آنها بلند کنیم - اولین لازمه شرافت يك ملت استقلال است - ملتی که استقلال ندارد عزت ندارد استقلال هر ملت را فضایل اخلاقی میتواند محفوظ دارد - حافظ و نگهبان استقلال هر ملت شجاعت و قهرمانی آن ملت است شجاعت در ایران مفقود و یا کمیاب نیست زیرا که ایران در مقابل قوای قاعره و تهدید و فشار دول معظم هر گز خود را نپاخته و بیچاره و بینوا نموده است ایران بیشه خالی نیست از این مملکت فرزندان با عزت و با شرافت بسیار برخاسته اند شاد در هر موقع فضایل اخلاقی خود را بروز دادید بر مشکلات فائق آمدید - بیائید امروز هم نشان بدهید که ایرانی هنوز نمرده است و زنده میباشد و سجدیه اخلاقی خود را از دست نداده است (دست زندهای پر حرارت)

همه چیز تابع ملت است

ملتی را که در حال ابتدائی است ممکن است با جزئی چیزی مدتها سرگرم و مشغول داشت چهارده سال است مانند بازبچه‌هایی که در عوض پستان بدهان اطفال شیر خوار میدهند اسم «آزادی» و (مشروطه) را بدهان عوام انداخته و تاکنون او را با این غذای مصنوعی دلخوش کرده اند ولی ملت باید آنقدر رشد و کفایت بهم رساند که خود پرورد آنچه را که برای او لازم است بدست بیاورد - این قیام برای همین کار است - انتظام در امور و افکار و عقاید یک شرط اساسی است تاکنون در مملکت ما افکار و عقاید بسیار متفرق و متشتت بود - مثلاً یکی از پاریس میآید و افکار پاریس را ترویج مینماید - دیگری از لندن وارد میشود آداب لندن را پیش میکند و دوسومی از برلن میرسد نظریات برلن را تعقیب میکند بنا بر این اوضاع ایران جای از یک وضعیت در هم و برهم و شراب اليهود است اصول و سیستم‌های گوناگون در این مملکت وجود پیدا میکنند تربیت بانواع و اقسام تعقیب میشود - در نتیجه یک ملت مختلف و متفرق و یک نوده متفراوت عرض اندام میکنند - که اداره آنها در تحت یک اصول و یک طرز واحد خیلی مشکل و دشوار است - مردم نمی فهمند رژیم و طرز حکومت یعنی چه ؟ قانون چه چیز است مستبدین رفتند چاشنیان - لان مرتکب همان اعمال و افعال گشتند زیرا که ملت نمی فهمد که چه میخواهد فقط بصورت ظاهر و اسم بی مسمای قانون و مشروطه قناعت ورزید و طرف مقابل با علم و معرفتی که داشت از این اوضاع استفاده کلی کرده خیانت‌های بزرگ و جنایات مهم بنام قانون مرتکب شدند ملت باید بقباحث پاره حرکات پی ببرد - اطفال خواهش و استدعای چیزی را میکنند که دغخواه آنها بوده و آنرا با صد ناز و نیاز بدست میآورند ولی این حرکت از بزرگان قبیح است بزرگان هرگز اظهار عجز نمیکنند اشخاص سالخورده و مسن در مقام رجاء خواهش نمیآیند یک ملت رشید و بالغ عیب است تقاضا و درخواست نماید باید خودش احتیاجات

خودش را تامین و رفع کند بگوید این رژیم بد است - این اساس صحیح نیست - آن رژیم و اساس را برداشته در جای آن هر اصولی که صلاح میدانند میگذارد - ملت عاقل در تلکرافخانه جمع نمیشود از مستخدمین و نوکران خود عدالت و آزادی نمیخواهد نمیگوید بمن قانون و مشروطیت بدهید - این گدائی است این ذلت و اسارت است - و این صفت ملت رشید و زنده نیست - ما امروز میخواهیم دموکراتیک و حاکمیت ملی تاسیس نمائیم - رژیم دموکراتیک وجود و عدم شاه را در نظر نمیگیرد - بودن و نبودن شاه در اوضاع مملکت کجی کمترین تاثیری ندارد - همه چیز تابع ملت است - ملت اگر بخواد میتواند شاه را عزل و یا خلع نماید - ملت نباید مانند اطفال باشد و هر چه را دید مطالبه نماید و در عوض آن بدهان او چیزی بیاندازند که مدت چهارده سال او را مشغول دارد امروز ملت ایران آنچه لازم دارد خودش باید تهیه نماید - استدعای عاجزانه شایسته ملت زنده نیست - (مقدرات هر ملتی در دست خود آن ملت است) - ملت بر هر چه اراده نماید نایل و موفق میشود - اخیراً شنیدید که دول فاتح امپراطور آلمان (ویلهم) را که بخاک هلند پناهده شده بود از ملکه (هلاند) مطالبه نمودند - ملت هلند قیصر را نداد - مدعی هم قوا قاهره خود را نتوانست برضد آن ملت استعمال کند زیرا میدانست با استعمال قوا ملت هلند از تصمیم خود صرف نظر نخواهد کرد ممکن است شکست بخورد و مغلوب بشود ولی حق خود را هرگز منکر نخواهد شد - با وجود اینکه چندین میلیون قشون در چهار طرف مملکت سویس متحرک بود حتی طیارات دول بیگانه هم نتوانست از آسمان این کشور کوچک عبور کند ولی می بینید که هر دسته لجام کسیخته با کمال سهولت وارد ایران میشود زیرا که ملت ایران در مملکت ایران احساس نمیکنند - ملتی میبینند که اراده ندارد - بیان رای و عقیده در امور سیاسی نمیکنند - بیعلاقه است - پس امروز شما بیائید اراده کنید و بگوئید (ایران مال ایرانیان است) و آنگاه ببینند - کدام قوه کستانخ و خدا ناشناس است که بدون اندیشه بخاک ایران تجاوز نماید این قیام میخواهد این اراده را در ملت ایران پرورش بدهد تا ایران را آزاد و خلاص کند (دست زندهای شدید)

آزادی بدون حقیقت میسر نیست

يك حكومت « ایده آل » یعنی يك حكومت مطابق آمال حكومتی است که اغراض را از میان مردم برداشت فضایل و صفات حمیده بشریت را بیروز رساند در این معنی در عالم مادی عالی تر از مقام حكومت مقامی موجود نیست ولی جای ناسف است که سوء نیت اشخاص فاسد حكومت ها را بر ضد دمو کراسی ها اغوا و تحریک مینماید - تکلیف ما چیست ؟ آیا ما نباید يك حكومتی را تشکیل بدهیم که مطابق آمال ما بوده شرایط لازمه يك چنان حكومتی را حایز گردد - این هم يك مقام بسیار عالی است که تشکیل يك حكومت بیک ملت تفویض میشود هر حكومتی که در يك ممکت نسبت بیک ملت حکمرانی میکند همیشه با قابلیت و کفایت آن ملت متناسب است و هر ملتی همان حكومتی را تاسیس مینماید که استحقاق بر آن دارد يك پدر و مادر نادان و بی اطلاع ممکن نیست فرزندان خودشان را بدست معلمان مقتدر و لایق بسپارند زیرا که برای انتخاب معلم اطلاعات لازمه را ندارند همین يك ملت نادان در تعیین حکام خود دچار همین محذور خواهد شد - این قیام میخوهد ملت را برای تشکیل يك حكومت مقتدر موافق زمان حاضر و آماده سازد.

(دست زندهای طولانی)

آنکه میخوهد بمقام عالی برسد باید اول اسباب آن را فراهم بیاورد تاسیس يك حكومت دمو کراتیک سهل نیست ما فهمیده ایم که استبداد - مشروطیت - سلطنت عدل - ظلم چه ترتیبات و چه مقامی در بر دارند از طرف دیگر زمان خودمان را هم فهمیده ایم يك مسلك را نمیتوان آنآ و فوراً انتخاب و انتخاب کرد - باید صرف وقت نمود - فکر کرد و از روی اطلاع را جتهاد دانسته و فهمیده با اختیار مسلك برداخت. در مدت این چهارده سال کش مکش و زود و خورد باقوای ازنجاعی و موانع خارجی ملت ایران مانند عقربه مقناطیس قطب نما - سرگردان و متردد بود حالوقت است که

شكل مناسب يك حكومت ثابت را پیدا کند و آن شكل عبارات از حكومت ملی است (دست زندهای شدید)

خود ملت باید مقدرات خودش را معین کند اول ملت باید حقوق خود را حایز گشته و مقدرات خویش را بدست گیرد پس از آن باسباب و وسایل اداره این حقوق و مقدرات بپردازد فعلا ما میگوئیم کو قانون اساسی - کو مجلس - کو انجمن - کو وزارت کوشکیلات - قبلا باید حاکمیت ما تاسیس یابد بعد از آن موافق زمان و مکان موجبات آن حاکمیت و فراهم آوریم - امور ملی باید در دست اشخاصی باشد که مقتدر بر اصول دمو کراسی بوده و مصمم بر تطبیق و ترویج آن اصول باشند حكومت که نماینده امور ملی است - ممکن نیست بدست خائنین سپرده شود - تعلیماتی از طرف این قیام بشما داده میشود همه برای اصلاح افکار و اخلاق شما میباشد ملت باید برای مبارزه حیاتی بیشتر آشنا باشد - مادر زمانی زیست میکنیم که کوچکترین ملتها هستند بحق خود (یعنی استقلال و آزادی) میرسند و خیلی از مشاهده این وضع سروریم که ملل مجاور هم سرحد مانایل این موفقیت میشوند ولی وای بر ملتھائی که در اثر عدم لیافت رقابلیت و جدیت استقلال خود را از دست میدهند من معتقدم ایرانیان باین پیشرفتی تن نخواهند داد - این قیام برای اینست که تشکیلات ملی را تقویت کرده قابلیت زندگی او را تزئید نماید ما حكومت دمو کراتیک تشکیل خواهیم داد - و در این مرام تمام آزادیخواهان با ما شریک هستند - در تشکیلات حزبی هر فردی را بیک تکلیف و ماموریت مخصوص تعیین میشود همه باید با کمال دقت بر وظیفه خود عمل نمایند باید دانست هیئت جامعه ملت هر کز فریب نمیخورند و هیچ چیز مدت مدید از نظر او پنهان نمی ماند - هر خطا و خیانتی که در هر کجا ارتکاب شود چشم نا محدود جماعت آن را خواهند دید هر گاه سعی خواهد بمقامات عالی بر رسید خودتان را اصلاح کنید و با صفای نیت و صمیمیت بجهاد و ورزشید - هر گاه میخواید آزاد باشید باید پرستش حقیقت را پیشه خود سازید بدون حقیقت آزادی میسر نیست « دست زندهای رعد آسا »

ما طرفدار آزادی زمان هستیم ولی مخالف مد پرستی میباشیم

از قرار اطلاعی که رسیده اخطارانی که در خصوص اسرافات مدیر ستانه بانوان در اینجا شده - خانها سوء تلقی کرده اند گمان برده اند مقصود ما ممانعت از پوشیدن لباسهای جدید است - این تصور بکلی برخلاف واقع و بی ماخذ است ما طرفدار تجدد هستیم هرگز ممکن نیست يك كلام ارتجاع آمیز و یا محافظه کارانه از زبان ما صادر شود این سوء تفاهم ناشی از این بوده که عالم نسوان مانمی تواند در اجتماعات ما شرکت جوید جای افسوس است ولی شما باید بدانید که این عالم جدا گانه ولی عظیم و مهم که عالم ما صاف ترین قوای حیاتی را از آن کسب مینماید دارای يك اهمیت بزرگی است نسوان ما هم يك جماعتی تشکیل میدهند که آنها نیز در مقدرات این مملکت در آتیه این دمو کراسی سهم و حصه بزرگی را مالک مینمایند ممکن نیست ما يك قرار و تصمیمی را آغاز نمائیم و یا اظهاراتی بکنیم که بتواند ابواب تجدد را بروی نسوان ببندد مخالفت ما با اصول اسراف مدیر سنی و ولخرجی ها بیحد و حصر است که عالم نسوان ما را از پیروی حقیقت آزادی مانع میشود - باید از این اسرافات دست برداشته - سعی و غیرت و قوه و قدرت خودشان را در امری بمصرف برسانند که موافق صلاح ملک و ملت باشد خیلی خوب میشد بکمی از بانوان دانشمند مجمعی تشکیل میدادند - با لباس ساده و معقول و عاری از تزیینات اسراف آمیز در آن حضور یابند - برای خواهران سر مشق عملی باشند و بتدریج از سوء اخلاق و آلام اجتماعی و فلا کتهائی که مد پرستی دارد در عالم نسوان ما داخل مینماید جاو گیری بعمل بیاورند - در این اواخر مد پرستی و اسراف در خرج تزیینات میان خانها شدت یافته و این امر بکنوع رقابت محصول آورده که منجر بورشدهستگی خواهد بود - ما نمیتوانیم در این امر مهم اقتصادی و کشور لاقید بمانیم - اصلاحات قدام در عالم نسوان نیز باید نفوذ پیدا کند (دست زدنهای بی پایان)

يك طبقه از مردم هست که نسبت بامور ملی و اجتماعی مملکت - لاقید و بی اعتنا میباشد - لایابالی خود اندیش و مغرور هستند - و این صفات اسباب نکبت و فلاکت آنها را فراهم خواهد آورد - اما مردم عوام و عناصر صاف که بایک علاقه قلبی و روحی در امور عمومی شرکت می جویند يك طبقه عالی نری را تشکیل میدهند این طهر عادت شده که بر بچه ها ممکن است عیب گرفت و اخطار نمود که مخور مغواب - حرف مزور ۰۰۰۰۰۰ ولی هر گاه همان حرکات بایک قیاحت بزرگتری در اشخاص مسن جلوه گر شود - هرگز مورد خطاب و عتاب واقع نمیشوند بنابراین تصورات است که بکمی اشخاص مغرور و مشتبیه که بمناسبت مقام و منصب باثرونی که دارند خود را در مافوق این عوالم میدانند و ابدا خود را محتاج ندانسته و نسبت باخطارات کم اعتنا هستند باید آنها بدانند که ملتی با صفات و اخلاق خوب حاکمیت خود را تحکیم مینمایند باید عادات و اعتقادات شوم از میان ملت برداشته شود - روح ملت باید بشاش و زنده باشد و الا موفقیتی بدست نخواهد آمد -

نطق پنجاه و نهم - روز دوشنبه ۳۱ جوزا

محافظه کاری مانع از ترقی است

هر ملت مترقی باید بر ضد محافظه کاری باشد اولین وسیله ترقی «روح تجدد» است يك ملت حی وزنده بیدار و هوشیار باید همیشه بطرف تجدد و اتخاذ اصول جدید و هشیار گردد - باید دانست هر تغییراتی که بیک حرکت وارد آورده شود تکانهای سختی را تولید مینماید قبل از تصدی و اقدام بیک تجدد انقلابی باید تکانهای انفعالی و عکس العلمهای ارتجاعی را پیش بینی کرد - و در موقع عمل و تظاهرات ناگهانی نباید دچار تعجب و حیرت شد هیچ کاری بدون اشکال و موانع از پیش نمیرود - عظمت اشکالات دلیل بر اهمیت اقدامات است - و در پیش همت مردان و مجاهدت مردانه هیچ اشکال نیست که پای مقاومت بشمارد و حل نگردد - قوه ملت قاهر است و هر مانعی در پیش آن ظهور کند هر گاه اراده ملت بر قلع و قمع آن تعلق گیرد

حتماً قلع و قمع خواهد شد کوشش و مجاهدت ما بر لای تا مین و تاسیس جا کمیت دمو کراسی است (دست زدنهای شدید)

این تصمیم ما که میخواستیم جا کمیت ملی بر قرار داریم در دشمنان ما مؤثر افتاده بمقام نجریک آمده افراد قزاق را که از اوضاع با خبر نیستند و صلاح خود را تشخیص نمیدهند - و ادار بشارت کرده اند که باهالی پیچدی نمایند - امروز اخطار می شود هر قزاقی که بیکی از اهالی تعرض نماید باید جسد بیروح او در کوچه بماند (دست زدنهای بی پایان) ماهور نزد عین الدوله هم فرستاده شده است نافرور اقدامات کرده قزاقها را دعوت بمعقولیت نماید هر گاه قزاقها تولید کترین حادثه را نمایند هر چه قزاق است و هر مقام ارتجاعی که قزاق را در دست خود آلت قرار میدهد رو در رویهم محو و نابود خواهند بود (۱)

نطق شصتم - روز سه شنبه ۲۳ جوزا ۱۳۹۹

(ایران را باید از نو ساخت)

بارۀ دولتها هستند شالوده حکومتی آنها بقدری محکم و متین است که حوادث روزگار آنها را متزلزل نمیکند و مدنهای مدید پایدار میمانند دولت انگلستان همین طور است و این برای انگلیسها خیلی خوب است. آیا ایران ما هم چنین است؟

(۱) تشکیلات بر یکاد قزاق از سال ۱۸۸۰ میلادی (۱۲۹۷ قمری) دو عهد ناصرالدین شاه دو تحت فرمانند کلنل چار کوسکی روسی از افراد ایرانی بامر ناصرالدین شاه تشکیل گردیده و بوسیله یک عده صاحب منصبان روسی اداره میشدند تصد ناصرالدین شاه از تشکیل این قوه نظامی این بود که از اقدامات آزادیخواهان بر علیه سلطنت مستبد جلوگیری نماید. چنانکه این قوه همیشه برای خفه کردن روح آزادی و تهدید مجلس بکار برده شده است محمد علیشاه بوسیله قوای قزاق مجلس را بمباران کرد - و آزادیخواهان و مشروطه طلبان را دستگیر و اعدام نمود و بعد از هر نهضت آزادیخواهی بتوسط قوای قزاق خفه شده و اسکات گردیده است - قیام خیابانی نیز بر مان حاج مخبر السلطنه (مهد بقلی هدایت) بدست نیروی قزاقخانه بر چیده شد - تعرض قزاقها در شهر برای اهالی مقدمه بود که برای خاموش کردن نور آزادی تهیه و تدارک شده بود - اداره قزاقخانه تبریز در این دوره قیام در تحت اداره مرتیب اسمعیل خان فضلی و ظفر الدوله «حسن مقدم» بوده است.

هر گز بلنکه بر عکس یا پایداری شعار حکومتهای ما است اینست که باید تمام شالوده ها و بناهای ایران تجدید شود - سیاست ایران معلوم نیست و هیچ کس نمیداند بنای سیاست آن و محور دیپلوماسی آن چیست؟ معلوم نیست ایران مال انگلیس است یا قزاقخانه یا کس دیگر ولی باید این مسئله معلوم شود و یکبارہ حل گردد - اگر مال بیگانگان است باید بیگانگان ببرند و هر گاه مال بیگانگان نیست باید مال ما باشد اینست که شالوده این مملکت را باید از نو ریخت و ابنیه آنرا تجدید نمود - و بهم دیگر وصل و پیچ کرد - ایران را باید تازه ساخت - ایران باید مال ایران باشد - خزانه ایران مالیه ایران - سیاست ایران - وزارت خارجه ایران - قشون ایران باید مال ایران و بدست ایرانی باشد هیچ سیاست بیگانه و هیچ يك از ادارات ما نباید اجرای تاثیر و نفوذ نماید - ما باید بالاستقلال زیست کنیم (دست زدنهای مدید - صداهای زنده باد ایران)

در ایران ممکن نیست دو قشون موجود باشد ما از رفتار عده جدید راق استیضاح کردیم رئیس شان نمیداند قزاقخانه نمیداند عین الدوله هم اظهار بی اطلاعی میکند - این قشون کیست؟ مسئول آن کیجاست؟ ولی هر کس مسئول است باید بداند هر گاه قضیه واقع شود ملت و جماعت قزاقها را نیست و نابود خواهند کرد ما هم نخواهیم دانست که قزاقها بکجا رفته و آنها را در کجا معدوم ساخته اند - خوبست قزاقخانه تاریخ را فراموش ننماید - ملت تبریز را هر گز قوه های نظامی ساکت نکرده اند - قبل از قزاقها خواستند نظمیه را بر علیه ما استعمال کنند - افراد نظمیه ما ما همراه شد - افراد و صاحب منصبان با شرف قزاقخانه نیز با ما همراه است - در موقع لزوم بما ملحق میشوند ما عقیده داریم قزاق با پول ایران اداره میشود باید خادم منافع ایران باشد - قزاق نباید از ژاندارم و نظامی و سرباز تفاوت داشته باشد تمام این قوا باید بدرد ملت و دمو کراسی بخورد باید در سراسر ایران جا کمیت دمو کراسی تاسیس شود و تمام این سرنیزه ها باید با مر آن جا کمیت سر فرود بیاورند فعلا در تبریز چنانکه آژان

- ژاندارم - نظام تابع ما است قزاقخانه نیز باید در تابعیت ما باشد و ما را بشناسد نه
 مرا کز آشوب خیز تهران را - هر کس میخواهد در دست مرجعین تهران آلت بشود
 باید از چنگ ما خلاص شده خود را به تهران برساند (دستزدهای شدید)
 (پایان دوره اول نطقهای خیابانی)

یادآوری

دوره اول نطقهای مرحوم خیابانی که در مدت دو ماه و نیم قیام در صحن اداره
 روزنامه (تجدد) ایراد کرده بود در اینجا پایان یافت - دوره دوم نطقهای آن مرحوم
 که در عالی قاپو مرکز ایالت و حکومت آذربایجان ایراد کرده است بنام (بخش
 دوم نطقهای شیخ محمد خیابانی) چاپ میشود

حسین فرزاد (عباسزاده)



فهرست مندرجات

مجموعه نطقهای شیخ محمد خیابانی

بخش اول حاوی ۶۰ نطق مهم

| شماره ردیف | شرح مندرجات | صفحه |
|------------|--|------|
| ۱ - | مقدمه | ۲ |
| ۲ - | زندگانی خیابانی | ۴ |
| ۳ - | قیام خیابانی | ۴ |
| ۴ - | نطق اول - رادیکالیسم و اوپوتنیسم | ۵ |
| ۵ - | نطق دوم - اتحاد - تفرقه | ۷ |
| ۶ - | نطق سوم - حاکمیت ملت | ۷ |
| ۷ - | نطق چهارم - لزوم تشکیلات در هیئت اجتماعی | ۸ |
| ۸ - | نطق پنجم - یافشاری راستقامت | ۹ |
| ۹ - | نطق ششم - افکار عمومی | ۱۰ |
| ۱۰ - | نطق هفتم - فلسفه تأثیر کلام - راست و دروغ در سیاست | ۱۲ |
| ۱۱ - | نطق هشتم - علاقه و تقلید | ۱۳ |
| ۱۲ - | نطق نهم - هیئت اجتماعی و محیط | ۱۵ |
| ۱۳ - | نطق دهم - لزوم مرکزیت | ۱۶ |
| ۱۴ - | نطق یازدهم - فکر باید هادی انقلاب و تکامل باشد | ۱۸ |
| ۱۵ - | نطق دوازدهم - جماعت و ملت | ۲۰ |
| ۱۶ - | نطق سیزدهم - بیاد شهدای آزادی | ۲۲ |

| شماره دیف | شرح مندرجات | صفحه |
|-----------|--|------|
| ۱۷ | نطق چهاردهم - باید بفهمیم که چه میخواهیم | ۲۳ |
| ۱۸ | نطق پانزدهم - آذربایجان آزادی ایران را تا مین خواهد کرد این قیام برای چیست | ۲۵ |
| ۱۹ | نطق شانزدهم - آزادی قبل از همه چیز | ۲۸ |
| ۲۰ | نطق هفدهم - گریه و شادی - فردو جمعیت - اراده ملت مافوق همه است | ۲۹ |
| ۲۱ | نطق هیجدهم - برای اجرای اصلاحات خودمان را باید قبلا اصلاح کنیم | ۳۴ |
| ۲۲ | نطق نوزدهم - دشمنان ما قوی و بیدارند باید بیدار باشیم | ۳۶ |
| ۲۳ | نطق بیستم - وحدت عقیده محبت می آورد | ۳۹ |
| ۲۴ | نطق بیست و یکم - جشن افتتاح مجلس شورای ملی | ۴۲ |
| ۲۵ | نطق بیست و دوم - هر زمانی تقاضائی دارد | ۴۴ |
| ۲۶ | نطق بیست و سوم - مادت مانع ترقی و تجدد است | ۴۸ |
| ۲۷ | نطق بیست و چهارم - شعار مخصوص ملل | ۵۲ |
| ۲۸ | نطق بیست و پنجم - { قرن بیستم - قیامها - اعمال جماعت عوام - حرکت عمومی مسلمین - جراید تهران | ۵۴ |
| ۲۹ | نطق بیست و ششم - ضعیف حق حیات ندارد - خائن باید مجازات شود - دشمن را در تاریکی نگهدارید | ۵۷ |
| ۳۰ | نطق بیست و هفتم - قول و فعل - آداب و رسوم - فلسفه هستی و نیستی | |
| ۳۱ | دشمنان آزادی - علاقه مندی | ۵۹ |
| ۳۱ | نطق بیست و هشتم - تکلیف و وظیفه - رمضان و روزمه - آزادی و امنیت | ۶۲ |
| ۳۲ | نطق بیست و نهم - ایران را ایرانی باید آزاد کند | ۶۴ |
| ۳۳ | نطق سی ام - امنیت و آسایش | ۶۵ |
| ۳۴ | نطق سی و یکم - عزم و عمل | ۶۶ |
| ۳۵ | نطق سی و دوم - آزادی با خودسری فرق دارد | ۶۸ |
| ۳۶ | نطق سی و سوم - سقوط و اعتلا | ۷۰ |

شماره ثبت ۱۶۹۶ - ۳۷/۸/۱۲

انتشارات احسان

عباس آباد چهارراه فرح نبش آپادانا

۱۳۰ ریال